

بیت



شرکت چاپ و انتشارات
وابسته به سازمان اوقاف و امور خیریه

آشنایی با نظام مدیریت وقف و امور خیریه در کشور لبنان / گردآورنده ؛ دفتر نوسازی و تحول معاونت توسعه و پشتیبانی سازمان اوقاف و امور خیریه - تهران: شرکت چاپ و انتشارات؛ سازمان اوقاف و امور خیریه. ۱۷۲ ص.

ISBN: 978 - 964 - 422 - 906 - 0

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیپا.

چاپ اول: ۱۳۹۶.

۱. وقف - لبنان. ۲. خیریه - لبنان. الف. دفتر نوسازی و تحول معاونت توسعه و پشتیبانی سازمان اوقاف و امور خیریه. ب. ایران. شرکت چاپ و انتشارات ؛ سازمان اوقاف و امور خیریه. ج. آشنایی با نظام مدیریت وقف و امور خیریه در کشور لبنان.

۲۹۷/۳۷۲

BP۱۹۳/۲/۶۸۵

۱۳۹۵

۴۶۴۷۵۱۸

کتابخانه ملی ایران

**آشنایی با نظام مدیریت وقف و امور خیریه در کشور
لبنان**



**Management system of endowment and charitable affairs in
Lebanon**

تهیه و تألیف: دفتر نوسازی و تحول معاونت توسعه و پشتیبانی سازمان اوقاف و امور خیریه

تهران ۱۳۹۶



شرکت چاپ و انتشارات
وابسته به سازمان اوقاف و امور خیریه

آشنایی با نظام مدیریت وقف و امور خیریه در کشور

لبنان

Management system of endowment and charitable affairs in
Lebanon

لیتوگرافی، چاپ و صحافی: [ای] شرکت چاپ و انتشارات
وابسته به سازمان اوقاف و امور خیریه

چاپ اول: بهار ۱۳۹۶
شمارگان: ۲۰۰ نسخه

تمامی حقوق چاپ و نشر این اثر در انحصار
دفترنوسازی و تحول معاونت توسعه مدیریت و پشتیبانی سازمان اوقاف و امور خیریه است

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۴۲۲-۹۰۶-۰
ISBN: 978 - 964 - 422 - 906 - 0

چاپخانه، انتشارات، پخش و فروشگاه:

کیلومتر ۵ جاده مخصوص کرج، نیش سه راه شیشه مینا، تهران ۱۳۹۷۸۱۵۳۱۱
تلفن: (چهار خط) ۴۴۵۱۳۰۰۲، نمابر: ۴۴۵۱۴۴۲۵، انتشارات و فروشگاه: ۴۴۵۲۹۶۰۱
تلفن پخش: ۴۴۵۱۴۴۱۱، تلفکس پخش: ۴۴۵۱۴۴۲۵

سازمان اوقاف:

تهران، خ نوفل لوشاتو، ساختمان مهر طبقه اول، دفترنوسازی و تحول معاونت توسعه مدیریت و پشتیبانی

شماره تماس: ۶۴۸۷۱۱۴۹ و ۶۴۸۷۱۱۰۸

سایت سازمان: www.mfso.ir

فهرست مطالب

مقدمه	۱۱
پیشگفتار	۱۳

فصل اول

۱- اطلاعات کلی کشور لبنان	۲۳
۱-۱- مقدمه	۲۳
۲-۱- اطلاعات جغرافیایی	۲۴
۱-۲-۱- تقسیمات کشوری لبنان	۲۷
۳-۱- اطلاعات اقتصادی	۲۸
۴-۱- اطلاعات سیاسی اجتماعی	۳۳
۱-۴-۱- جمعیت و پراکندگی سنی	۳۹
۵-۱- اطلاعات فرهنگی مذهبی	۴۰

فصل دوم

۲- مفهوم وقف و امور خیریه در کشور لبنان	۴۵
۱-۲- مقدمه	۴۵
۲-۲- منابع قانونی در زمینه وقف در کشور لبنان	۴۵
۳-۲- تعریف وقف	۴۷
۱-۳-۲- عدم تعریف وقف در قانون لبنان	۴۷
۴-۲- انواع وقف	۴۸
۱-۴-۲- قانون لبنان	۴۸
۵-۲- وقف دائم و وقف موقت	۴۹

۴۹ ۱-۵-۲ - قانون لبنان
۵۰ ۶-۲ - ایجاد وقف
۵۰ ۱-۶-۲ - قانون لبنان
۵۰ ۷-۲ - صحت وقف
۵۱ ۱-۷-۲ - قانون لبنان
۵۲ ۸-۲ - اهلیت واقف
۵۲ ۱-۸-۲ - قانون لبنان
۵۲ ۹-۲ - وقف غیرمسلمان
۵۲ ۱-۹-۲ - قانون لبنان
۵۳ ۱۰-۲ - شروط واقف
۵۳ ۱-۱۰-۲ - قانون لبنان
۵۴ ۱۱-۲ - اموال وقف شده
۵۴ ۱-۱۱-۲ - قانون لبنان
۵۵ ۱۲-۲ - موقوف علیه
۵۵ ۱-۱۲-۲ - قانون لبنان
۵۶ ۱۳-۲ - بازگشت از وقف
۵۷ ۱-۱۳-۲ - قانون لبنان
۵۷ ۱۴-۲ - نظارت و اداره ی اوقاف و سرپرستی آن ها
۵۹ ۱-۱۴-۲ - قانون لبنان
۶۰ ۱۵-۲ - پایان وقف
۶۱ ۱-۱۵-۲ - قانون لبنان
۶۲ ۱۶-۲ - اسناد و قوانین وقف و امور خیریه در کشور لبنان
۶۲ ۱-۱۶-۲ - اوقاف اسلامی در لبنان (تحقیقات، بحث ها و توصیفات)
۶۳ ۲-۱۶-۲ - قانون ساختار و تشکیلات اوقاف لبنان
۶۳ ۳-۱۶-۲ - قانون وزارت امور اجتماعی

فصل سوم

۶۷ ۳ - روند توسعه و وضعیت موجود وقف و امور خیریه در کشور لبنان
۶۷ ۱-۳ - روند توسعه مدیریت وقف در لبنان
۶۸ ۱-۱-۳ - وضعیت موجود تجهیزات اوقاف عکار
۶۸ ۲-۳ - مقایسه وضعیت کشور لبنان در امور خیریه با دیگر کشورها

- ۷۳-۳-۳ مساجد شاخص کشور لبنان ۷۳
- ۷۵-۳-۳-۱-۱ مسجد جامع عمری ۷۵
- ۷۶-۳-۳-۲-۲ مسجد رأس الحسین (ع) ۷۶
- ۷۷-۳-۳-۳-۳ مسجد فخرالدین ۷۷
- ۷۸-۳-۳-۴-۴ مسجد محمد الامین (ص) ۷۸
- ۷۸-۳-۴-۴ نظارت بر مساجد ۷۸

فصل چهارم

- ۸۳-۴- نگاشت نهادی نظام مدیریت وقف و امور خیریه در کشور لبنان ۸۳
- ۸۳-۴-۱-۱ مقدمه ۸۳
- ۸۳-۴-۲-۲ انواع کنشگران فعال در حوزه وقف و امور خیریه ۸۳
- ۸۴-۴-۱-۲-۱ سیاست‌گذار ۸۴
- ۸۵-۴-۲-۲-۲ تنظیم‌گر ۸۵
- ۸۸-۴-۲-۳-۲ تسهیل‌گر ۸۸
- ۸۸-۴-۲-۴-۴ ارائه‌دهنده خدمات ۸۸
- ۹۰-۴-۳- نگاشت نهادی نظام مدیریت وقف و امور خیریه، مساجد، قرآن و امور اسلامی ۹۰
- ۹۰-۴-۱-۳-۴ دارالفتوای لبنان ۹۰
- ۹۱-۴-۱-۳-۴ دارالفتوای شمال و طرابلس ۹۱
- ۹۳-۴-۲-۳-۴ اداره عمومی اوقاف اسلامی ۹۳
- ۹۵-۴-۱-۲-۳-۴ ساختار سازمانی اداره عمومی اوقاف ۹۵
- ۹۶-۴-۲-۲-۳-۴ دایره امور مساجد و جشن‌ها ۹۶
- ۹۶-۴-۳-۳-۴ اداره اوقاف اسلامی عکار ۹۶
- ۹۷-۴-۱-۳-۳-۴ تجهیزات اوقاف عکار ۹۷
- ۹۷-۴-۲-۳-۳-۴ بخش‌های اداره اوقاف عکار ۹۷
- ۹۸-۴-۳-۳-۳-۴ بخش امور دینی ۹۸
- ۹۹-۴-۳-۳-۴-۴ بخش امور وقفی و زمین‌ها ۹۹
- ۹۹-۴-۳-۳-۴-۵ بخش صندوق زکات عکار ۹۹
- ۹۹-۴-۳-۴-۴ شورای اعلیٰ شیعی ۹۹
- ۱۰۰-۴-۳-۴-۱-۴ وظایف شورای امور اعلیٰ شیعی ۱۰۰
- ۱۰۱-۴-۳-۵-۴ وزارت امور اجتماعی ۱۰۱

- ۱۰۳..... ۴-۳-۱-۵- وظایف وزارت امور اجتماعی
- ۱۰۳..... ۴-۳-۶- صندوق زکات
- ۱۰۵..... ۴-۳-۱-۶- اهداف صندوق زکات
- ۱۰۵..... ۴-۳-۷- جمعیت خیریه حمایت از کودکان
- ۱۰۶..... ۴-۳-۱-۷- اهداف اصلی جمعیت
- ۱۰۶..... ۴-۳-۸- مؤسسه خیریه مقاصد اسلامی
- ۱۰۷..... ۴-۳-۱-۸- خدمات مؤسسه
- ۱۰۸..... ۴-۳-۹- جمعیت خیریه مبرات
- ۱۰۹..... ۴-۳-۱-۹- زمینه‌های فعالیت مؤسسه

فصل پنجم

- ۱۱۵..... ۵- جمع‌بندی
- ۱۲۱..... منابع

پیوست

- ۱۲۷..... نظام اوقاف لبنان

فهرست شکل‌ها

- شکل ۱-۱: نقشه جغرافیای کشور لبنان ۲۴
- شکل ۱-۲: نمایی از شهر بیروت پایتخت لبنان ۲۶
- شکل ۱-۳: استان‌های کشور لبنان ۲۷
- شکل ۱-۴: تولید ناخالص داخلی لبنان ۲۹
- شکل ۱-۵: نمودار تولید ناخالص داخلی کشور لبنان در مقایسه با کشور ایران ۳۰
- شکل ۱-۶: تولید ناخالص داخلی سرانه برای کشورهای ایران و لبنان ۳۱
- شکل ۱-۷: رشد تولید ناخالص داخلی برای ایران و لبنان ۳۱
- شکل ۱-۸: رشد تولید ناخالص داخلی سرانه برای ایران و لبنان ۳۲
- شکل ۱-۹: درآمد ناخالص داخلی برای کشورهای ایران و لبنان ۳۳
- شکل ۱-۱۰: درآمد ناخالص داخلی سرانه ایران و لبنان ۳۳
- شکل ۱-۱۱: ساختار سیاسی کشور لبنان ۳۸
- شکل ۱-۱۲: روند رشد جمعیتی کشور لبنان ۳۹
- شکل ۱-۱۳: امید به زندگی در هنگام تولد در کشور لبنان ۴۰
- شکل ۱-۱۴: توزیع پیروان ادیان در لبنان ۴۱
- شکل ۱-۱۵: نمودار پیروان ادیان در لبنان به جزء ۴۱
- شکل ۳-۱: نمودار رتبه‌بندی کشورهای مختلف در شاخص‌های بخشندگی ۶۹
- شکل ۳-۲: رتبه‌بندی کشورهای جهان بر اساس میزان بخشندگی ۷۰
- شکل ۳-۳: نمودار تعداد پناهجویان و درآمد آن‌ها در کشورهای مختلف مهاجرپذیر ۷۱

- شکل ۳-۴: کشورهای دریافت‌کننده بیشترین میزان کمک‌های بشردوستانه ۷۲
- شکل ۳-۵: سهم کشورهای مختلف در ارسال کمک‌های خیریه به لبنان ۷۳
- شکل ۳-۶: مسجد العمری ۷۶
- شکل ۳-۷: مسجد رأس الامام حسین (ع) ۷۷
- شکل ۳-۸: مسجد فخرالدین ۷۷
- شکل ۳-۹: مسجد محمد الامین (ص) ۷۸
- شکل ۴-۱: نگاهت نهادی نظام مدیریت وقف و امور خیریه، مساجد، قرآن و امور اسلامی در لبنان ۹۰
- شکل ۴-۲: سایت دارالفتوای لبنان ۹۱
- شکل ۴-۳: سایت دارالفتوای شمال و طرابلس ۹۲
- شکل ۴-۴: الشیخ عبد اللطیف دریان مفتی اعظم لبنان ۹۴
- شکل ۴-۵: ساختار سازمانی اداره عمومی اوقاف ۹۵
- شکل ۴-۶: سایت شورای امور اعلی شیعی ۱۰۰
- شکل ۴-۷: برند شورای اعلی شیعی ۱۰۱
- شکل ۴-۸: سایت وزارت امور اجتماعی ۱۰۲
- شکل ۴-۹: سایت صندوق زکات ۱۰۴
- شکل ۴-۱۰: سایت جمعیت خیریه حمایت از کودکان ۱۰۵
- شکل ۴-۱۱: سایت مؤسسه خیریه مقاصد اسلامی ۱۰۷
- شکل ۴-۱۲: سایت جمعیت خیریه مبرات ۱۰۹
- شکل ۴-۱۳: یتیم‌خانه امام علی (ع) در جنوب ۱۱۰
- شکل ۴-۱۴: یتیم‌خانه یوسف نبی (ع) در بیروت ۱۱۰
- شکل ۴-۱۵: یتیم‌خانه ابراهیم نبی (ع) در جنوب ۱۱۱
- شکل ۴-۱۶: مرکز نگهداری معلولان در بیروت ۱۱۱
- شکل ۴-۱۷: مدرسه امام حسین (ع) در بیروت ۱۱۲

مقدمه

از دیرباز سنت حسنه وقف در همه ادیان آسمانی و جوامع بشری مورد توجه و اهتمام وافر قرار داشته است. دین مبین اسلام نیز همچون سایر ادیان الهی اهتمام ویژه‌ای به ترویج وقف در بین مسلمین دارد، به گونه‌ای که پیشوایان اسلام ناب همگی از جمله واقفین و متولیان موقوفات بوده‌اند. در طی قرون متمادی نهاد وقف نقطه اتکاء و مهمترین بستر تعالی نهاد دین و یکی از زیرساخت‌های کلیدی فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی اداره جوامع اسلامی بوده است. با توجه به اهداف بلند انقلاب اسلامی در راستای ایجاد جامعه اسلامی ایرانی و تمدن بین‌الملل اسلامی، احیاء نهاد وقف و شکوفایی هر چه بیشتر موقوفات از ضروریات اساسی‌ای است که مورد تاکید مکرر مقام معظم رهبری قرار دارد.

در این راستا سازمان اوقاف و امور خیریه به عنوان حکمران نهاد وقف بر آن شد تا با مطالعه نظام مدیریت وقف و امور خیریه سایر کشورها، مقدمات آشنایی و بهره‌گیری از ظرفیت‌ها و توانمندی‌های سایر ملل، و توسعه ارتباطات بین‌المللی در حوزه وقف، به ویژه ارتباطات با کشورهای و ملت‌های مسلمان را فراهم نماید. لذا از سال گذشته معاونت توسعه مدیریت و پشتیبانی سازمان اقدام به تعریف و راهبری پروژه پژوهشی «شناخت وضعیت نظام مدیریت وقف و امور خیریه پانزده کشور اسلامی و پانزده کشور غیراسلامی» نمود که نتایج آن در قالب بیش از سی کتاب مستقل منتشر شد و در همایش هفته وقف سال جاری توسط جناب آقای دکتر صالحی امیری، وزیر محترم فرهنگ و ارشاد

اسلامی، جناب آقای دکترستاری، معاون محترم علم و فناوری ریاست جمهوری و حجت الاسلام والمسلمین محمدی، نماینده ولی فقیه و ریاست محترم سازمان اوقاف و امور خیریه رونمایی گردید.

اجرای این پروژه مرهون تلاش افراد متعددی است که در اینجا لازم می دانم از زحمات همه آن ها به ویژه مدیرکل دفتر نوسازی و تحول اداری، جناب آقای دکتر غلامعلی رحیمی و کارشناسان این دفتر، آقایان اسماعیل خارستانی و علی علاءالدینی که نقش کارفرمایی این مطالعات را برعهده داشتند، و جناب آقای محمدمهدی جعفری که مدیریت اجرای این پروژه را برعهده داشت، و همکاران ایشان، آقایان علیرضا رحیمی و یوسف پناهی تشکر و قدردانی نمایم.

همچنین مراتب سپاس خود را از زحمات بی دریغ جناب آقای حسین آب نیکی— مشاور عالی ریاست سازمان اوقاف و امور خیریه— که نظارت بر این پروژه را برعهده گرفت و در جهت ارتقاء کیفی آن تلاش نمود اعلام می دارم.

معاون توسعه مدیریت و پشتیبانی

سازمان اوقاف و امور خیریه

زمستان ۱۳۹۵

پیشگفتار

مطالعه نظام مدیریت وقف و امور خیریه کشورهای جهان از شهریورماه سال ۱۳۹۴ به منظور آشنایی با پیشینه، روند توسعه وضعیت و عملکرد فعلی کشورها در این حوزه، نگاشت نهادی مجموعه‌های فعال در بخش وقف (شامل معرفی نهادها و روابط ما بین آن‌ها) و برنامه‌های آتی این کشورها با هدف استفاده از تجربیات موفق و پرهیز از تجربیات ناموفق، با لحاظ اقتضائات منحصربه‌فرد کشورهای مورد مطالعه، در دستور کار قرار گرفت و عملیاتی گردید.

به منظور تحقق اهداف مدنظر، شرح خدمات این پروژه در قالب چهار فاز ذیل طراحی و اجرا گردید:

- فاز صفر: تدوین طرح و چارچوب اولیه
 - فاز اول: تعیین شاخص‌های انتخاب کشورهای مدنظر و انتخاب و نهایی سازی کشورها
 - فاز دوم: گردآوری، تحلیل و جمع‌بندی گزارش مطالعات انجام شده مرتبط
 - فاز سوم: جمع‌آوری و تجزیه و تحلیل اطلاعات هریک از کشورهای مدنظر
 - فاز چهارم: جمع‌بندی و نتیجه‌گیری کلی مطالعه
- فاز صفر به تدوین چهارچوب کلان، تفصیلی و محدوده پروژه و جزئیات هریک از مراحل و فعالیت‌ها اختصاص یافت. در فاز اول شاخص‌هایی جهت انتخاب کشورهای هدف مطالعه، تعیین گردید و مبتنی بر این شاخص‌ها، کشورهای مدنظر

جهت مطالعه، مشخص شدند. این شاخص‌ها به‌گونه‌ای انتخاب شدند که کشورهای همسایه، کشورهای اسلامی فعال در حوزه وقف و امور خیریه، کشورهای موفق در حوزه وقف و امور خیریه در دنیا و نیز کشورهای مشابه جمهوری اسلامی ایران از جهت وضعیت فرهنگی، اجتماعی و دینی مورد مطالعه قرار گیرند.

فاز دوم با عنوان «گردآوری، تحلیل و جمع‌بندی مطالعات انجام‌شده» به جمع‌آوری و تحلیل مطالعات موجود در کشور در خصوص نظام مدیریت وقف و امور خیریه سایر کشورها اختصاص یافت. هدف این فاز بهره‌برداری از اطلاعات و پژوهش‌های مرتبط انجام‌شده موجود در کشور و همچنین پرهیز از نادیده گرفتن مطالعات پیشین بود.

فاز سوم نیز به ترتیب به جمع‌آوری اطلاعات پیرامون نظام وقف و امور خیریه کشورهای منتخب از منابع مکتوب، اینترنتی و سایر منابع در دسترس، و تجزیه و تحلیل اطلاعات و جمع‌بندی مطالب اختصاص یافت. در نهایت طی فاز چهارم جمع‌بندی و نتایج حاصل از مطالعه همه کشورها و نتیجه‌گیری کلی مطالعه انجام و ارائه گردید.

مجموعه کشورهایایی که در این پروژه هدف مطالعه قرار گرفتند شامل پانزده کشور اسلامی و پانزده کشور غیراسلامی می‌باشد که با توجه به شاخص‌های مدنظر سازمان، همچون همسایگی و ویژگی‌های اجتماعی و فرهنگی مشابه با جمهوری اسلامی ایران، برخورداری از نظام مدیریت و فعالیت‌های درخور تامل در حوزه وقف و امور خیریه، وجود ارتباطات بخش وقف و امور خیریه بین جمهوری اسلامی ایران و کشور مورد مطالعه و مواردی از این دست، انتخاب شدند.

پژوهش حاضر، در خصوص وقف و امور خیریه در کشور لبنان می‌باشد و در آن مطالبی مرتبط با امور وقف و خیریه مانند نهادهای حاکم، سیاست‌گذار و مدیریتی وقفی، سیاست‌های اجرایی، چشم‌اندازها، مأموریت‌ها و برنامه‌هایشان و همچنین سازمان‌ها، مؤسسات و نهادهای فعال دیگر که در این حوزه تلاش می‌نمایند، بررسی شده است.

یکی از کشورهای اسلامی منتخب لبنان است. ارتباط گسترده سیاسی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران و لبنان، اهمیت لبنان در منطقه و قرابت دینی و

مذهبی بین آن کشور با کشور ما، از جمله دلایل انتخاب لبنان به عنوان یکی از کشورهای هدف مطالعه می باشد.

پژوهش حاضر حاصل گزارش بررسی ساختار و وضعیت نظام وقف و امور خیریه کشور لبنان می باشد و در آن وضعیت جغرافیایی، اقتصادی، سیاسی اجتماعی و فرهنگی مذهبی کشور لبنان مفهوم وقف و امور خیریه، روند توسعه و وضعیت موجود بخش وقف و امور خیریه، نگاشت نهادی بخش وقف و امور خیریه و قوانین این بخش در کشور لبنان طی فصول یک الی پنج به اجمال بررسی شده است.

برای انجام تحقیق حاضر در ابتدا به منظور به دست آوردن اطلاعات کلی در زمینه‌های مختلف کشور لبنان، اعم از اطلاعات اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی پرداخته شد. این اطلاعات به راحتی و با یک جستجوی ابتدایی از سایت‌هایی نظیر ویکی‌پدیا و سایت‌های مشابه آن به دست آمدند. برای بررسی آمار و اطلاعات مرتبط با امور خیریه‌ای و شاخص‌های بخشندگی کشور لبنان مقالات و گزارشات بررسی شدند. این گزارشات شامل ۲ گزارش خارجی مربوط به سال‌های ۲۰۱۴ تا ۲۰۱۶ بودند و اطلاعات بسیار جالبی را در ارتباط با کشور لبنان در اختیار قرار دادند. در این ۲ گزارش رتبه‌بندی کشور لبنان در میان دیگر کشورهای جهان و شاخص‌های بخشندگی آن مور بررسی قرار گرفته بودند و توانستند اطلاعات مفیدی در خصوص وضعیت بخشندگی و امور خیریه در لبنان را نشان دهند. همچنین اطلاعات بسیار مفیدی در خصوص میزان کمک‌های انجام شده از دولت‌های جهانی به لبنان در سال‌های اخیر و رتبه لبنان در دریافت این کمک‌های خیریه ارائه شد.

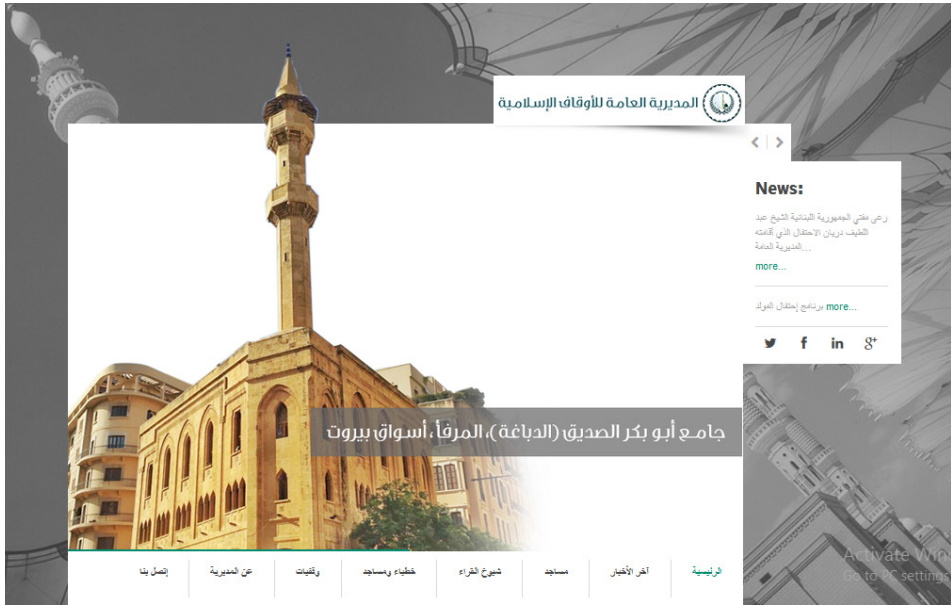


سپس برای بررسی تخصصی در زمینه امور وقف و خیریه به اطلاعات موجود در فاز یک این پروژه مراجعه شد و اطلاعات بسیار مناسبی در خصوص قوانین وقف در کشور لبنان به دست آمد. این اطلاعات مربوط به مطالعه‌ای با نام «احکام و قوانین وقف در کشورهای مصر، لبنان و کویت» بود. با مطالعه این مقاله اطلاعات مربوط به قوانین وقف لبنان به دست آمد.

	۷۷۶۹۱  مجلس شورای اسلامی ایران شعبه حقوق و امور اجتماعی تهران - پ. م. ۱۳۳۱ چاهکلی ۳۳۰
<h2>احکام و قوانین وقف</h2> <h3>در کشورهای مصر، لبنان و کویت</h3> <p>دکتر داهی الفضلی</p>	
<p>و زمینه عملی شدن اهداف آن را فراهم نماید و پیش از همه اینها وجود چنین نظام قانونی مهمی را در کشورها و مناطق مختلف جهان ایجاد کند. بدین ترتیب مردم خیریه وقف کردن اموالشان می‌باشد. بدون شک وضع قوانین مربوط به وقف و نفیث آنها، خود یک تحول کیفی بسیار مهم در زمینه عملی کردن سنت وقف است.</p> <p>قوانین و موضوع پیشرفت و توسعه دور جدیدی را در زمینه‌های مربوطه آغاز می‌کند. بویژه که سازماندهی تشکیلاتی کنونی کشورها و مؤسسات آنها اقتضا می‌کند که احکام و ضوابط شرعی نیز از کتال قوانین جاری کشور بیاید. باید توجه داشت در تفسیر ضوابط و احکام شرعی و اجرای آنها شکلی به وجود نیاید و مستقیم قضائی هر کشور نیز بتواند با نظارت بر امور وقف و حل منازعات مربوط به آن نقش قانونی خود را ایفا نماید.</p> <p>و لذا تدبیر خردمندانه مرکزی اوقاف در کشور کویت به امر قانونگذاری و تقویت قوانین وقف و تأسیس یک نهاد قانونی که بتواند اهداف فوق را بیاید نماید، عنایت ویژه‌ای نموده و تدبیر خردمندانه مرکزی اوقاف کویت در چارچوب برنامه</p>	<p>پیش گفتار</p> <p>مسئله قوانین مربوطه به وقف از اهمیت زیادی برخوردار است. بویژه در شرایط کنونی که اقدامات در زمینه وقف شاهد تحول و گسترش تلاشها و گرايشهاي جهت احیای سنت حسنة وقف و نفیث نقش اجتماعی آن است و این اقدامات به نفع خود پیشگامه‌ای برای افزایش تلاشها با هدف توسعه و پیشرفت جامعه می‌باشد.</p> <p>از دیگر سو وجود چارچوبهای قانونی مناسب و سرچشمه گرفته از مبانی قانونی که وقف را تحت ضوابط و احکام روشن و دقیق و در عین حال قابل انطباق قرار دهد، می‌تواندست و وقف و امور مربوط به آن را نظم بخشد و به آن راه در مراحل مختلف و در حرکت خود همراهی نموده و به نفع بشناسد. این مسأله از مهمترین چالشهای وقف و ضرورتی است که پیشرفت آن است به گونه‌ای که بتواند پیشگامانه برای اوقاف فراهم نموده و با استفاده از قوانین و استوار آنرا تضمین نماید و سازمان و ابزار و وسائل لازم برای تحقق شایستگیها و فعال بودن وقف و افزایش قدرت</p>

در فصول ۳ و ۴ و ۵ به بررسی سازمانها، برنامه‌ها و وضعیت موجود وقف و امور خیریه در کشور لبنان پرداخته شد. اطلاعات این فصول از سایتها و مقالات و مجلات مختلفی که عمدتاً به زبان عربی بودند، به دست آمدند.

برای مطالعه در خصوص نگاهت نهادی کشور لبنان در ابتدا نهاد اصلی این کشور، یعنی اداره عمومی اوقاف اسلامی لبنان مورد بررسی قرار گرفت. سایت اداره عمومی اوقاف اطلاعات کافی و مناسبی را در ارتباط با فعالیت‌های بخش‌های مختلف خود در اختیار قرار نداد تنها شامل یک سری اطلاعات کلی بود.



با مطالعاتی که در تاریخچه‌ها و روند توسعه کشور لبنان در زمینه وقف مطالعه گردید، وجود نهاد دیگری به نام دارالفتوی مشخص گردید. با جستجویی که در زمینه این سازمان انجام گرفت، اطلاعاتی در خصوص آن به دست آمد. سپس به جستجوی اطلاعاتی در خصوص اداره‌های اوقاف لبنان پرداخته شد و اطلاعاتی از آن‌ها به دست آمد.

همچنین سایت وزارت امور اجتماعی لبنان نیز که نظارت بر مؤسسات خیریه و صدور مجوز بر آن‌ها را به عهده دارد نیز بررسی شد و اطلاعات جامعی از آن به دست آمد.

الجمهورية اللبنانية | English | عربي | 24 تشرين الثاني 2016

وزارة الشؤون الإجتماعية

الصفحة الرئيسية | الوزارة | المراكز | الخدمات | المشاريع المنبثقة عن الوزارة | المشاريع مع المنظمات الدولية | الشراكة مع القطاع الأهلي | المعاملات | القوانين

خراطم المخاطر والموارد
مشروع دعم المجتمعات اللبنانية المضيفة

خراطم المخاطر والموارد ضمن مشروع دعم المجتمعات اللبنانية المضيفة، لتطريد

الخدمات
التطوع يعود في الأصل إلى الطبيعة البشرية، وهو بالتالي ليس مجرد فعل يقوم به الفرد

"أبو العيد" حلم... وربما فرنجية حققت!
تتكون طعمة- النهار ما ان نشرت "النهار" في 4 آب العالت، موضوعاً بعنوان: "هل تحقق ريم فرنجية حلم "أبو العيد" الذي ناشدها آنذاك مساعدة نبطه محمد، حتى سارعت ولت النداء... فمه "أبو العيد" تشبه فصلاً كبيرة لأناس يعانون الفقر والحرمان... ماذا طلب قبل 3 أشهر وتحقق اليوم؟ إنه عبد الفتاح جماعي، الرجل الخمسيني، الملقب بـ"أبو العيد"، المشهور بأطيب كعكة طرابلسية في مدينته، يعمل منذ أكثر من 25 سنة أمام عربة بسفط،

1 2 3

كل الأضداد

الأخبار

سپس مؤسسات خیریه اصلی و رسمی ثبت شده در لبنان مورد مطالعه قرار گرفتند. این مؤسسات اطلاعات و فعالیت های خود را در لبنان به صورت کاملی در سایت های خود در معرض مطالعه قرار داده بودند. این اطلاعات تقریباً به طور کامل و با جزئیات مورد مطالعه قرار گرفت و برنامه ها و فعالیت های آنان در گزارش بیان گردید.

المقاصد

عن الجمعية | دوات | مدارس المهلند | أخبار | زناجه | مرض الور | نزعنا | إنتل بنا

جمعية المبرزات الخيرية
وتعاونوا على خير

23 Nov 2016
كعبة الامم المتحدة
منتخب السباقات في لؤلؤة
الجهاد يشارك في سباق
السلام

powered lives
silent

سپس به بررسی نحوه فعالیت‌ها و برنامه‌های این مؤسسات و منابع درآمدی و هزینه‌ها و مخارج آن‌ها و همچنین حوزه‌های فعالیت و میزان بودجه‌های پروژه‌ها و اطلاعات کلی پرداخته شد.

پس از آن و در نهایت به جستجوی قوانین صادر شده در لبنان در خصوص وقف و امور خیریه پرداخته شد. در این راستا ۳ قانون به دست آمد که در پیوست قرار داده شده‌اند.

در مجموع تلاش برای این بوده است که در تدوین این گزارش از مراجع معتبر و به روز دنیا بهره گرفته شود و با برقراری ارتباط با نهادهای مربوطه داخلی و خارجی، محتوای گزارش از دقت بالایی برخوردار گردد. انشاء الله با نقد و نظرات متخصصین مرتبط و تعریف و اجرای مطالعات و پژوهش‌های تکمیلی مثمرتر واقع گردد. در پایان لازم می‌دانم از محضر همه خوانندگان گرامی استدعا نمایم تا با ارائه دیدگاه‌های ارزشمندشان ما را در ادامه این روند و تکمیل مطالعات انجام شده یاری فرمایند.

**مشاور عالی سازمان اوقاف و امور خیریه
و ناظر پروژه**



افصل اول |

اطلاعات کلی کشور لبنان



۱- اطلاعات کلی کشور لبنان

۱-۱- مقدمه

یکی از گام‌ها در مطالعات تطبیقی، آشنایی مختصر با موقعیت جغرافیایی، اقتصادی، سیاسی اجتماعی و فرهنگی - مذهبی کشور مورد مطالعه است. مقایسه یک کشور با کشورهای دیگر بدون در نظر گرفتن شرایط و موقعیت آن، موجب درک سطحی موضوع و نتیجه‌گیری نادرست می‌شود.

به منظور آشنایی و مطالعه روندهای اجتماعی و فرهنگی مربوط به یک کشور، آشنایی با ویژگی‌های کلی آن کشور ضروری است؛ در این گزارش همان‌طور که پیش‌از این اشاره گردید، به بررسی روند تغییر کمک‌های خیریه و وقف و سازوکارهای مربوط به آن پرداخته می‌شود. مطالعات گسترده‌ای در زمینه مؤلفه‌های تأثیرگذار در زمینه کمک‌های خیریه و وقف در کشورهای مختلف دنیا انجام شده است که از آن میان می‌توان به مذهب، سن افراد و درآمد آن‌ها اشاره نمود.

به همین جهت در این فصل به بررسی ویژگی‌های بارز کشور لبنان پرداخته می‌شود که در پنج بخش اطلاعات جغرافیایی، اطلاعات اقتصادی، اطلاعات سیاسی - اجتماعی، اطلاعات فرهنگی - مذهبی و در نهایت جایگاه این کشور در حوزه وقف و کمک‌های خیریه می‌باشد.

واحد پول لبنان پوند می‌باشد و هر پوند لبنان ۲۱۲۶ تومان (۲۱۲۶۰ ریال ایران) ارزش

دارد (۲۶).

۲-۱- اطلاعات جغرافیایی

لبنان با نام رسمی جمهوری لبنان (به عربی: الجمهورية اللبنانية) کشوری در غرب آسیاست. لبنان در شمال با سوریه و در جنوب با رژیم اشغالگر قدس مرز مشترک دارد. موقعیت جغرافیایی لبنان در نقطه تلاقی مدیترانه و جهان عرب منجر به شکل‌گیری تاریخی غنی و تنوع دینی، نژادی و فرهنگی شده است (۱).
لبنان سرزمینی بلند و کوهستانی است که در کرانه شرقی دریای مدیترانه قرار دارد. کرانه‌های لبنان ۲۵۵ کیلومتر درازا دارد. رودخانه‌های مهم لبنان عبارت‌اند از: عاصی و لیطانی در دره سهل البقاع، و کلب. رشته‌کوه‌های لبنان عبارت‌اند از: رشته‌کوه‌های لبنان شرقی و رشته‌کوه‌های لبنان غربی که میان این دو رشته‌کوه، دره سهل البقاع قرار گرفته است.



شکل ۱-۱: نقشه جغرافیای کشور لبنان

لبنان به عنوان یک کشور خاورمیانه‌ای از غرب با دریای مدیترانه حدود ۲۲۵ مرز

ساحلی دارد و از شمال و شرق با سوریه و از جنوب با رژیم اشغالگر قدس هم مرز است. مرز لبنان با سوریه ۳۷۵ کیلومتر است در حالی که مرز لبنان با اسرائیل تنها ۷۹ کیلومتر است. قسمتی از مرز جنوبی لبنان که همچنان تحت اشغال اسرائیل است مزارع شبعا نام دارد. لبنان یکی از کوچکترین کشورهای دنیاست که مساحتی حدود ۱۰۴۵۲ کیلومترمربع (۴۰۳۵ مایل مربع) دارد و از لحاظ بزرگی، رده ۱۶۶ را در بین کشورهای جهان داراست.. بسیاری از مناطق آن کوهستانی است به جز مناطق ساحلی کم عرض و دره بقاع که بخش مهمی از صنعت کشاورزی لبنان را تشکیل می دهد(۱).

سرزمین لبنان آب و هوای مدیترانه ای دارد، هوای سواحل در زمستان ها سرد و بارانی و در تابستان ها گرم و شرجی است. در نواحی بلندتر به ویژه کوهستان ها، زمستان ها با بارش برف همراه است و دمای هوا به زیر صفر می رسد. بخش های دیگر این کشور، تابستان های گرم و خشک دارد.

در مناطق ساحلی زمستان ها کلاً سرد و بارانی و تابستان ها گرم و مرطوب هستند. در مناطق مرتفع تر در طول زمستان دما به زیر صفر درجه می رسد. تابستان ها از سوی دیگر گرم و خشک هستند. اگرچه اکثر مناطق لبنان سالانه شاهد باران های بسیاری است (در مقایسه با مناطق خشک کنارش) ولی در مناطق خاصی در شمال شرق لبنان به دلیل وجود قله های مرتفع کوه های غرب که راه ابرهای بارانی به وجود آمده از مدیترانه را سد می کنند باران زیادی نمی بارد.

لبنان دارای جنگل های وسیع درختان سدر می باشد که سدر به نماد ملی لبنان نیز تبدیل شده است(۱).

بیروت شهری بندری است که بر روی دماغه ای کوچک و در کنار دریای مدیترانه قرار گرفته و بزرگترین شهر و پایتخت کشور لبنان است. شهر بیروت در میانه کرانه مدیترانه ای لبنان و بر روی یک شبه جزیره جای گرفته است. این شهر کانون فرهنگی منطقه خود است و از دیدگاه رسانه ای، تئاتر، فعالیت های فرهنگی و زندگی شبانه در جهان عرب نام دار است.

بیروت را پاریس خاورمیانه لقب داده اند؛ لقبی که با سفر به آن متوجه می شوید که

چندان هم اغراق آمیز نیست؛ مجسمه‌ها، سنگ‌فرش‌های خیابان، سبک متفاوت زندگی در کنار یکدیگر و تاریخی که هزاران قصه از آن بیرون آمده، می‌تواند کمی شباهت را توجیه کند. به تمام این‌ها هم جوارى آب‌های مدیترانه را هم اضافه کنید. به هر حال این شهر، پایتخت لبنان است؛ کشوری که همیشه عروس، بهار و یا بهشت شرق لقب گرفته است (۲۱).

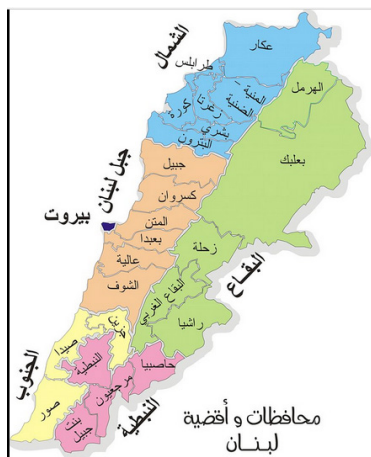
بهار بیروت از بقیه فصل‌ها دوست داشتنی‌تر است؛ روزهای طولانی با آفتاب ملایم و گل‌های رنگارنگ و شب‌های خنک با دریایی آرام. تابستان‌ها میزان رطوبت و گرمای هوا بالا می‌رود و از پاییز بارندگی‌ها شروع می‌رود. زمستان بیشترین میزان سرما و بارندگی را دارد، اما از آخرین باری که در بیروت برف آمده بیشتر از شصت سال می‌گذرد. پس خیالتان راحت باشد، در سردترین روزهای سال هم به لباس‌های خیلی گرم احتیاج ندارید (۲۱).



شکل ۱-۲: نمایی از شهر بیروت پایتخت لبنان

۱-۲-۱- تقسیمات کشوری لبنان

از آنجا که مردم لبنان در ۶۰ سال گذشته به شهرنشینی روی آورده‌اند، بیشتر جمعیت این کشور در شهرها به ویژه در پایتخت آن بیروت و اطراف آن سکنی گزیده‌اند. بیش از نیمی از لبنانی‌ها در بیروت زندگی می‌کنند.



شکل ۱-۳: استان‌های کشور لبنان

لبنان شامل ۶ استان و ۲۵ ناحیه است. نواحی خود به چندین منطقه تقسیم می‌شوند که این مناطق نیز شامل چندین شهر و روستا می‌باشند. استان‌های لبنان شامل استان بیروت (که تنها محدود به شهر بیروت می‌گردد)، استان بقاع (که شامل نواحی هرمل، بعلبک، زهله، بقاع غربی و رایشه می‌گردد)، استان نبطیه (جبل عامل) که شامل نبطیه، حصیبه، مرجعیون و نبت جبیل می‌گردد، استان شمالی (الشمال) شامل ۷ ناحیه عکار، طرابلس، زغرتا، بشری، البترون، الکوهره و المینیه دانیه می‌گردد، استان جنوبی (الجنوب) شامل صیدا، صور و جزین و استان جبل لبنان (جبل البناویه) شامل جمیل، کسروان، المتن، بعبدا، عالیه، و الشموف می‌باشد (۱).

لبنان از شش استان (به عربی: أَلْمَحَافِظَة) تشکیل شده است.

- استان بیروت
- استان جبل لبنان
- استان شمالی لبنان

- استان بقاع
- استان نبطیه
- استان جنوبی لبنان (۱)

۱-۳- اطلاعات اقتصادی

اقتصاد لبنان بر ۳ پایه کشاورزی، صنعت و خدمات و تجارت وابسته است:

• کشاورزی

اگرچه لبنان از لحاظ فعالیت‌های کشاورزی (از لحاظ فراهم بودن آب و حاصلخیزی خاک) دارای وضعیت مناسبی است ولی بخش کشاورزی بزرگی ندارد. بخش کشاورزی تنها با جذب ۱۲ درصد نیروی کار کم‌اهمیت‌ترین بخش اقتصادی لبنان است و تنها ۱۰ درصد از تولید ناخالص داخلی را شامل می‌شود که آن را در پایین‌ترین رده در میان بخش‌های اقتصادی دیگر قرار می‌دهد (۴).

• صنعت

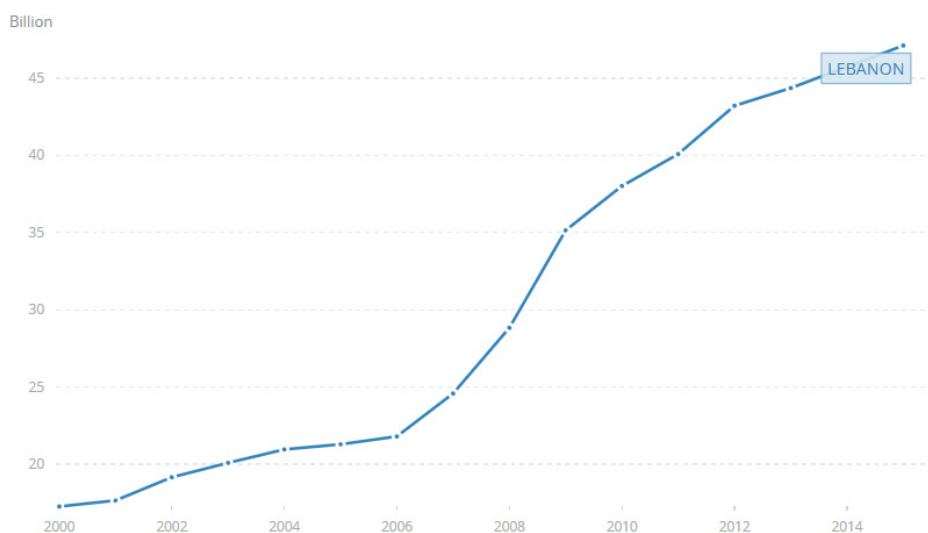
کمبود مواد خام صنعتی و وابستگی محض به کشورهای عربی برای تهیه نفت باعث شده تا لبنان نتواند در فعالیت‌های مهم صنعتی مشارکت داشته باشد. با این اوصاف صنعت لبنان محدود به مشاغل کوچکی همچون مونتاژ و بسته‌بندی مواد وارداتی شده است. در سال ۱۹۹۷ صنعت از لحاظ نیروی کار با جمعیت ۲۶ درصدی نیروی کار در رده دوم و همچنین رده دوم تولید ناخالص داخلی قرار گرفت (۴).

• خدمات و تجارت

جنگ داخلی ۹۰-۱۹۷۵ لبنان زیرساخت‌های اقتصادی لبنان را به شدت تخریب کرد، تولید داخلی را به نصف کاهش داد و موقعیت لبنان به عنوان مرکز ترانزیت کالا و بانکداری خاورمیانه را متزلزل کرد. صلح باعث شد تا دولت مرکزی بتواند کنترل را در بیروت به دست گیرد و مالیات جمع‌آوری کند و دسترسی به امکانات دولتی و مرزی یابد. سیستم بانکی مطلوب و کارخانجات کوچک و متوسط و پول خانواده‌ها و خدمات بانکی صادرات صنعتی و کشاورزی و کمک‌های بین‌المللی به عنوان منابع اصلی مبادلات خارجی به بهبودی اقتصادی کمک کرده است (۴).

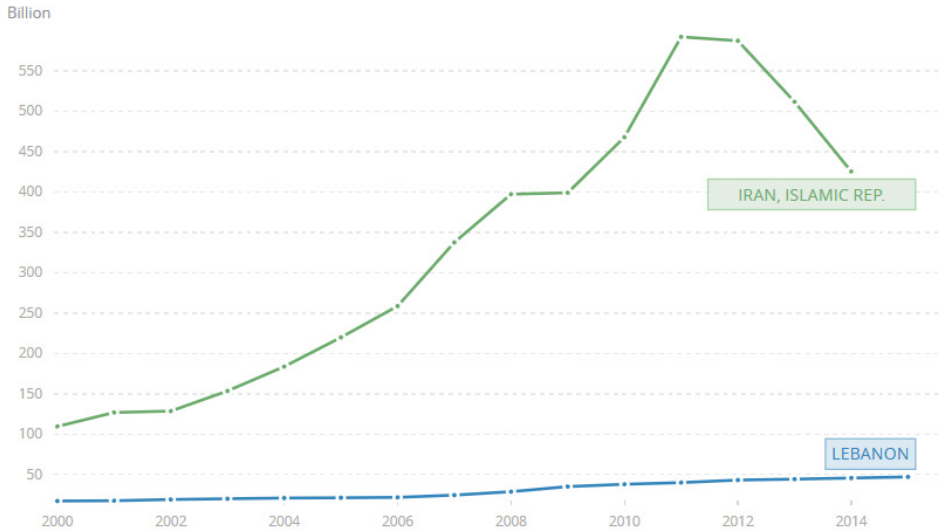
تا قبل از جنگ لبنان- اسرائیل در سال ۲۰۰۶ اقتصاد لبنان شاهد رشد چشمگیری بود و دارایی‌های بانکی به بیش از ۷۰ میلیارد دلار می‌رسید. با اینکه بخش جهانگردی در سال ۲۰۰۵ ده درصد کاهش داشت بیش از ۱/۲ میلیون نفر جهانگرد از لبنان دیدن کردند. سرمایه‌گذاری در بازار به بالاترین حد خود رسیده بود که بیش از ۷ میلیون دلار در پایان ژانویه ۲۰۰۶ بود، شروع جنگ آگوست، ژوئن سال ۲۰۰۶ منجر به خسارت‌های شدیدی به اقتصاد متزلزل لبنان مخصوصاً بخش جهانگردی شد. بر اساس گزارش اولیه چاپ شده از سوی وزارت دارایی در ۳۰ اوت ۲۰۰۶ افت اقتصادی بزرگی در اثر جنگ تحمیل خواهد شد.

فرودگاه بین‌المللی بیروت مجدداً در سپتامبر ۲۰۰۶ گشایش یافت و تلاش برای بهبود اقتصاد لبنان چندان شتاب نگرفته است. حامیان اصلی بازسازی لبنان شامل عربستان سعودی (با کمک ۱/۵ میلیارد دلاری)، اتحادیه اروپا (با کمک ۱ میلیارد دلار) و بعضی کشورهای دیگر حوزه خلیج فارس با کمک‌های بیش از ۸۰۰ میلیون دلاری بوده‌اند (۴). در شکل ۱-۴ نمودار تولید ناخالص داخلی کشور لبنان نشان داده شده است. تولید ناخالص داخلی لبنان در سال ۲۰۱۵، ۴۷ میلیارد دلار بوده است.



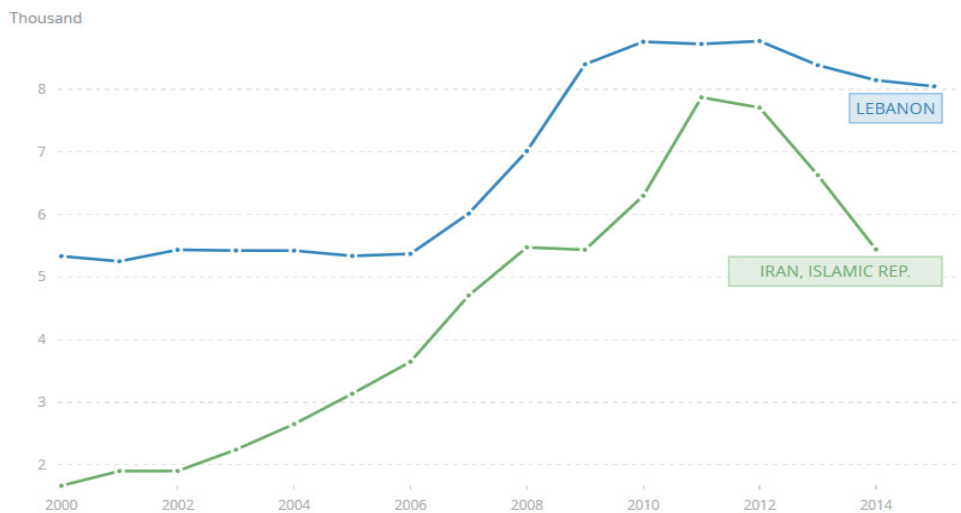
شکل ۱-۴: تولید ناخالص داخلی لبنان

در شکل ۱-۵ نمودار تولید ناخالص داخلی کشور لبنان در مقایسه با کشور ایران مشاهده می‌شود. تولید ناخالص داخلی ایران در سال ۲۰۱۵، ۴۲۰ میلیارد دلار بوده که این مقدار جیزی در حدود ۱۰ برابر لبنان است.



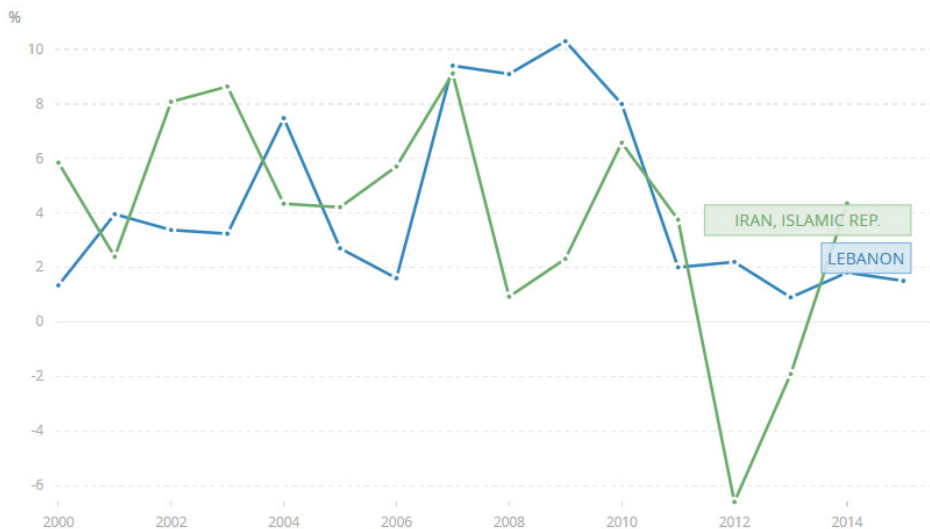
شکل ۱-۵: نمودار تولید ناخالص داخلی کشور لبنان در مقایسه با کشور ایران

در شکل ۱-۶ تولید ناخالص داخلی سرانه برای کشورهای ایران و لبنان نشان داده شده است. همان‌طور که مشاهده می‌شود کشور لبنان از این نظر بالاتر از ایران قرار دارد. تولید ناخالص داخلی سرانه در سال ۲۰۱۵ برای ایران ۵۵۰۰ دلار و برای لبنان ۸۰۰۰ دلار بوده است.



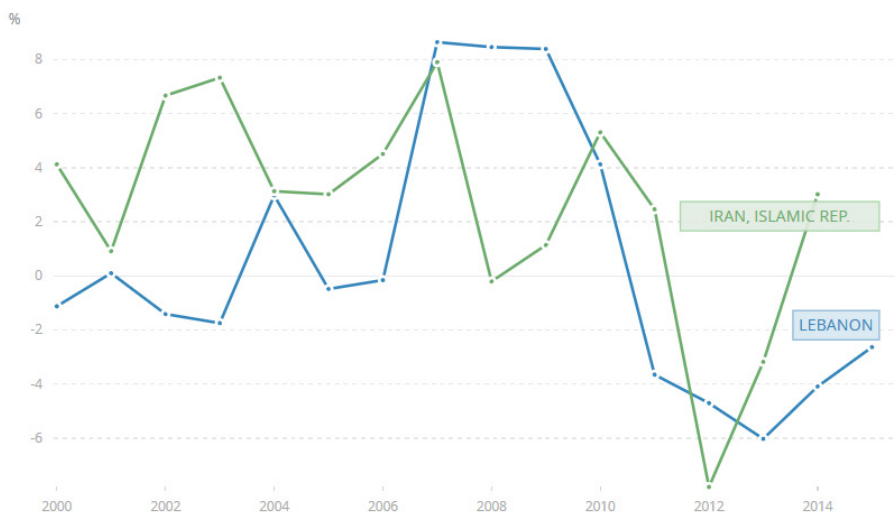
شکل ۶-۱: تولید ناخالص داخلی سرانه برای کشورهای ایران و لبنان

در شکل ۱-۷ رشد تولید ناخالص داخلی برای ایران و لبنان نشان داده شده است. این نمودار بسیار پرتلاطم و متغیر ظاهر شده است اما در سال‌های اخیر ایران در موقعیت بهتری در این شاخص نسبت به لبنان قرار دارد.



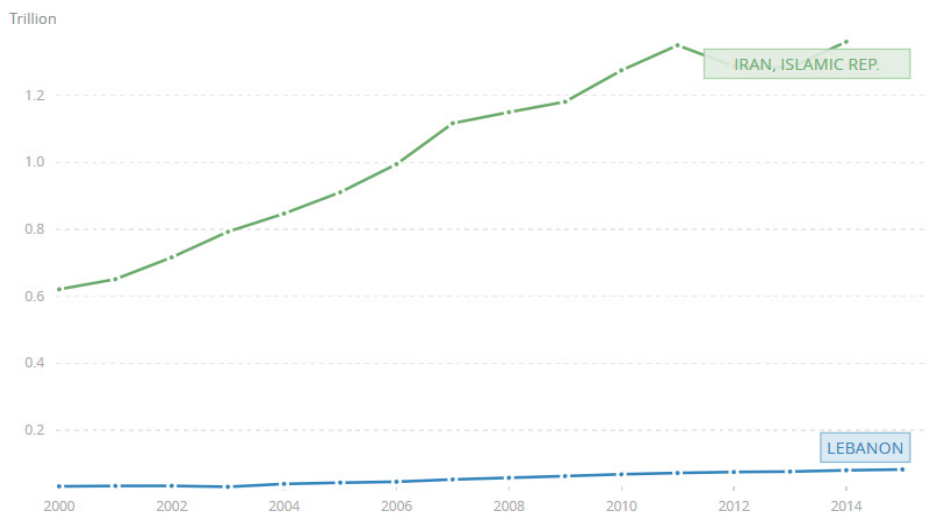
شکل ۱-۷: رشد تولید ناخالص داخلی برای ایران و لبنان

همچنین در شکل ۱-۸ نمودار رشد تولید ناخالص داخلی سرانه برای ایران و لبنان نشان داده است. این نمودار نیز برای دو کشور دچار تغییرات زیادی در طی سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۵ شده است. در این شاخص پس از سال ۲۰۱۰ ایران وضعیت بهتری را نسبت به لبنان نشان داده است.

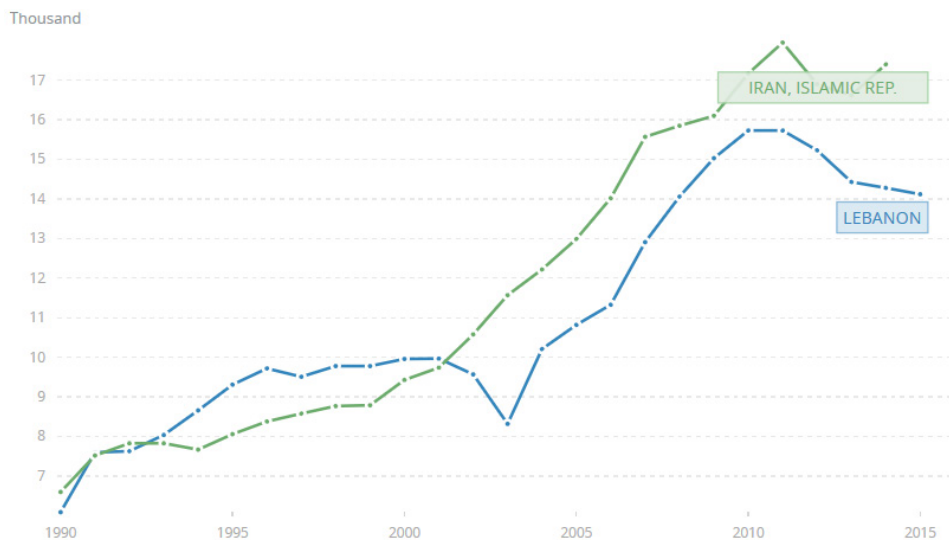


شکل ۱-۸: رشد تولید ناخالص داخلی سرانه برای ایران و لبنان

در شکل ۱-۹ درآمد ناخالص داخلی برای کشورهای ایران و لبنان نشان داده شده است. درآمد ناخالص داخلی با توجه به وسعت بیشتر و جمعیت بیشتر کشور در حدود ۱۵ برابر لبنان است. اما اگر همین شاخص را به صورت سرانه در نظر بگیریم نمودارها به هم نزدیک‌تر و قابل مقایسه‌تر می‌گردند.



شکل ۹-۱: درآمد ناخالص داخلی برای کشورهای ایران و لبنان



شکل ۱۰-۱: درآمد ناخالص داخلی سرانه ایران و لبنان

۴-۱- اطلاعات سیاسی اجتماعی

نخستین نشانه‌های تمدن در لبنان مربوط به ۷۰۰۰ سال پیش است، این کشور خاستگاه فینیقی‌ها (۱۵۵۰-۵۳۹ ق. م) و پادشاهی آن‌هاست، در سال ۶۴ ق. م لبنان

زیرسلطه امپراتوری روم قرار گرفت و در نهایت به یکی از مراکز عمده مسیحیت تبدیل شد. سنت رهبانی رایج در منطقه جبل لبنان به بنیان‌گذاری کلیسای مارونی انجامید، در دوران اسلامی و پس از فتح منطقه به دست اعراب مسلمان، مارونی‌ها دین و هویت فرهنگی خود را حفظ کردند. بعدتر و با پایه‌گذاری مذهب دروزی این مذهب در سراسر کشور رایج شد ولی در دوران جنگ‌های صلیبی مارونی‌ها در ارتباط با کلیسای کاتولیک و امپراتوری روم هویت خود را بازسازی کردند.

بین سال‌های ۱۵۱۶ تا ۱۹۱۸ این منطقه زیر سلطه امپراتوری عثمانی قرار گرفت و با فروپاشی امپراتوری بعد از جنگ جهانی اول، فرانسه این منطقه را به ۵ جزء کوچک‌تر تقسیم کرد که یکی از این اجزا لبنان بود، نظامی که تا سال ۱۹۴۳ و اعلام استقلال لبنان برقرار بود. لبنان دارای یک نظام تقسیم قدرت خاص بر اساس جوامع دینی است.

بشاره الخوری (نخستین رئیس جمهور لبنان)، ریاض الصلح (نخستین نخست‌وزیر)، مجید ارسلان (نخستین وزیر دفاع) بنیان‌گذاران جمهوری لبنان و قهرمانان ملی این کشورند که نهضت استقلال لبنان را تا خروج آخرین نیروهای نظامی خارجی در ۳۱ دسامبر ۱۹۴۶ رهبری کردند (۱).

لبنان تا پیش از جنگ داخلی در سال ۱۹۷۵ کشوری نسبتاً آرام و مرفه بود که اقتصادی بر پایه توریسم، کشاورزی، تجارت، خدمات مالی و بانکداری داشت و بیروت پایتخت کشور و مشهور به پاریس خاورمیانه منشأ جذب گردشگران خارجی بود. در سال‌های پس جنگ نیز تلاش‌های گسترده‌ای برای بازسازی زیرساخت‌ها و اقتصاد کشور انجام شده است (۱).

سیستم سیاسی در لبنان پارلمانی است. نظام پارلمانی در لبنان متأثر از وضعیت فرقه‌ای، اجتماعی و مذهبی خاص این کشور می‌باشد. این سیستم به گونه‌ای طراحی شده است که تمامی اقوام و مذاهب در آن سهمی از قدرت سیاسی داشته باشند. بر طبق این توافق، رئیس جمهور از میان مسیحیان مارونی، نخست‌وزیر از میان مسلمانان سنی مذهب، رئیس پارلمان از بین شیعیان و معاون نخست‌وزیر از بین مسیحیان ارتدوکس انتخاب می‌شود. پارلمان لبنان دارای ۱۲۸ کرسی است که به طور مساوی

بین مسیحیان و مسلمانان تقسیم شده است. این توافق حاصل قرارداد طائف (۱۹۹۰) می باشد که به جنگ های داخلی در لبنان پایان داد. تا قبل از این توافق سهم مسیحیان در قدرت سیاسی بیشتر از مسلمانان بود.

انتخابات پارلمانی هر چهار سال یک بار برگزار می شود و فرد معرفی شده از جانب حزب یا ائتلاف پیروز نخست وزیر خواهد شد. رئیس جمهور لبنان برای یک دوره ۶ ساله توسط پارلمان برگزیده می شود. اما این مسئله با تمدید یک دوره ۳ ساله ریاست جمهوری الیاس هراوی (۱۹۹۵) و امیل لحود (۲۰۰۴)، رعایت نگردید.

تقسیم قضایی لبنان تابع قوانین ناپلئونی (نظام قضایی فرانسه) می باشد، اما هر کدام از مذاهب مختلف دادگاه های خاص خود را در مورد قوانین مربوط به ازدواج، طلاق و... دارا می باشند.

احزاب سیاسی مهم لبنان از این قرارند: گروه المستقبل به رهبری سعد حریری. حزب سوسیالیست ترقی خواه به رهبری ولید جنبلاط (نماینده دروزی ها). جنبش میهنی آزاد به رهبری ژنرال سابق میشل عون (هواداران وی بیشتر در بین مسیحیان شمال و منطقه متن قرار دارند و از حمایت سلیمان فرنجیه و شیل مور دو سیاست مدار برجسته مسیحی برخوردار است).

جنبش مقاومت اسلامی حزب الله در سال ۱۹۸۲ تشکیل گردید و عمدتاً شامل شیعیان جنوب لبنان می شود. دبیرکل پیشین جنبش سیدعباس موسوی در حمله اسرائیل در ۱۹۹۲ کشته شد. از آن زمان به بعد سیدحسن نصرالله دبیرکل حزب الله شده است. مناطق نفوذ و حضور هواداران حزب الله بیشتر در مناطق جنوب و بقاع (مشرق لبنان) و عالیه (در استان جبل لبنان) می باشد. جنبش امل به دبیرکلی نبیه بری که سال ها است ریاست مجلس لبنان را در اختیار دارد نیز بخشی از بدنه شیعیان لبنان را نمایندگی می کند. جنبش امل در ارتباط و نزدیکی کاملی با حزب الله می باشد (۱). نظام سیاسی لبنان در واقع بازتاب نظام اجتماعی این کشور است که از تعدد اقوام و طوایف مختلف تشکیل یافته است. به عبارت دیگر ساخت سنتی قدرت سیاسی در لبنان بر اساس توازن فرقه ای استوار است. به این معنا که مجموع اراده هایی که حاکمیت

دولت لبنان را پدید می‌آورند حاصل خواست و تمایل رهبران طوایف می‌باشند که قدرتمندان سیاسی و اقتصادی جامعه لبنان نیز هستند. کلیه پیروان ۱۸ مذهب موجود در لبنان که اساس تقسیمات طایفه‌ای را نیز تشکیل می‌دهند، تشکیلات مذهبی و رهبران مذهبی خاص خودشان را دارند که از نفوذ معنوی و حتی مادی فراوانی بر افراد طایفه خود برخوردارند. مثلاً در بین شیعیان، علمایی همچون سید محمد حسین فضل‌ا... و سید حسن نصرا... / و در طایفه مارونیها، سراسقف نصرا... صغیر، نفوذ فراوانی داشته و تصمیم‌گیری‌های سیاسی بدون تأمین نظر آن‌ها بسیار دشوار و بعید می‌نماید. از نظر شکلی و ساختاری نظام سیاسی لبنان تلفیقی از نظام پارلمانی و ریاستی است. نظام پارلمانی در کشور از این قرار است که اصل حکومت منتخب از پارلمان را طبق ماده ۲۷، مسئولیت فردی وزرا را طبق مواد ۳۷ و ۶۶، حق مجلس در استیضاح وزرا را طبق ماده ۶۸ و حق مجلس در انتخاب رئیس جمهوری را طبق ماده ۴۹ حفظ کرده است. از سوی دیگر صلاحیت‌های اعطاشده به رئیس جمهوری از آنچه در نظام‌های پارلمانی رایج است، به مراتب بیشتر است و در واقع رئیس جمهوری مصدر اصلی قدرت در کشور به شمار می‌رود. طبق ماده ۱۷، قوه مجریه در دست رئیس جمهوری است و لذا مقام ریاست جمهوری تنها یک مقام تشریفاتی نیست. رئیس جمهوری طبق ماده ۵۵ می‌تواند با تصویب کابینه، مجلس نمایندگان را قبل از آنکه به طور قانونی مدت نمایندگی‌شان منقضی شود، منحل نماید. همچنین مطابق ماده ۵۸، رئیس جمهوری می‌تواند بعد از موافقت هیئت وزیران، دستور اجرای طرح‌های قانونی فوری را در صورتی که مجلس ظرف مدت کمتر از ۴۰ روز نتواند درباره آن تصمیمی اتخاذ کند، صادر نماید. از همه مهم‌تر اینکه رئیس جمهوری کابینه را منصوب می‌کند. اعضای کابینه می‌تواند همه و یا بخشی از آن از خارج از مجلس انتخاب شوند. هدف از این کار، غیرسیاسی کردن حکومت ملی و جنبه تخصصی دادن به آن است. همچنین تعداد وزیران مسیحی باید با شمار وزرای مسلمان برابر باشد. وزرا در برابر مجلس در رابطه با سیاست کلی همگی مسئول‌اند اما در برابر عملکردشان به طور انفرادی مسئول می‌باشند. البته رئیس جمهوری با رأی مخفی پارلمان و به مدت ۶ سال

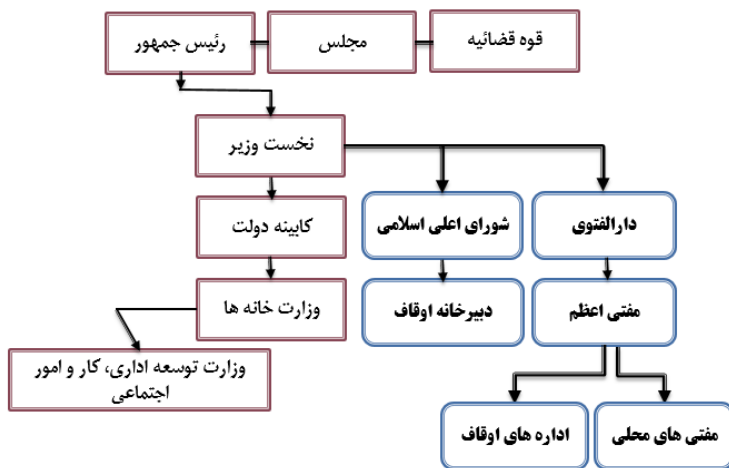
انتخاب می‌شود و انتخاب مجدد رئیس جمهوری ممکن نیست مگر اینکه یک دوره از ریاست جمهوری گذشته باشد. مجلس نمایندگان لبنان نیز همانند دیگر نظام‌های پارلمانی نقش و مسئولیت قانون‌گذاری را برعهده دارد. ریاست مجلس نیز از یک رئیس شیعه، و یک نایب رئیس ارتدکس و دو منشی تشکیل یافته است که مجلس انتخاب می‌کند. در مقابل ریاست جمهوری باید از میان مسیحیان و نخست‌وزیر نیز باید از میان اهل تسنن لبنان انتخاب شود. با وجود اینکه در آخرین اصلاحات قانون اساسی لبنان که پس از اجلاس طائف صورت گرفت، بر حذف طایفه‌گری سیاسی در کنار رعایت اصل متاصفه در توزیع پست‌های سیاسی تأکید و تصریح شده است اما پس از بحران سیاسی و ریاست جمهوری لبنان، نظام طایفه‌گری در لبنان تقویت شده است و علت آن این است که آمریکا و رژیم صهیونیستی در تلاش‌اند با دامن زدن به اختلاف طایفه‌ای و فرقه‌ای در لبنان از فضای آن برای جبران ناکامی‌های منطقه‌ای خود استفاده کنند (۲).

همچنین قانون اساسی لبنان، نظام قوه مجریه دوگانه‌ای را پذیرفته و آن را برعهده رئیس جمهور و هیئت وزیران (کابینه) قرار داده است. رئیس جمهور با رأی مخفی مجلس نمایندگان به مدت شش سال انتخاب می‌گردد. رئیس جمهور، وزراء را با مشورت نمایندگان مجلس منصوب و یکی از آن‌ها را به عنوان نخست‌وزیر معرفی می‌کند. عالی‌ترین مقام اجرایی نخست‌وزیر است (۳).

لبنان ۲۳ وزارت خانه دارد که لیست کامل این وزارت خانه‌ها به‌قرار زیر است:

۱. وزارت دفاع
۲. وزارت حمل و نقل
۳. وزارت امور پارلمان
۴. وزارت امور داخلی و شهری
۵. وزارت امور اصلاحات اداری
۶. وزارت اطلاعات
۷. وزارت امور آوارگان
۸. وزارت ورزش و جوانان

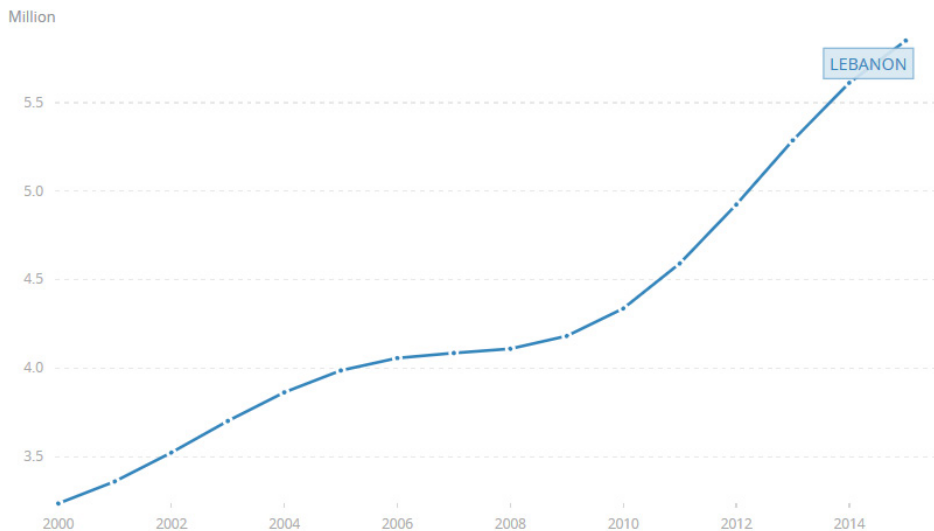
۹. وزارت کار
۱۰. وزارت فرهنگ
۱۱. وزارت آموزش و پرورش
۱۲. وزارت گردشگری
۱۳. وزارت مالیه
۱۴. وزارت بهداشت
۱۵. وزارت اقتصاد و تجارت
۱۶. وزارت کشاورزی
۱۷. وزارت امور اجتماعی
۱۸. وزارت ارتباطات
۱۹. وزارت صنایع
۲۰. وزارت امور خارجه و مهاجران
۲۱. وزارت محیط زیست
۲۲. وزارت دادگستری
۲۳. وزارت آب و انرژی (۴۴)



شکل ۱-۱۱: ساختار سیاسی کشور لبنان

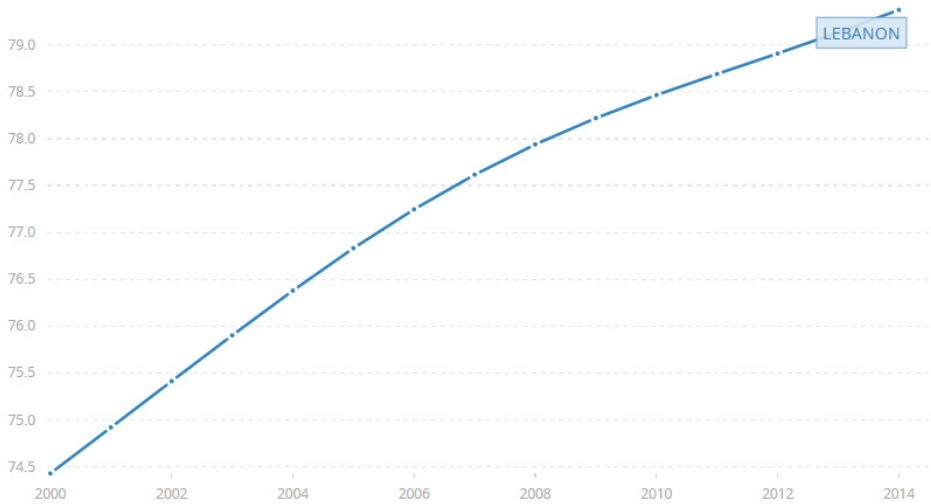
۱-۴-۱- جمعیت و پراکندگی سنی

جمعیت کشور لبنان بر اساس آمار بانک جهانی به صورت نمودار ۱-۱۲ می باشد. همان طور که مشخص است روند جمعیتی کشور لبنان با رشد همراه بوده و از ۳,۱ میلیون نفر در سال ۲۰۰۰ به ۵,۸ میلیون نفر در سال ۲۰۱۵ رسیده است.



شکل ۱-۱۲: روند رشد جمعیتی کشور لبنان

همچنین در شکل ۱-۱۳ نمودار امید به زندگی در کشور لبنان نشان داده شده است. امید به زندگی در هنگام تولد در کشور لبنان در سال ۲۰۱۵ ۷۹,۵ سال بوده است. همچنین میانگین سنی مردم لبنان ۲۴,۶ سال می باشد.



شکل ۱-۱۳: امید به زندگی در هنگام تولد در کشور لبنان

۱-۵- اطلاعات فرهنگی مذهبی

۶۰ درصد از جمعیت لبنان مسلمان و ۴۰ درصد مسیحی هستند می‌باشند. لبنان دارای جمعیت کوچکی از کردها نیز می‌باشد که از مناطق شمالی لبنان و جنوب شرق ترکیه مهاجرت نموده‌اند و بین ۷۵ تا ۱۰۰ هزار نفر تخمین زده می‌شوند که در مناطق سنی نشین زندگی می‌کنند. کردها طی سال‌های اخیر توانسته‌اند شهروندی دولت لبنان را کسب نمایند. شیعیان (به تنهایی) بزرگ‌ترین فرقه در لبنان می‌باشند. حدود ۱۶ میلیون نفر با نسب و اصالت لبنانی در سراسر دنیا زندگی می‌کنند. برزیل دارای بزرگ‌ترین جوامع لبنانی است. آرژانتین، استرالیا، کانادا، کلمبیا، فرانسه، انگلیس، مکزیک، ونزوئلا و آمریکا دارای جوامع لبنانی بزرگی هستند. حدود ۴۰۰ هزار نفر آواره فلسطینی نیز از سال ۱۹۴۸ در لبنان زندگی می‌کنند (۱).

گروه‌های نژادی و قومی لبنان: عرب‌ها ۶۰٪، آشوریان و ۳۶٪، ارمنی‌ها ۴٪، کردها و یهودیان ۱٪ جمعیت را تشکیل می‌دهند (۱).

زبان رسمی لبنان عربی است، اما هریک از اقلیت‌های نژادی به زبان خود سخن می‌گویند. زبان فرانسه نیز کاربرد دارد. لهجه لبنانی از شاخه عربی شامی است، در کاربرد و تلفظ کلمات با دیگر شاخه‌های زبان عربی تفاوت دارد اما به عربی سوری،

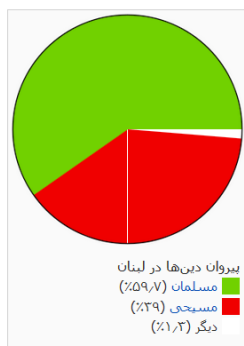
فلسطینی و مصری نزدیک است. در تلفظ واج «ج»، «ژ» خوانده می شود. به جای «ق»، حرف «ئ» و به جای «ث» نیز «ت» تلفظ می شود. برای مثال کلمه کثیر به معنای زیاد، کتیر. قلب به معنای دل، ثلب و جدید به معنای تازه، ژدید ادا می گردند(۱).

برآوردی که مردم لبنان را از نظر دین بررسی می کند این گونه است:

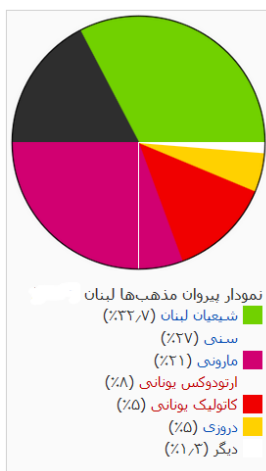
— ۵۹٫۷٪ مسلمان

— ۳۹٪ مسیحی

— ۱٫۳٪ پیروان ادیان دیگر



شکل ۱-۱۴: توزیع پیروان ادیان در لبنان



شکل ۱-۱۵: نمودار پیروان ادیان در لبنان به جزء

امروزه فرهنگ و هنر این ملت در آثار موسیقی آن ظاهر شده است که بر دیگر ملل عرب نیز تأثیر گذاشته است. خوانندگان مطرح جهان عرب اغلب از لبنان می‌باشند: الیسا، نوال الزغبی، هیفا وهبی، نانسی عجرم، فیروز، راغب علامه (۱).

لبنان برای هزاران سال محل عبور تمدن‌های مختلف بوده است. پس جای تعجب نیست که این کشور کوچک دارای فرهنگی فوق‌العاده غنی و زنده باشد. وجود گونه‌های بسیار قومی و مذهبی به رسوم پربار موسیقی، آشپزی و جشن‌های لبنان کمک بسیاری کرده است. مخصوصاً در بیروت دارای هنر غنی است و نمایش‌ها و نمایشگاه‌ها و شوهای مد و کنسرت‌های زیادی در طول سال در نگارخانه‌ها، موزه‌ها، تئاترها و اماکن عمومی برگزار می‌شود.

جوان امروز لبنانی اگرچه ظاهری مدرن دارد؛ اما به لبنان متحد همچنان وفادار است. فرهنگ جاری در لبنان تبلوری از فرهنگ چند هزارساله فینیقی‌ها، یونانی‌ها، آشوری‌ها، ایرانی‌ها، رومی‌ها، اعراب و ترک‌های عثمانی می‌باشد و طی چند دهه اخیر فرهنگ فرانسوی نیز به این مجموعه اضافه گردیده است.

جامعه لبنان مدرن، تحصیل کرده و شاید قابل مقایسه با جوامع اروپایی مدیترانه است. اکثر لبنانی‌ها دوزبانه هستند و عربی و فرانسه صحبت می‌کنند. به همین دلیل لبنان عضو سازمان بین‌المللی کشورهای فرانسوی‌زبان است. باین حال زبان انگلیسی مخصوصاً بین دانشجویان لبنانی رایج شده است. این کشور نه تنها محل تلاقی مسیحیت با اسلام بلکه دروازه‌ای است که جهان عرب را به اروپا متصل می‌کند.

لبنان همچنین میزبان دانشگاه‌های معتبر مختلفی همچون دانشگاه لبنان، دانشگاه آمریکایی بیروت، دانشگاه سنت جوزف و دانشگاه آمریکایی لبنان است (۱). فستیوال‌های بین‌المللی مختلفی در لبنان برگزار می‌شوند که هنرمندان پراوازه جهان و مردم بسیار از لبنان و کشورهای دیگر را به سوی خود جذب می‌کنند. مهم‌ترین آن‌ها فستیوال‌های تابستانی در بعلبک، بیت الدین و بیبلوس است (۱).



افصل دوم |

مفهوم وقف و امور خیریه در کشور لبنان



۲- مفهوم وقف و امور خیریه در کشور لبنان

۲-۱- مقدمه

در فصل گذشته، اطلاعاتی کلی درباره کشور لبنان بیان شد. پیش از ورود به بررسی ساختار وقف و امور خیریه در لبنان، لازم است مفاهیم اولیه در این حوزه مشخص گردد. مفاهیمی که در این فصل بیان شده است بیشتر در خصوص تعریف مفهومات وقف و بررسی قوانین وقف لبنان می باشد.

۲-۲- منابع قانونی در زمینه وقف در کشور لبنان

منابع قانونی در زمینه وقف در کشور لبنان بر دو نوع است:

نوع اول منابع مربوط به وقف خانوادگی یا مشترک بین وقف خانوادگی و وقف خیریه‌ی عمومی است که مرجع آن بخصوص قانون مصوب ۱۰ مارس ۱۹۴۷ م در زمینه اوقاف خانوادگی است که قوانین آن به اوقاف ادیان و مذاهب مختلف لبنان مربوط می شود و این امر به اقتضای ماده‌ی ۴۰ قانون است که می گوید: «مواد این قانون در همه‌ی موارد اوقاف خانوادگی مسیحیان و اسرائیلی‌ها در خاک لبنان پیاده می شود».

نوع دوم منابع قانون مربوط به وقف خیریه‌ی عمومی است که بخش اعظم آن احکام شرعی اسلامی است و بر اساس بهترین آرا و فتاوا در مذهب ابوحنیفه است. البته شایان ذکر است که کشور لبنان از گذشته احکام اسلامی را بر اساس مذهب حنفی پیاده می کرده زیرا این کشور تابع دولت عثمانی بوده است و همچنین اداره‌ی ثبت احوال لبنان متولی مسائل وقف و غیر آن مانند ازدواج و طلاق و وراثت بوده است.

در این راستا ماده‌ی ۳ قانون اوقاف خانوادگی مصوب سال ۱۹۴۷ م دلالت دارد بر اینکه اوقاف خانوادگی صرف و اوقاف مشترک و خانوادگی و خیریه تابع این قانون است؛ اما اوقاف خیریه مربوط به مدارس دینی و مؤسسات خیریه تابع احکام شرعی و قوانین خاص به آن‌هاست و همچنین این اوقاف تابع تصمیماتی است که شورای عالی در مورد آن‌ها اتخاذ می‌کند. همچنین ماده‌ی ۴ این قانون مجدداً بر این مطلب تأکید می‌کند و می‌گوید که: ضوابط مربوط به ایجاد اوقاف خیریه و صحت آن‌ها و سرپرستی و تقسیم و اجاره دادن و تبدیل و تعویض آن‌ها تابع ضوابط قانونی و تصمیمات خاص در مورد آن‌ها می‌باشد.

منبع قانونی دیگر در لبنان فرمان قانونی شماره‌ی ۱۸ سال ۱۹۵۵ م درباره‌ی اوقاف اسلامی که با بیانیه‌ی شماره‌ی ۵ در تاریخ دوم مارس ۱۹۶۷ م تعدیل و اصلاح شده است و اهمیت این فرمان از این جهت است که این فرمان به وضعیت مشقت اداری و سازمانی که تا آن تاریخ بر اوقاف مسلمانان حاکم بود پایان داد و برای اولین بار اداره‌ی امور دینی و اوقاف مسلمانان را مستقیماً به خود آنان واگذار نمود. اولین ماده‌ی این فرمان می‌گوید: مسلمانان اهل سنت در اداره‌ی امور دینی و اوقاف خیریه‌ی خود استقلال کامل دارند و خودشان تنظیم ضوابط و قوانین اداری و سازمانی آن را به عهده‌دارند و بر اساس احکام و قواعد و ضوابط شرع مقدس با استفاده از تلاش نمایندگان خود که دارای شایستگی‌های لازم باشند و صاحب نظران بر اساس روش‌هایی که در این فرمان آمده به سازمان‌دهی و اداره‌ی اوقاف و امور دینی خود می‌پردازند.

یکی از نکات مهمی که در اینجا باید مورد عنایت و توجه قرار گیرد این است که متون قانونی مربوط به وقف در قانون اوقاف خانوادگی لبنان (۱۹۴۷ م) از احکام شرع اسلام استخراج شده و بر اساس این نگرش تنظیم شده که فقه اسلامی یک مجموعه‌ی متکامل است و لذا در این قوانین تقید به یکی از مذاهب اسلامی مورد نظر نبوده بلکه از احکام همه‌ی مذاهب اسلامی استفاده شده و از هر مذهب آنچه مصالح و منافع مورد نظر را تأمین می‌نموده و با شرایط و اوضاع جامعه تناسب داشته و با اهداف مورد نظر سازگاری

بیشتری داشته برگرفته شده است.

۲-۳- تعریف وقف

معنای لغوی وقف «حبس و منع» است؛ و اما در اصطلاح فقهی تعاریفات متعددی برای وقف بیان شده که علت آن برمی‌گردد به زوایا و ارکان و شروط و آثاری که هریک از فقها بر وقف مترتب می‌دانند.

ابوحنیفه در تعریف وقف می‌گوید: «وقف حبس مالی در مالکیت وقف کننده و اقرار و تثبیت منافع آن در راه‌های خیر است».

ولذا براساس این تعریف، وقف بخشیدن منفعت و بهره‌برداری چیزی و تصرف غیر لازم در آن است و در این حالت مال وقف شده از مالکیت صاحب آن خارج نمی‌شود بلکه در ملکیت او باقی می‌ماند.

اما امام مالک در تعریف وقف می‌گوید: «وقف حبس مالی و منع از تصرف در آن است بدین صورت که آن مال در مالکیت صاحبش باقی می‌ماند و منافع آن در یکی از راه‌های خیر به صورت موقت یا دائمی بخشیده می‌شود.» چنانکه ملاحظه می‌شود این دو تعریف در باقی ماندن مال در مالکیت صاحب آن اتفاق نظر دارند جز اینکه در تعریف دوم وقف تصرف لازم است و واقف پس از وقف کردن مال خود دیگر حق برگشت از آن را ندارد اما می‌تواند وقف را تا زمان معینی به صورت موقت دایر نماید؛ اما رأی عموم فقهای اهل سنت بر این است که: «وقف حبس مالی در مالکیت خدای متعال و تصرف در منافع آن در یکی از راه‌های خیر است».

در این تعریف مال وقف شده از مالکیت صاحبش خارج شده و به مالکیت خدا درمی‌آید و لذا بازگرداندن مال وقف شده جایز نیست و تا ابد درآمدها و منافع حاصل از وقف در راه‌های خیری که وقف کننده تعیین می‌کند مصرف می‌شود.

۲-۳-۱- عدم تعریف وقف در قانون لبنان

در قانون اوقاف خانوادگی لبنان (۱۰ مارس ۱۹۴۷ م) وقف تعریف نشده و این براساس همان روشی است که غالباً تعاریفات را در قانون‌گذاری وارد نمی‌کند و وارد کردن تعاریفات

در قانون را نادرست تلقی می‌کند.

۲-۴- انواع وقف

وقف از دیدگاه برخورداران از منافع آن به دو نوع تقسیم می‌شود که عبارت‌اند از: وقف خیریه (موقوفات عام) و وقف خانوادگی (موقوفات خاص).
وقف خیریه آن است که منافع آن به یک یا چند گروه معین از مردم تعلق می‌گیرد و نیت در این وقف قربه الی الله است.

و اما وقف خانوادگی آن است که منافع آن به اشخاص حقیقی معین یا به فرزندان آن‌ها یا خویشان معینی از آنان تعلق می‌گیرد و چه بسا وقف‌کننده در آن شرط کند که پس از انقطاع نسل و یا از میان رفتن کسانی که وقف برای آنان انجام شده وقف به عام تبدیل شود و در این صورت چنین وقفی ابتدا خانوادگی و سرانجام وقف عام خواهد بود. و نیز ممکن است وقف مشترک باشد یعنی بخشی از آن خانوادگی و بخش دیگری خیریه باشد و منافع هر بخش به مصرف مورد نظر برسد (۱۷).

۲-۴-۱- قانون لبنان

قانون مصوب ۱۰ مه ۱۹۴۷ م اوقاف خانوادگی و مشترک را سامان می‌بخشد اما اوقاف عام بخش اعظم آن به احکام و فتاوی‌ای شرعی بازمی‌گردد که وضعیت آن‌ها براساس بهترین آرای ابوحنیفه مشخص می‌شود. همچنین فرمان قانونی شماره ۱۸ صادر شده در سال ۱۹۵۵ م ضوابط اداره و سرپرستی اوقاف عام را تعیین می‌نماید.

علاوه بر این، قانون اوقاف خانوادگی لبنان در ماده ۲۷ خود می‌گوید که در هر وقف خانوادگی باید یک وقف خیریه و عام تعیین شود و مقدار آن پانزده درصد از کل وقف به صورت نقد یا سهام تعیین می‌شود و مصرف آن نیز برای ساخت و ایجاد پناهگاه و بیمارستان و مراکز نگهداری ایتام و آموزش‌های مذهبی و امثال آن‌ها می‌باشد. در این ماده‌ی قانونی چنین است:

«هنگام تقسیم وقف خانوادگی معادل پانزده درصد از آن در ازای وقف خیریه خاص تعیین شده در وقف جدا می‌شود و اگر مورد تعیین نشده باشد که اساساً وقف باطل

است؛ و این پانزده درصد به اداره‌ی اوقاف محل تسلیم می‌شود تا در راه‌های خیریه عام مصرف شود.»

۲-۵- وقف دائم و وقف موقت

وقف از نظر مدت آن به دو نوع تقسیم می‌شود:

۱. وقف دائم؛ ۲. وقف موقت.

وقف دائمی آن است که مال وقف شده تا ابد به همان صورت باقی خواهد ماند. وقف موقت آن است که مدت زمان آن توسط وقف کننده یا قانون تا زمان مشخصی تعیین می‌شود و پس از آن مال وقف شده از قید وقف آزاد می‌شود.

و عموماً فقها (ی اهل سنت) را رأی بر آن است که اوقاف در اصل ابدی و دائمی است زیرا وقف برای این است که عمل خیر صدقه‌ی جاریه و دائمی باشد و لذا تعیین زمان برای آن با این ویژگی تناقض دارد و لذا فقها شرط کرده‌اند که در وقف باید آخرین بهره‌برداری از آن جهت خیری باشد که هیچ‌گاه قطع نشود و هر وقفی که مصرفی برای آن از سوی وقف کننده تعیین نشده باشد به فقرا و مساکین تعلق خواهد گرفت.

اما مالکیه با ضرورت ابدی بودن حکم وقف مخالفت کرده‌اند و در نظر آنان وقف اساساً ممکن است ابدی یا موقت باشد؛ و در صورت دوم پس از انقضای زمان مقرر مال به واقف برمی‌گردد و او امکان تصرف آزاد در آن مال را خواهد داشت.

و این فقها معتقدند که در نصوص شرعی مربوط به وقف چیزی که ضرورت ابدی بودن آن را تأکید کند وجود ندارد. گذشته از اینکه در وقف موقت امکان نیکی و احسان به مردم فراهم می‌شود (۱۷).

۲-۵-۱- قانون لبنان

بر اساس قانون اوقاف لبنان، در وقف خانوادگی باید مدت زمان پایان آن تعیین شود و امکان دائم بودن آن وجود ندارد و ماده‌ی هشتم قانون مارس ۱۹۴۷ بر این امر تأکید می‌کند. در این قانون روش تعیین زمان پایان وقف بر اساس طبقات نسل و... می‌باشد و بر اساس ماده‌ی نهم واقف فقط می‌تواند برای دو طبقه (دو نسل) وقف نماید و برای بیش

از آن مجاز نیست البته خود وقف کننده از این دو طبقه به حساب نمی آید؛ و اگر برای بیش از دو طبقه چیزی را وقف نماید طبق قانون این وقف فقط به طبقه اول و دوم تعلق می گیرد و پس از یک یا دو طبقه برحسب تعیین واقف مدت زمان وقف پایان یافته و مال موقوف به مالک آن بازمی گردد و در صورتی که نبودن وی در قید حیات به ورثه ی او تعلق می گیرد (ماده ی دهم).

و اگر از واقف وارثی باقی نمانده باشد مال موقوف به مالکیت اداره ی کل اوقاف درمی آید و اگر واقف جهت خیریه ای برای وقف تعیین کرده باشد به مصرف آن خواهد رسید (ماده ی یازدهم)؛ اما وقف خیریه در لبنان فقط به صورت دائم است و قوانین کشوری در مورد آن ساکت است و لذا درباره ی آن طبق بهترین اقوال در مذهب ابوحنیفه عمل می شود که وقف را دائم می داند.

۲-۶- ایجاد وقف

آیا قبول در صحت وقف شرط است؟

رای راجح عموم فقها (ی اهل سنت) براین است که وقف اساساً عقد نیست بلکه یک نوع تصرف قانونی یک طرفه است که فقط با اراده وقف کننده ایجاد و محقق می شود و لذا وقف تنها با اجرای صیغه ی وقف از طرف وقف کننده ایجاد می شود و نیازی به قبول کردن موقوف علیه نیست تا انشای عقد و یا صحت و اکمال آن و یا استحقاق در آن تحقق یابد (۱۷).

۲-۶-۱- قانون لبنان

در لبنان قانون وقف خانوادگی متعرض این مسئله نشده و محاکم قانونی لبنان در مورد شرط قبول در وقف بهترین اقوال و فتاوی مذهب حنفی را ملاک عمل قرار می دهند که می گوید: «قبول در وقف اساساً شرط نیست نه در صحت وقف و نه در استحقاق آن».

۲-۷- صحت وقف

اساساً صحت وقف فقط منوط به این است که از وقف کننده لفظ یا عمل یا

اشاره‌ای صادر شود که برای جاد وقف دلالت داشته باشد و لذا وقف با سخن و یا عمل صورت می‌گیرد و فقها نوشتن وقف یا گواه رسمی گرفتن را به عنوان شرط صحت آن ذکر نکرده‌اند.

البته برخی از قوانین کشورهای عربی این شرط جدید را جهت صحت وقف اضافه کرده‌اند و هدف ایجاد نظم و انضباط در تصرف در وقفیات و حل مشکلات و اختلافات مربوط به آن‌ها بوده و این شرط پس از این اضافه شده که برخی از اوقاف پذیرفته شده بدون ثبت رسمی بسیاری از مشکلات و اختلافات را سبب شده و موجب اعتراضاتی از سوی مردم گردیده است.

برخی نیز با این شرط جدید به این دلیل که دیدند این شرط دایره‌ی وقف را محدود می‌کند به مخالفت برخاستند گذشته از اینکه هیچ‌یک از فقها ثبت رسمی را دلیل بر صحت وقف ندانسته‌اند.

۲-۷-۱- قانون لبنان

در لبنان وقف خانوادگی طبق قانون باید در محاکم قانونی ثبت شود و طبق ماده‌ی پنجم قانون مارس ۱۹۴۷ م اجبار قانونی برای ثبت وقف فقط در مورد املاک می‌باشد زیرا در غیر این صورت نمی‌توان وقف بودن ملک را قانونی ثابت نمود و بر این اساس برای صحت وقف املاک دو شرط لازم است:

۱. ثبت رسمی در محاکم قانونی؛ ۲. ثبت محضری در سند ملک.

در اینجا نیز در مورد وقف مسجد و مراکز نگهداری ایتام و سالمندان و بیمارستان‌ها استثنا قائل شده و تخصیص اماکن برای این عناوین برای ثبوت وقف کافی است و در غیر این موارد باید وقف در دفترخانه و در سند مالکیت ملک ثبت شود و همچنین طبق ماده‌ی هفدهم قانون مرافعات قانونی صادر شده در فوریه‌ی ۱۹۶۲ م باید ملک موقوف در محاکم شرعی و دینی ثبت شود و در صورتی که ملک وقف شده مربوط به مسیحیان و کاتولیک‌ها باشد باید در محکمه‌ی تابع کلیسا ثبت شود چنانکه در ماده‌های ۲۶۴ و ۲۶۵ قانون ثبت اموال مسیحیان آمده است (۱۷).

۲-۸- اهلیت واقف

بدون شک وقف از مصادیق احسان و کار خیر است و مانند بقیه‌ی خیرات باید انجام دهنده‌ی آن اهلیت لازم را داشته باشد تا عمل او صحیح باشد و اهلیت او جز باوجود سه شرط امکان پذیر نیست:

۱. وقف کننده باید بالغ باشد و بچه حتی اگر ممیز باشد اهلیت وقف کردن ندارد و وقف او باطل است.

۲. وقف کننده باید عاقل باشد و وقف دیوانه و ناقص‌العقل باطل است.

۳. واقف باید رشید یعنی دارای رشد عقلی و اراده‌ی صحیح باشد.

در این مورد قوانین بسیاری از کشورهای عربی سن رشد را اتمام بیست و یک سال دانسته، مانند ماده‌ی اول قانون شماره‌ی ۹۹ مصر مصوب سال ۱۹۴۷ م (۱۷).

۲-۸-۱- قانون لبنان

قانون وقف لبنان (۱۹۴۷ م) سن رشد را برای واقف تعیین نکرده و این به معنای لغو این شرط نیست بلکه به این معناست که عموماً واقف باید اهلیت وقف کردن را داشته باشد.

۲-۹- وقف غیرمسلمان

اصل در مذاهب اسلامی بر این است که وقف غیرمسلمان صحیح و لازم است اگرچه فقها در برخی جزئیات آن اختلاف کرده‌اند و نیز فقها در این اصل اتفاق نظر دارند که وقف غیرمسلمان در صورتی که در جهت معصیت باشد به صورتی که در دین خودش و یا در اسلام به عنوان خیر به حساب نیاید، باطل است و فقها درباره‌ی اینکه ملاک خیر و صلاح بودن این وقف چیست اختلاف کرده‌اند.

۲-۹-۱- قانون لبنان

برای صحت وقف غیرمسلمان در لبنان شرطی است که حنفی‌ها مطرح کرده‌اند و آن این است که وقف از نظر اسلام و دین شخص وقف کننده مجاز و مقبول باشد.

۲-۱۰- شروط واقف

مقصود از شرط واقف چیزی است که واقف در وقف نامه می نویسد و با اراده‌ی خود آن را اعلام می کند و روش و برنامه‌ای که از نظر ولایت و تصرف در مال خود پس از وقف آن در نظر می گیرد و نحوه‌ی بهره برداری و توزیع عایدات وقف و موارد مصرف برای بهره برداری از آن می باشد همچنین شرط واقف در مورد موقت یا دائم بودن وقف نیز مطرح است.

در میان فقها اختلافی در این نیست که برخی از شروط واقف از نظر مشروع صحیح و معتبر است و آن شرط‌هایی است که با اصل وقف منافات نداشته باشد و مخل وقف و مخالف شرع نباشد.

و اگر شروط واقف و یا برخی از آن شروط مخالف شرع باشد طبعاً آن شروط باطل است و اصطلاحاً شرط فاسد یا باطل نامیده می شود و آن شروطی است که با اصل وقف منافات داشته باشد یا مخل وقف و یا مخالف شرع باشد.

قاعده: شرط واقف مانند نص شرعی است.

این قاعده اساساً از نظر فقه محترم و معتبر است و شرعاً باید به آن عمل شود زیرا شرط شرعی واقف حاکی از اراده‌ی اوست و مخالفتی با شرع ندارد لذا به عنوان نص شرعی است و عمل به آن واجب است مگر به ضرورتی یا رجحان امری (۱۷).

۲-۱۰-۱- قانون لبنان

قانون وقف خانوادگی لبنان (۱۹۴۷ م) با شروط ده گانه یاد شده به روشی کاملاً مغایر با قانون مصر برخورد کرده است. ماده‌ی چهاردهم قانون اوقاف لبنان می گوید: واقف مجاز است که شروط ده گانه را برای خود یا دیگری فقط در چارچوب این قانون تعیین نماید و چنانکه ملاحظه می شود قانون لبنان دست واقفین را در این مورد کاملاً باز نگذاشته و گفته است که واقف می تواند برای خود یا دیگری در زمان مرگ یا حیاتش این شروط را تعیین کند همچنین واقف می تواند شروط وقف و موارد مصرف آن را تغییر دهد ولی همه‌ی این ها باید مطابق و در چارچوب این قانون باشد (ماده‌ی ۷).

همچنین قانون لبنان شروط واقفین را به دودسته صحیح و غیر صحیح تقسیم کرده

است و شروط غیر صحیح را باطل دانسته و اصل وقف را پذیرفته است (ماده ۱۲).

۲-۱۱- اموال وقف شده

اموال وقف شده چیزی است که احکام وقف بر آن جاری می شود، چه منقول باشد و چه غیر منقول و آن را محل وقف نیز می گویند و هر چیزی نمی تواند موقوفه باشد و فقها برای مال وقف شده شروطی نهاده اند که اهم آن ها عبارت اند از:

۱. اموال موقوفه باید از چیزهایی باشد که بهره بردن از آن شرعاً حلال و مباح باشد و خرید و فروش آن مجاز باشد.

۲. موقوفه باید معلوم باشد و وقف مال مجهول صحیح نیست.

۳. موقوفه باید قبل از وقف در ملکیت کامل واقف باشد و اگر کسی مالکیت خود را بر چیزی از دست داده باشد دیگر نمی تواند آن را وقف نماید.

در میان فقها اختلافی در مورد صحت وقف ملک نیست بلکه معمولاً اصل در وقف، این است که ملک باشد اما در مورد وقف مال منقول فقها اختلاف کرده اند: مشهور فقها می گویند به طور کلی وقف مال منقول جایز است چه مال مستقلی باشد یا وابسته به چیز دیگری باشد.

همچنین فقها درباره ی جواز وقف مال مشاع اختلاف کرده اند.

۲-۱۱-۱- قانون لبنان

قانون اوقاف لبنان (۱۹۴۷) وقف مال منقول را مجاز دانسته و در ماده ی پانزدهم این قانون آمده است که:

«وقف ملک و مال منقول و سهام شرکت هایی که منافع و بهره برداری آن ها شرعاً جایز است، همه مجاز می باشد».

ماده ی شانزدهم این قانون می گوید که وقف مال مشاع از ملک غیر قابل تقسیم مجاز نیست مگر اینکه بخش دیگر آن موقوف باشد و با وقف مال یکی به صورت موقوفه درآید. در این مورد این قانون شبیه قانون مصر است که وقف مال مشاع قابل تقسیم را جایز می داند (۱۷).

۲-۱۲- موقوف علیه

موقوف علیه بر کسی اطلاق می‌شود که استحقاق وقف دارد و وقف و منافع آن برای اوست چه در حال از منافع وقف استفاده کند یا اینکه هنوز نوبت او نرسیده باشد؛ و وقف صحیح نیست مگر درحالی که شروط ذکر شده در کتب وقف در او موجود باشد و فقها در بعضی از جزئیات شروط موقوف علیه اختلاف کرده‌اند.

در این میان یک شرط اساسی است که حتماً باید در موقوف علیه باشد و آن این است که مصرف وقف در جهت معصیت نباشد زیرا اصل و اساس در وقف طاعت خدا و نیکی است و نمی‌توان با معصیت به خدا نزدیک شد و لذا شرط شده است که موقوف علیه یکی از جهات خیر باشد و این نمی‌شود مگر اینکه موقوف علیه یکی از جهات امر شده در شرع مانند انفاق در راه خدا باشد.

و یکی از شرایطی که فقها در آن اختلاف کرده‌اند (درباره‌ی موقوف علیه) این است که جهتی که بر آن وقف انجام می‌شود منقطع نشود یعنی علت وقف از بین نرود و مخصوصاً کسانی این شرط را تأکید کرده‌اند که معتقدند وقف باید دائم باشد و فقهایی که وقف موقت را نیز مجاز دانسته‌اند این شرط را لازم ندیده‌اند.

ممکن است موقوف علیه به طور مشخص تعیین نشود مانند وقف بر فقرا و علما و مساجد و امثال آن که چنین وقفی علتش هیچ‌گاه از بین نمی‌رود و ممکن است موقوف علیه به طور مشخص تعیین شود و فقها اتفاق نظر دارند که وقف بر موقوف علیه معین صحیح نیست مگر اینکه موقوف قابل تملک باشد و استحقاق موقوف علیه برای بهره‌برداری از منافع وقف تابع خواست و اراده‌ی واقف است و آنچه واقف درباره‌ی شرایط استحقاق ذکر کرده مادام که با اصل وقف یا یکی از احکام وقف و یا حکم شرع مخالفت نداشته باشد معتبر و صحیح است.

۲-۱۲-۱- قانون لبنان

در محاکم لبنان بهترین آرا در مذهب ابوحنیفه ملاک عمل است و حنفی‌ها درباره‌ی موقوف علیه شرط کرده‌اند که باید یک جهت خیری باشد اگرچه عاقبت آن باشد و چنین چیزی نخواهد بود مگر با وجود دو چیز:

یکی اینکه موقوف علیه در نظر واقف برای امور خیری باشد و دوم اینکه از نظر اسلام نیز خیری باشد.

قانون اوقاف خانوادگی لبنان شرط عدم انقطاع موقوف علیه را مطرح نکرده زیرا وقف موقت را ضروری دانسته اما در وقف عام که تابع احکام مذهب حنفی است عدم انقطاع را در موقوف علیه شرط کرده است.

و طبق ماده‌ی ۳۸ قانون وقف خانوادگی لبنان جز در موارد زیر نمی‌توان مستحق وقف (موقوف علیه) را از تمام یا برخی از حقتش بروقف محروم نمود:

۱. در موردی که موقوف علیه وقف کننده را بکشد به شکلی که قانوناً نتواند از او ارث ببرد.

۲. اگر زن بر شوهرش وقف کند و شرط کند که اگر شوهر، این زن را طلاق داد و یا با زن دیگری ازدواج نمود از حقتش بروقف محروم شود.

۳. هنگامی که وقف کننده اسباب و انگیزه‌ی بسیار قوی داشته باشد بر اینکه موقوف علیه را از حقتش بروقف محروم کند که در این صورت اهمیت مسئله را دادگاه تعیین می‌کند (۱۷).

۲-۱۳- بازگشت از وقف

فقها درباره‌ی لزوم وقف و اینکه آیا وقف از تصرفات لازمی است که رجوع و بازگشت در آن ممکن نیست و یا اینکه از تصرفات جایز است و بازگشت از آن ممکن است، بحث کرده‌اند؛ و درباره‌ی این مسئله به دو شکل نظر داده‌اند:

ابوحنفیه می‌گوید وقف جایز است ولی واقف نسبت به آن ملزم نیست و می‌تواند از تصمیم خود برگردد.

گروه دیگر که عامه‌ی فقها هستند می‌گویند: وقف یک تصرف لازم است و به محض اینکه به طور صحیح و کامل با شرایط لازم انجام شد، دیگر واقف حق برگشت از آن را ندارد.

بازگشت از وقف یعنی پایان دادن به وقف و برگرداندن آن به ملکیت صاحب آن قبل از وقف، به گونه‌ای که بتواند آن را بفروشد یا ببخشد و یا خود در آن به هر شکل تصرف

نماید.

در این مورد قوانین بیشتر کشورهای عربی رأی ابوحنیفه را گرفته‌اند و وقف را در همه‌ی اشکال آن تصرف غیر لازم دانسته‌اند به جز وقف مساجد که در مورد خود مسجد و یا آنچه جهت مخارج مسجد وقف می‌شود دیگر قابل بازگشت نیست.

۲-۱۳-۱- قانون لبنان

قانون وقف خانوادگی لبنان (۱۹۴۷ م) این فتوای فقهی را ملاک قرار داده که می‌گوید:

«وقف تصرف نیست.»

و در ماده‌ی هفتم این قانون آمده که واقف می‌تواند تمام یا بخشی از وقف خانوادگی را به خود برگرداند، چنانکه می‌تواند در شرایط و موارد مصرف آن تعدیل نماید. البته به شرط اینکه این تغییرات با قانون وقف مغایرت نداشته باشد. ضمناً قابل توجه است که قابل تغییر بودن وقف در لبنان منحصر به وقف خانوادگی است، اما وقف عام لازم و غیر قابل بازگشت است که از قول راجح در مذهب ابوحنیفه اخذ شده است (۱۷).

۲-۱۴- نظارت و اداره‌ی اوقاف و سرپرستی آن‌ها

وقف دارای نظام و سیستم اداری ویژه‌ای است که فقهای اسلام از عصرهای گذشته تاکنون به آن اهتمام داشته‌اند و برای حفظ اهداف و مقاصد واقفان منافع موقوف علیه از وقف، جلوگیری از سوء استفاده‌های نامشروع و غیر شرعی از موقوفات و یا از بین بردن آن‌ها مسئله‌ی نظارت و سرپرستی اوقاف را مورد بحث و توجه قرار داده‌اند و قوه‌ی قضائیه در کشورهای مختلف نیز از

ابتدای امر به سرپرستی و اداره‌ی اوقاف توجه داشته است.

از سوی دیگر مشکلات و سوء مدیریت اوقاف در موارد زیادی موجب شکایت افراد ذی‌نفع در اوقاف گردیده و لذا از زمان‌های گذشته تاکنون در کشورهای اسلامی اداراتی ویژه‌ی اداره و سرپرستی اوقاف تأسیس شده است.

طبیعی است که اموال موقوفه مانند همه‌ی اموال دیگر به حفاظت و بهره‌برداری صحیح از آن نیازمند است و اینکه درآمدهای آن‌ها در راه‌های از پیش تعیین شده

مصرف شود و به دست مستحقان آن برسد و لذا قانون، سرپرستی اوقاف را امری لازم و حقی ثابت دانسته است.

اما سمت نظارت و ولایت امور اوقاف همسان قدرت و اختیاراتی است که دارنده‌ی آن برای حفظ اوقاف از خرابی و اصلاح و اداره‌ی امور آن‌ها و بهره‌برداری صحیح از آن‌ها و رسانیدن درآمد آن‌ها به افراد ذی نفع و صاحب حق، از آن اختیارات استفاده می‌کند و از طرف موقوف علیه نمایندگی رفع و رجوع شکایات و انجام قراردادهای لازم و گرفتن حقوق شرعی و قانونی مربوط به موقوفه و انجام وظایف محوله از طرف واقف را دارد و حدود و جزئیات این حقوق و وظایف و احکام آن طبق قانون و شرایط وقف تعیین می‌شود و هر کس که این اختیارات را داشته باشد، متولی یا ناظر یا قیم بروقف نامیده می‌شود و حق دارد که سرپرستی وقف و اداره‌ی امور آن و بهره‌برداری صحیح و آباد کردن آن و یا تعمیر آن و رساندن درآمد آن به اهل آن را به عهده گیرد.

ولایت بر اوقاف بردو نوع است:

اول ولایت عام است که از آن حاکم یا قاضی است و از طریق حکومت و قضاوت اعمال می‌شود.

دوم ولایت خاص است که از آن واقف یا موقوف علیه و یا ناظر و یا متولی است که اختیارات خود را از طریق واقف یا قاضی شرع به دست می‌آورد و در وقف، ولایت خاص بر ولایت عام تقدم و برتری دارد.

و اصل کلی در نظارت بروقف این است که نظارت حق کسی است که ضمن شروط وقف تعیین شده و این حق برای او مادام برقرار است که شرایط شرعی و قانونی لازم را داشته باشد. بنابراین به عنوان یک قاعده و ضابطه‌ی کلی متولی وقف حق هرگونه تصرف در وقف را که به نفع موقوف و موقوف علیه باشد، دارد. البته با رعایت شرایط شرعی و قانونی که واقف تعیین کرده است و متولی حق هیچ‌گونه تصرفی ندارد که برای موقوف یا موقوف علیه آسیب و زیانی در پی داشته باشد و یا با هدف و شرایط واقف مغایرت داشته باشد.

احکام فقه اسلام و قوانین کشوری اوقاف نیز مبانی کافی در تعیین احکام مربوط به

مسئولیت‌ها و وظایف ناظران مدنی و کیفری و محاسبه‌ی آنان و برکنار کردن آنان دارد. ناظر بر وقف شرایطی دارد که اگر این شرایط در او باشد نظارت او بر وقف صحیح است چه از طرف واقف یا از طرف قاضی تعیین شده باشد و این شرایط عبارت‌اند از: عقل، بلوغ، امانت‌داری و داشتن توانایی اداره‌ی امور وقف به‌گونه‌ای که اهداف آن تأمین شود(۱۷).

۲-۱۴-۱- قانون لبنان

در قانون وقف خانوادگی لبنان (۱۹۴۷ م) ماده‌ی خاصی درباره‌ی متولی و ناظر بر وقف خانوادگی نیامده اگرچه درباره‌ی تحقیق از مسئولیت‌های متولیان وقف وارد شده است و چون قانون در این باره ساکت است دادگاه‌های لبنان بهترین اقوال در مذهب حنفی را ملاک عمل خود قرار داده‌اند و رأی مرجح در مذهب حنفی این است که ولایت بر موقوفات مادام که وقف‌کننده‌ی آن زنده است به خود او تعلق دارد چه ولایت را هنگام وقف برای خود شرط کرده باشد یا نکرده باشد و لذا او خودش می‌تواند امور مربوط به وقف را اداره نماید یا دیگری را وکیل کند و پس از فوت واقف، ولایت وقف به عهده‌ی کسی است که واقف تعیین کرده باشد یا به آن وصیت نمود باشد و اگر چنین کسی وجود نداشت ولایت وقف به قاضی تعلق می‌گیرد و او هر کس را مناسب بداند متولی امور وقف تعیین می‌کند.

با وجود این برخی از مواد قانون وقف خانوادگی لبنان موارد خاصی دارد که دلالت می‌کند بر اینکه تولیت امور وقف و نظارت بر آن به کسی که منافع وقف به او می‌رسد بهتر است و ماده‌ی سسی‌ام این قانون می‌گوید که وظیفه‌ی دادگاه قانونی این است که از متولی غیرذی‌حق در وقف خلع‌ید نموده و ذی‌حق نسبت به وقف را به تولیت آن تعیین کند. چنانکه طبق ماده‌ی بیست و نهم این قانون اگر وقف خانوادگی میان صاحبان حق تقسیم شود هر یک از افراد ذی‌نفع می‌تواند تولیت بخش مربوط به خود را به عهده‌گیرد و شرط واقف در این صورت اعتبار نخواهد داشت و لذا بر اساس این قانون مصلحت ایجاب می‌کند که هر کس اداره‌ی امور بخش مربوط به خود را به عهده‌گیرد؛ اما اداره و تعیین متولیان و ناظران موقوفات عام، تابع نظام و قانون تقسیمات طایفه‌ای در لبنان

است بدین معنی که هراقلیت و طایفه‌ای امور اوقاف مربوط به خود را به عهده دارد و از زمان صدور قانون شماره ۱۸ در سال ۱۹۵۵ م مسلمانان اهل سنت لبنان امور اوقاف مربوط به خود را به عهده دارند و برطبق احکام اسلامی و قوانین برگرفته از آن، آن‌ها را اداره می‌کند.

و برطبق مواد این قانون مفتی جمهوری لبنان اختیارات فراوان و گسترده‌ای در مورد اوقاف دارد به اعتبار اینکه وی بالاترین مرجع مذهبی در زمینه‌ی اوقاف است و مدیرکل اوقاف را تعیین می‌کند که از نظر کاری و اداری بر همه‌ی اوقاف لبنان نظارت دارد و اداره‌ی اوقاف بیروت را مستقیماً خود به عهده دارد و مستقیماً با مفتی لبنان در تماس است و در مقابل وی و شورای عالی اسلامی پاسخگوست و مدیرکل اوقاف نیز به نوبه‌ی خود بر رؤسای اوقاف مناطق مختلف لبنان ریاست دارد و رؤسای محلی توسط شورای عالی تعیین می‌شوند.

علاوه بر این‌ها به موجب قانون شماره‌ی ۱۸ شوراهای منتخب اداره‌ی اوقاف تأسیس شده که از طریق انتخابات تشکیل می‌شوند و با مدیرکل اوقاف و رؤسای محلی اوقاف در مناطق مختلف کشور همکاری دارند. همچنین به موجب این قانون، کمیته‌های اوقاف محلی در مناطقی که شوراهای اداری مذکور وجود ندارد تشکیل شده و این کمیته‌ها تحت نظارت مدیریت کل اوقاف به فعالیت مشغول‌اند.

۲-۱۵- پایان وقف

مقصود از پایان وقف برداشته شدن حکم آن و خروج مال از وقفیت و در نتیجه آزاد شدن بهره‌برداری از آن است.

علل و اسباب پایان وقف و آزاد شدن موقوفه متعدد است و از آن جمله است:

اول بازگشت واقف از وقفی که حق برگرداندن آن را برای خود شرط کرده است.

دوم پایان وقف موقت با گذشت زمان معین شده برای آن؛

سوم تحقق یافتن هدفی که واقف تحقق آن را برای پایان وقف شرط کرده است.

چهارم از بین رفتن موقوفه و خروج آن از حالت استفاده واقعی و یا صدور حکم قانونی

برپایان وقف (۱۷).

۲-۱۵-۱- قانون لبنان

بر اساس قانون لبنان وقف خانوادگی در این شرایط پایان می‌گیرد:

۱. انقراض کسانی که وقف برای آن‌هاست. چنانکه گفتیم بر اساس قانون لبنان وقف خانوادگی حداکثر تا دو طبقه (نسل) ادامه می‌یابد و سپس پایان می‌گیرد و موقوف به مالکیت صاحبش برمی‌گردد و اگر واقف از دنیا رفته باشد به وراثت طبقه اول یا دوم او تعلق می‌گیرد و اگر واقف هیچ وارثی نداشته باشد موقوف به اداره‌ی کل اوقاف برمی‌گردد البته در صورتی که واقف یک جهت خیریه‌ی دائمی برای وقف معین نکرده باشد (ماده‌ی ۱۱).

۲. وقتی که بنای موقوفه به گونه‌ای تخریب و فرسوده شود که بازسازی و یا تبدیل آن به طوری که بازده قابل توجهی برای موقوف علیه آن داشته باشد، ممکن نباشد (ماده‌ی ۳۲).

۳. وقتی که آنچه به موقوف علیه می‌رسد بسیار کم باشد در آن صورت موقوفه بین افراد موقوف علیه تقسیم شده ملک آنان می‌شود یا در صورت زنده بودن واقف به وی باز می‌گردد (ماده‌ی ۳۲).

در دو حالت اخیر پایان وقف با صدور حکم دادگاه مدنی خاص و بر اساس درخواست یکی از افراد ذی نفع

وقف، صورت می‌گیرد و لازم است که حکم دادگاه درباره‌ی پایان وقف سهم خیریه‌ای را که در ماده‌ی بیست و هفتم قانون آمده (و قبلاً به آن اشاره کردیم) حفظ نماید. این ماده می‌گوید: هنگام تقسیم موقوفه خانوادگی محض، مقدار پانزده درصد از موقوفه برای همان جهت خیریه که در وقف شرط شده (که اگر آن نبود وقف اساساً صحیح نبود) جدا می‌شود و به اداره‌ی اوقاف محلی تعلق می‌گیرد تا در راه‌های خیریه‌ی عمومی مصرف شود.

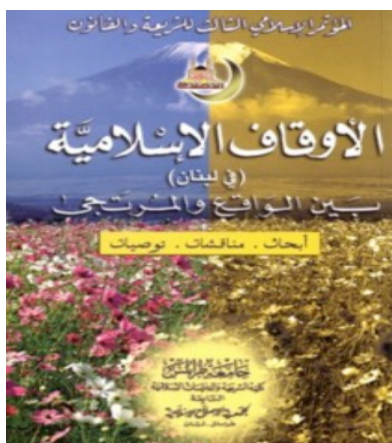
و با توجه به اینکه قانون اوقاف خانوادگی لبنان (۱۹۴۷ م) بر همه‌ی اوقاف مسیحیان و اسرائیلی‌ها که در لبنان واقع است پیاده می‌شود، لذا ماده‌ی ۴۵ این قانون می‌گوید که باید دادگاه ویژه‌ای به ریاست یک مشاور و دو عضو تشکیل شود که یکی از آنان از همان

طایفه‌ای است که وقف در آن است و دیگری از ذی نفع وقف و این دادگاه ویژه به جای قاضی شرع یا اداره‌ی اوقاف در امور مربوط به تخصص هر یک از آنان بر طبق قانون عمل می‌کند و این دادگاه باید در کارها و تصمیمات خود به وقف‌نامه و به قوانین اقلیت مذهبی و طایفه‌ی مذکور پای بند باشد (در صورتی که می‌خواهد حکم پایان وقف را صادر کند) (۱۷).

۲-۱۶- اسناد و قوانین وقف و امور خیریه در کشور لبنان

۲-۱۶-۱- اوقاف اسلامی در لبنان (تحقیقات، بحث‌ها و توصیفات)

اولین سند مناسب و مفیدی که در خصوص اوقاف لبنان به دست آمد سندی با عنوان اوقاف اسلامی در لبنان (تحقیقات، بحث‌ها و توصیفات) می‌باشد. این کتاب به شامل ۴ فصل می‌باشد و در هر فصل آن اطلاعات مناسبی در ارتباط با موضوع مطالعه ما ارائه شده است. در فصل اول این کتاب در خصوص تعاریف وقف خانوادگی و شرایط آن توضیح داده شده است. در فصل دوم کتاب منظر قانونی وقف و مطالعات انجام شده در این حوزه مورد بررسی قرار گرفته است. در فصل سوم کتاب در خصوص تاریخچه‌ای از نحوه‌ی مدیریت وقف در لبنان و چگونگی سرمایه‌گذاری‌های موقوفات و قوانین آن‌ها مطالبی بیان شده و در فصل چهارم کتاب نیز در خصوص نهادهای فعال در حال حاضر در لبنان از جمله اداره‌های اوقاف توضیحاتی داده شده است.



۲-۱۶-۲- قانون ساختار و تشکیلات اوقاف لبنان

این سند قانونی در خصوص ساختار و تشکیلات اوقاف لبنان و مسئولین آن‌ها و چگونگی مسئولیت‌ها و فعالیت‌های آنان است. در این سند جایگاه‌های مختلف موجود در ساختار سازمانی وقف در کشور لبنان معرفی شده‌اند و توضیحاتی در خصوص هر یک از این جایگاه‌ها داده شده است.

۲-۱۶-۳- قانون وزارت امور اجتماعی

در این بخش از قانون که مربوط به وزارت امور اجتماعی کشور لبنان و شامل ۳ صفحه می‌باشد در خصوص فعالیت‌ها و وظایف وزارت امور اجتماعی لبنان مطالبی بیان شده است. همچنین در یک بند از آن به این موضوع که این وزارت بر مؤسسات خیریه و جمعیت‌های فعال در کشور لبنان نظارت می‌کند اشاره شده است.



افصل سوم |

روند توسعه و وضعیت موجود وقف و امور خیریه در کشور لبنان



۳- روند توسعه و وضعیت موجود وقف و امور خیریه در کشور لبنان

پس از بررسی وضعیت عمومی کشور لبنان و آشکار شدن مفهوم وقف و امور خیریه، در این فصل به بررسی روند تاریخی توسعه و تکامل وقف و امور خیریه در کشور لبنان پرداخته می شود و پس از آن به بررسی وضعیت موجود پرداخته خواهد شد. در قسمت وضعیت موجود، اموال منقول و غیرمنقول مورد بررسی قرار گرفته است. در ادامه، کشور لبنان در امور خیریه با دیگر کشورها مقایسه شده است. در پایان مساجد شاخص کشور لبنان بیان گردیده است.

۳-۱- روند توسعه مدیریت وقف در لبنان

در دوران عثمانی عکار بخشی زیر نظر بخش طرابلس بود و اوقاف آن نیز زیر نظر آن بخش اداره می شد. تا اواخر دهه ۷۰ قرن ۱۹ میلادی اوقاف عکار تحت نظارت مفتیان فعال در آن شهر نظارت می شد. اولین مفتی عکار شیخ احمد بن محمد کیلانی بود و پس از او نیز افراد دیگری نیز این منصب را به دست آوردند که به ترتیب زیر هستند:

– احمد بن محمد کیلانی

– مصطفی حاج کیلانی

– محمد بن مصطفی حاج کیلانی

– عمر بن مصطفی کیلانی (۱۹۳۲ م)

– خالد بن عمر کیلانی (۱۹۵۷ م)

– بهاء الدین بن خالد کیلانی (۱۹۷۵ م)

شیخ بهاء الدین بن خالد کیلانی آخرین مفتی عکار بود و پس از آن، کمیته اوقاف عکار مسئول نظارت بر اوقاف شد. این کمیته زیر نظر شورای شرعی اسلامی اعلی فعالیت می نمود.

در سال ۱۹۹۰ دایره اوقاف اسلامی عکار ایجاد گردید و کمیته اوقاف عکار به عنوان یکی از بخش های آن درآمد (۵۲).

۳-۱-۱- وضعیت موجود تجهیزات اوقاف عکار

اموال منقول: اداره اوقاف اسلامی عکار از نظر اموال منقول از فقیرترین اداره های لبنان می باشد.

اموال غیر منقول: اوقاف اسلامی عکار از نظر زمین های وقفی بسیار غنی است و این زمین ها در روستاها و شهرهای مختلفی پراکنده شده اند. با توجه به بررسی های انجام شده ۵۳٪ از مجموع کل زمین های وقفی لبنان، در استان شمال قرار دارد که از این مقدار نیمی برای منطقه عکار می باشد. در حقیقت ۲۶٪ از کل زمین های وقفی لبنان در عکار است.

در خصوص اوقاف عکار اطلاعات زیر موجود است:

۲۴. درآمد حاصل از روابط دنیای اسلام ۵۰ میلیون لیر لبنانی در سال

۲۵. اجاره زمین های وقفی ۶۰ میلیون لیر لبنانی در سال

۲۶. پشتیبانی اندک اداره از سوی دارالفتوی بیروت در صورت کسری بودجه

۲۷. هدایای ماه رمضان ۱۰ میلیون لیر لبنانی در سال

۲۸. هزینه ها و مخارج اداره از جمله امامان، واعظان، و دیگر فعالیت های دینی ۱۶۸٫۷ میلیون لیره در سال است (۵۲)'.^۱

۳-۲- مقایسه وضعیت کشور لبنان در امور خیریه با دیگر کشورها

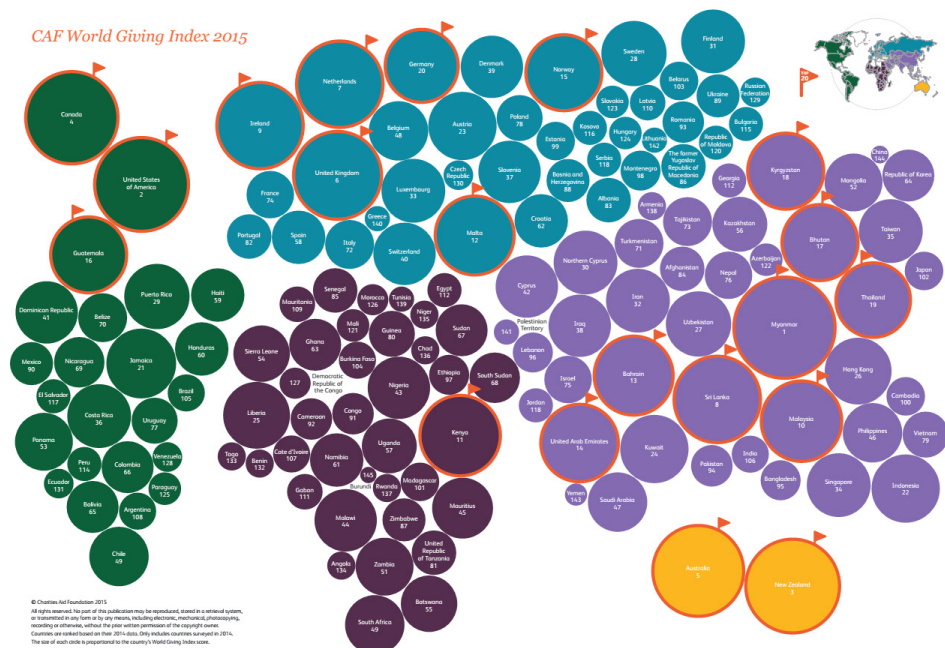
با توجه به گزارشات CAF، کشور لبنان در شاخص های مختلف بخشندگی

۱. در زمینه ی وضعیت موجود وقف و امور خیریه کشور لبنان، علیرغم جستجو هایی که در اینترنت صورت پذیرفت، به دلیل محدودیت های دسترسی منابع و همچنین عدم انتشار اطلاعات مفید از طرف کشور مورد مطالعه، مطالب کاملتری یافت نگردید و تکمیل اطلاعات موجود، نیاز به انجام تحقیقات میدانی و مطالعات تکمیلی در این زمینه دارد.

مورد بررسی قرار گرفته است. این کشور در میان ۱۴۵ کشور مورد مطالعه، در کمک به افراد ناشناس رتبه ۶۰، در کمک به خیریه‌ها رتبه ۹۱ و در کار داوطلبانه رتبه ۱۲۹ را کسب نموده است. همچنین لبنان در شاخص بخشندگی ۵ ساله بین سال‌های ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۴ در رتبه ۹۶ جهان قرار دارد.

Country	Ranking		Score (%)		Ranking		Score (%)	
	Ranking	Score (%)	Ranking	Score (%)	Ranking	Score (%)	Ranking	Score (%)
Myanmar	1	66	47	55	1	92	1	50
United States of America	2	61	3	76	12	63	6	44
New Zealand	3	61	22	65	6	73	4	45
Canada	4	60	14	69	10	67	5	44
Australia	5	59	21	66	7	72	12	40
United Kingdom	6	57	25	63	4	75	28	32
Netherlands	7	56	41	59	5	73	18	36
Sri Lanka	8	56	33	60	16	59	2	48
Ireland	9	56	37	59	8	67	11	41
Malaysia	10	52	27	62	17	58	17	37
Mexico	90	29	88	44	88	23	78	18
Congo	91	28	31	61	126	11	96	14
Cameroon	92	28	39	59	116	14	106	12
Romania	93	28	56	54	84	24	137	7
Pakistan	94	28	121	36	49	36	107	12
Bangladesh	95	27	29	62	125	11	118	10
Lebanon	96	27	91	43	60	31	129	8
Ethiopia	97	27	87	44	86	23	101	13
Montenegro	98	27	134	30	41	42	134	7
Estonia	99	26	104	39	92	21	77	19

شکل ۳-۱: نمودار رتبه‌بندی کشورهای مختلف در شاخص‌های بخشندگی



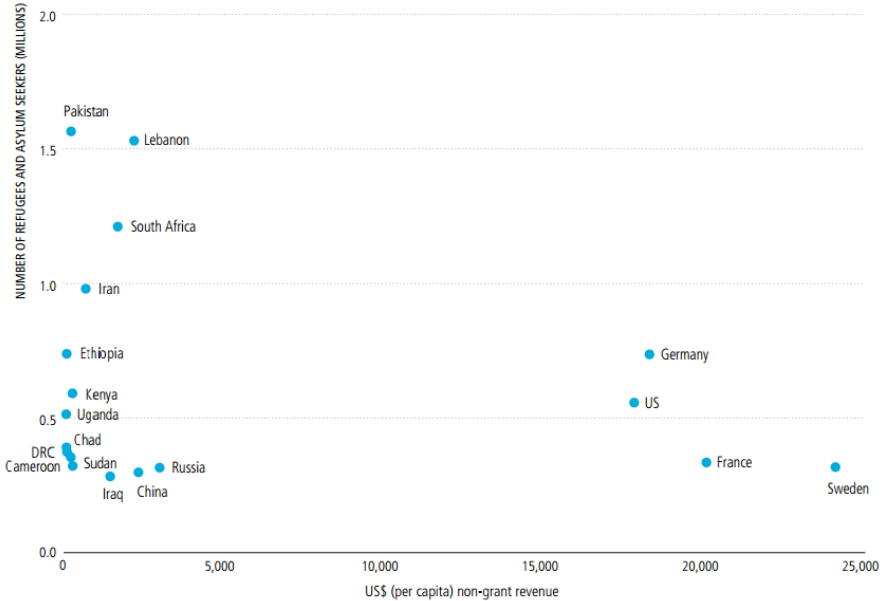
شکل ۳-۲: رتبه‌بندی کشورهای جهان بر اساس میزان بخشندگی

بر اساس گزارش Global-Humanitarian-Assistance ۲۷٪ از شهروندان کشور لبنان زیر خط فقر در حال زندگی هستند. همچنین بیش از ۹۳٪ مهاجران وارد شده به لبنان در زیر خط فقر قرار دارند.

از سال ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۵ مهاجران وارد شده به لبنان از ۴۶۵,۰۰۰ نفر به ۱,۵۳۵,۰۰۰ نفر رسیدند.

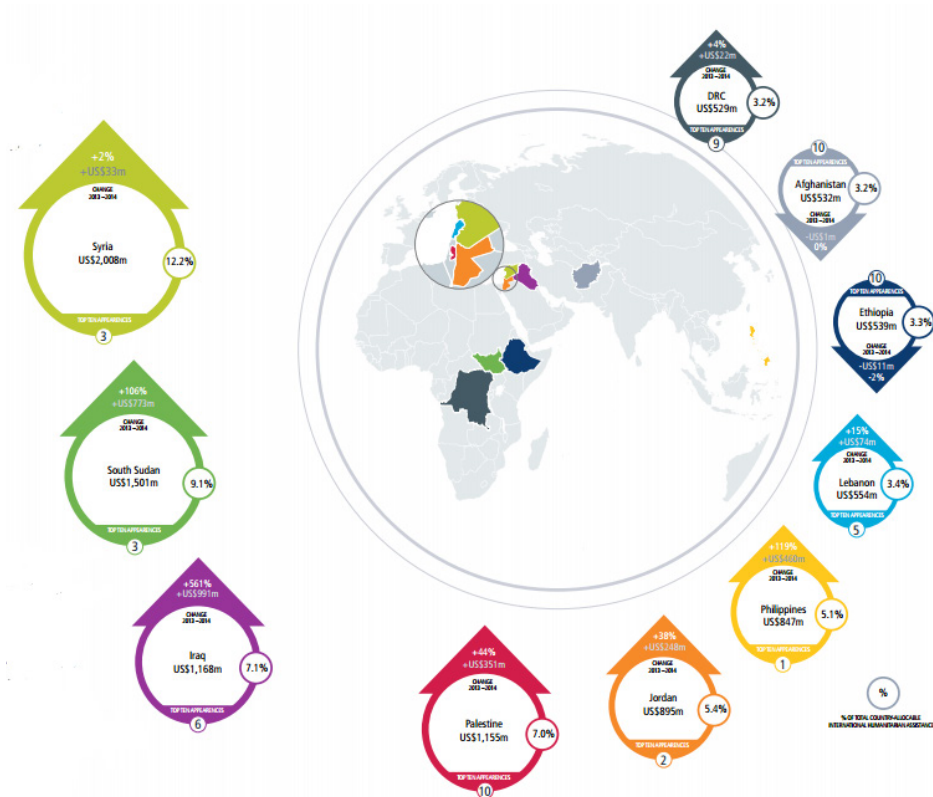
در شکل زیر درآمدهای غیر خیریه‌ای مهاجرانی که در کشورهای دیگر پناهنده شده‌اند نشان داده شده است. در این شکل در محور عمودی تعداد مهاجران بر حسب میلیون نفر و در محور افقی میزان درآمدهای غیر خیریه‌ای این مهاجران برای ۲۰ کشور اول مهاجرپذیر جهان نشان داده شده است. همانطور که از شکل مشخص است تعداد پناهجویان وارد شده به لبنان بسیار زیاد و سطح درآمدی آن‌ها کم است. مهاجران وارد شده به کشورهای اروپایی و آمریکا وضعیت مناسب‌تری را شامل می‌شوند.

در کشور لبنان میزان درآمد مهاجران ۲۰۰۰ دلار در سال و در کشور سوئد ۲۵۰۰۰ دلار در سال می باشد.



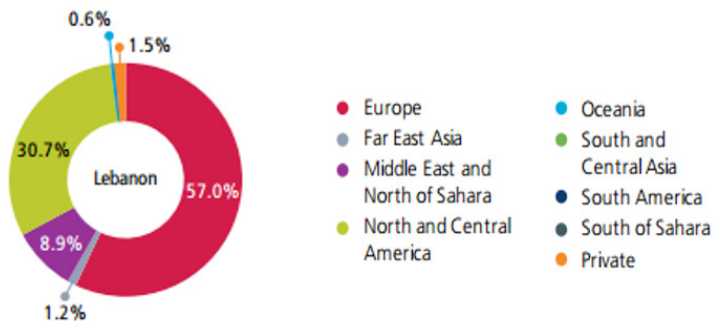
شکل ۳-۳: نمودار تعداد پناهنجویان و درآمد آن ها در کشورهای مختلف مهاجرپذیر

در سال ۲۰۱۵، ۸ کشور به همراه اتحادیه اروپا به اردن و لبنان قول همکاری ۱ میلیارد دلاری برای پذیرش مهاجران سوری داده اند.



شکل ۳-۴: کشورهای دریافت‌کننده بیشترین میزان کمک‌های بشردوستانه

لبنان در میان ۱۰ کشور نخستی است که بیشترین میزان کمک‌های بشردوستانه را دریافت نموده‌اند. لبنان ۳,۴٪ از کمک‌های بین‌المللی را به خود اختصاص داده است. در شکل زیر میزان کمک‌های ارسال شده به لبنان از مناطق مختلف جهان نشان داده شده است. بیشترین این کمک‌ها از اروپا ارسال شده که ۵۷٪ کمک‌ها را شامل می‌شود. پس از آن امریکای شمالی و مرکزی است که ۳۷٪ کمک‌ها را به خود اختصاص داده است.



شکل ۳-۵: سهم کشورهای مختلف در ارسال کمک‌های خیریه به لبنان

۳-۳- مساجد شاخص کشور لبنان

لبنان معروف است به کشور مساجد و کلیساها که در کنار یکدیگر ساخته شده‌اند و طی قرون گذشته و دوران فتوحات اسلام اولین مسجد لبنان در بیروت بنام مسجد العمری در هنگام فتح بیروت ساخته شد. این مسجد در حال حاضر در کنار مجلس نمایندگان لبنان می‌باشد و قدیمی‌ترین مسجد این کشور است و می‌گویند شناخت بیروت از اسلام با بنای این مسجد بوده است.

در لبنان مساجد در کل استان‌ها و شهرها براساس نوع جمعیت به شیعیان و اهل سنت اختصاص یافته است و بسیاری از مساجد تاریخی همانند مسجد العمری در طرابلس و صیدا، مسجد رأس الامام الحسین (ع) در بعلبک و مساجد دیرالقمرو جبیل در استان جبل لبنان وجود دارند.

در استان‌های شش‌گانه لبنان منطقه‌ای وجود ندارد که مسجدی در آن نباشد. در شهرهای جدید در هر منطقه یا خیابانی یک یا دو مسجد وجود داشته و توسعه مساجد نیز در دستور کار می‌باشد.

این مساجد عموماً زیر نظر اداره اوقاف دارالفتوی (اهل سنت) و یا مجلس اعلای شیعه (شیعیان) می‌باشد و صدها مسجد نیز وجود دارد که زیر نظر هیئت‌های اسلامی خاص اداره می‌شوند. از نظر معماری، ساخت مساجد اهل سنت عموماً براساس معماری ترکی یا عربی است و متفاوت از مساجد شیعیان می‌باشد. مساجد شیعی نیز

کمتر متأثر از معماری ایرانی بوده و تعداد محدودی از مساجد شیعی از این معماری بهره برده‌اند.

البته در مساجد شیعیان که نقش بسیاری در فعالیت‌های اسلامی و حرکت‌های جهادی داشته، شاهد حضور چشمگیر مردم هنگام نماز جماعت همانند آنچه نزد اهل سنت وجود دارد، نمی‌باشیم، چرا که اهل سنت عنایت بیشتری به نماز جماعت داشته و در کلیه مساجد اهل سنت نماز جمعه برگزار می‌شود و در صورتی که تنها در چهار مسجد شیعی در لبنان نماز جمعه برگزار می‌شود و آن عبارت است از مجمع الزهراء در شهر صیدا به امامت شیخ عقیف النابلسی، مسجد حبشیت به امامت شیخ احمد حرب (برادر شیخ شهید راغب حرب)، مسجد امام علی (ع) در بعلبک به امامت شیخ محمد یزبک وکیل شرعی مقام معظم رهبری و مسجد الامامین الحسنین (ع) در بیروت و به امامت علامه سید محمد حسین فضل الله.

در لبنان مسلمانان در مناطق ذیل ساکن می‌باشند: در طرابلس و شمال (اهل سنت - درکنار مسیحیان)، در بیروت مسلمانان (اهل سنت و شیعه از طوائف مختلف)، در جنوب در صیدا و حاصبیا (اهل سنت و طائفه دروز)، در نبطیه، صور و بنت جبیل (شیعیان)، در بقاع اهل سنت و شیعه (از کلیه طوائف) و در عکار تعداد زیادی سنتی و در صور و بنت جبیل تعداد زیادی از شیعیان ساکن می‌باشند (۳۲).

همچنین در لبنان ده‌ها مسجد منسوب به انبیاء علیهم السلام در مناطق مختلف شیعیان و اهل سنت وجود دارد همانند مسجد الخضر در عکار، مسجد النبی شیت، مسجد النبی ایلیا در بقاع و همچنین مسجد مقام السیده خوله (دختر امام حسین (ع)) در بعلبک.

مساجد اهل سنت در لبنان فقط در وقت نماز باز می‌باشد اما مساجد شیعیان همواره باز می‌باشد و عموماً در مساجد مکان خاصی برای نماز جماعت خانم‌ها وجود ندارد جز در برخی مساجد خاص. در مناسبت‌هایی نظیر عید فطر و قربان مردم در نماز جماعت به صورت چشمگیر شرکت می‌کنند و در مساجد زکات فطره و صدقات جمع‌آوری می‌شود.

همچنین در مساجد لبنان به ندرت مراسمی نظیر مجالس ختم، ولادت و اعیاد برگزار می شود و عموماً این گونه مراسم توسط شیعیان در حسینیه ها که جنب مساجد می باشد و توسط اهل سنت در خلایا که داخل و خارج از مسجد می باشد برگزار می شود. همچنین اهل سنت اهتمام بیشتری به قرائت قرآن در مساجد دارند که کمتر مورد توجه شیعیان است مگر فعالیت هایی که توسط مؤسسات فرهنگی و تبلیغی وابسته به حزب الله یا نمایندگی مقام معظم رهبری انجام می شود.

در مورد مسئله ساخت مساجد و موضوع وقف در لبنان رایج است که افراد در زمان حیات خود بانی ساخت مساجد می شوند و یا بعد از مرگ توسط وارث به نام اموات ساخته می شود اما عموماً مساجد به نام انبیاء، ائمه و خلفاء می باشد و در برخی از مساجد تابلویی به نام مشارکین در ساخت مسجد دیده می شود و در برخی از مناطق لبنان در کنار مقبره فرد یا افرادی حسینیه ای برپا می شود.

اما در خصوص غسل و کفن و نماز میت، شیعیان در حسینیه ها و اهل سنت در داخل مساجد این مراسم را برگزار می کنند (۳۲).

۳-۳-۱- مسجد جامع عمری

لبنان معروف است به کشور مساجد و کلیساها که در کنار یکدیگر ساخته شده اند و طی قرون گذشته و دوران فتوحات اسلام اولین مسجد لبنان در بیروت بنام مسجد العمری توسط عمر بن الخطاب در هنگام فتح بیروت ساخته شد. این مسجد در حال حاضر در کنار مجلس نمایندگان لبنان می باشد و قدیمی ترین مسجد این کشور است و می گویند شناخت بیروت از اسلام با بناء این مسجد بوده است.

این مسجد به نام خلیفه عمر بن خطاب، العمری نامیده می شود همچنین با عنوان فتوح الاسلام نیز اشاره می شود. گفته می شود این مسجد در دوران فرانک ها به کلیسا تغییر یافت، پس از آن صلاح الدین در سال ۱۱۸۹ م آن را بازگردانید. هنگامی که فرانک ها بیروت را در ۱۱۹۷ م اشغال کردند، به یک کلیسای جامع تبدیلش کردند تا اینکه در سال ۱۲۹۱ مسلمانان آن را بازپس گرفتند.



شکل ۳-۶: مسجد العمری

۳-۳-۲- مسجد رأس الحسین (ع)

مسجد رأس الحسین در شهر بعلبک لبنان قرار دارد. بعلبک یک شهر تاریخی و مذهبی در لبنان است که در زمانی که واقع کربلا رخ داد، اسرا بعد از آن در این شهر مدتی اقامت داشتند که ارتش یزید که حامل سر مبارک امام حسین (ع) بودند و در کنار یک نهر در این شهر خیمه زدند و آنها را به عنوان خارج شدگان از دین به مردم معرفی کردند و در ادامه مردم متوجه شدند که آنها از خوارج نیستند و اولاد رسول خدا هستند. امروزه مسجدهایی به نام مسجد رأس امام الحسین (ع) در کشورهای مختلف اسلامی وجود دارد که یکی از آنها در شهر بعلبک لبنان در مکان نگهداری سر مبارک امام حسین (ع)، بنا شد و شخصی به اسم ظاهر بیبرس به منظور زیارت مومنان دستور توسعه مسجد را داد.

سنگ نوشته ای در مسجد وجود دارد که حقیقت این داستان را تأیید می کند و وجود این مسجد بر ارزش مذهبی تاریخی شهر بعلبک می افزاید، گفته شده است که در آن زمان امام زین العابدین (ع) در آنجا نماز خوانده و برای مردم سخنرانی کرده است. با بازدید از این مسجد سنگ بزرگی را می بینید که گفته شده است که سر مبارک امام حسین (ع) بر روی آن قرار گرفته است.



شکل ۳-۷: مسجد رأس الامام حسين (ع)

۳-۳-۳- مسجد فخرالدین

مسجد فخرالدین مسجدی در دیرالقمردر لبنان است. این مسجد در سال ۱۴۹۳ ساخته شد و قدیمی ترین مسجد منطقه و استان جبال لبنان به شمار می رود. فخرالدین در زمان عثمانی به حکمرانی و تسلط بر منطقه رسیده است و از آن به نیکی و تدبیر یاد می شود.



شکل ۳-۸: مسجد فخرالدین

۳-۳-۴- مسجد محمد الامین (ص)

مسجد محمد الامین (ص) مسجدی در نزدیکی میدان شهدا، در مرکز شهر بیروت است. نمازگزاران این مسجد بیشتر مسلمانان اهل سنت اند. این مسجد بین سال‌های ۲۰۰۲ و ۲۰۰۷ ساخته شد و بانی آن نخست‌وزیر قبلی لبنان رفیق حریری بوده است که بعد از فوتش در همین مسجد مدفون شد. عزمی فاخوری معمار این مسجد، از ترفیق هنر عثمانی گنبد این مسجد رو فیروزه‌ای رنگ انتخاب کرد به همین خاطر این مسجد به مسجد سلطان امیر احمد در استانبول شباهت زیادی دارد. این مسجد بزرگ‌ترین و زیباترین مسجد لبنان به حساب می‌آید (۳۳، ۳۴)



شکل ۳-۹: مسجد محمد الامین (ص)

۳-۴- نظارت بر مساجد

مساجد در لبنان ۲ دسته‌اند. دسته اول زیر نظر اداره اوقاف هستند و اداره اوقاف بر آن‌ها نظارت و امور مربوط به آن‌ها را انجام می‌دهد. دسته دیگر مساجدی هستند که با

هزینه‌های اشخاص اداره می‌شود و وقف آن‌ها است. در این خصوص پس از مرگ متولی یا ترک تولیت او یا موارد مشابه، اداره اوقاف این مساجد را تحت نظارت خود قرار می‌دهد (۳۶)۱.

۱. در زمینه‌ی وضعیت مساجد و اماکن مذهبی کشور لبنان، علیرغم جستجوهای که در اینترنت صورت پذیرفت، به دلیل محدودیت های دسترسی منابع و همچنین عدم انتشار اطلاعات مفید از طرف کشور مورد مطالعه، مطالب کاملتری یافت نگردید و تکمیل اطلاعات موجود، نیاز به انجام تحقیقات میدانی و مطالعات تکمیلی در این زمینه دارد.



افصل چهارم |

نگاشت نهادی نظام مدیریت وقف وامور خیریه در کشور لبنان



۴- نگاشت نهادی نظام مدیریت وقف و امور خیریه در کشور لبنان

۴-۱- مقدمه

یکی از موضوعات مهم برای شناخت وضعیت وقف و امور خیریه در کشورهای مختلف شناخت ساختار و بازیگران فعال در این حوزه است. این موضوع از آن جهت مورد اهمیت است که با شناخت انواع بازیگران فعال در زمینه‌های مختلف و بررسی و تحلیل نوع فعالیت‌هایی که انجام می‌دهند، می‌توان از دستاوردهای هر یک از این بازیگران استفاده کرد و از تجربیات ناموفق آنها دوری جست.

در این فصل پس از معرفی انواع کنشگران فعال در سه بخش وقف و امور خیریه، مساجد و اماکن متبرکه، قرآن و فعالیت‌های مذهبی به شناسایی و تحلیل بازیگران مختلف با توجه به نقشی که در وقف و امور خیریه کشور لبنان ایفا می‌کنند، پرداخته شده است. سپس نگاشت نهادی تمامی این بازیگران به همراه نوع ارتباطات آنها ترسیم شده است و پس از آن، هر یک از این بازیگران و مجموعه فعالیت‌ها، اهداف، مأموریت، چشم‌انداز، ساختار و... آنها مورد تحلیل قرار می‌گیرد.

۴-۲- انواع کنشگران فعال در حوزه وقف و امور خیریه

کنشگر، عبارت است از فرد، گروه و یا سازمانی که می‌تواند بر ورودی‌ها (منابع) و یا بروندهای یک سیستم تأثیر بگذارد و یا از خروجی‌ها و بروندهای آن (خدمات، محصولات، پیامدها و...) تأثیر پذیرد. در این گزارش کنشگران به چهار دسته اصلی تقسیم می‌شوند:

۴-۲-۱- سیاست‌گذار

یک سیاست‌گذار نهادی است که برنامه‌هایی که باید توسط دولت، کسب‌وکارها و غیره دنبال شود را تعیین می‌کند.

سیاست‌گذاری به صورت فرآیندی تعریف شده است که به واسطه آن دولت به منظور ارائه پیامد (تغییرات مطلوب در دنیای واقعی)، چشم‌انداز سیاسی خود را به برنامه و عمل تبدیل می‌کند. لذا سیاست‌گذاری، کارکرد اصلی هر دولت می‌باشد. به طور کل، سیاست می‌تواند شکل‌های مختلفی به خود بگیرد مانند سیاست‌های غیرمداخله‌ای، تنظیم، تشویق تغییرات داوطلبانه (مانند کمک‌های مالی) و ارائه خدمات عمومی.

• دارالفتوی لبنان

دارالفتوی لبنان که اصلی‌ترین ارگان مذهبی اهل سنت لبنان به شمار می‌رود. دارالفتوی مرجعیت اصلی سنی در لبنان است و رییس این دیوان الشیخ عبد اللطیف دریان است که منصب مفتی اعظم جمهوری لبنان را برعهده دارد. این نهاد همچنین اداره مدارس دینی و نظارت بر مساجد کشور را نیز برعهده دارد. مرکز اصلی دارالفتوی در بیروت است اما یک مرکز دیگر نیز در منطقه شمال و طرابلس وجود دارد.

• دارالفتوی شمال و طرابلس

دارالفتوی شمال و طرابلس، مرکزی دینی در منطقه شمال و طرابلس می‌باشد که به فعالیت‌های دینی در کشور لبنان و به خصوص در مناطق مربوط به خود می‌پردازد. مفتی اعظم طرابلس نیز رئیس دارالفتوی می‌باشد و براداره اوقاف طرابلس نظارت می‌کند.

• اداره عمومی اوقاف لبنان

به طور کلی اداره عمومی اوقاف لبنان در ۲ حوزه وقف و مساجد فعالیت می‌کند. در حوزه وقف این اداره، وظیفه نظارت بر اوقاف، سرمایه‌گذاری اموال و نگهداری از موقوفات را برعهده دارد و در بخش مساجد نیز به نظارت و کنترل مساجد می‌پردازد.

• اداره اوقاف عکار

این اداره به انجام فعالیت‌های مربوط به وقف در منطقه عکار می‌پردازد. اداره اوقاف عکار علاوه بر فعالیت‌های وقفی به کنترل و نظارت مساجد و همچنین امور دینی و مذهبی در منطقه نیز می‌پردازد.

• شورای اعلی شیعی

شورای اعلی شیعی مرجعیت اصلی شیعیان لبنان در این کشور می‌باشد که زیر نظر نخست‌وزیری فعالیت می‌کند و توسط امام موسی صدر ایجاد شده است. این شورا در سال ۱۹۶۷ ایجاد گردید و امام موسی صدر در سال ۱۹۶۹ به عنوان اولین رئیس این شورا انتخاب شد.

• وزارت امور اجتماعی

وزارت امور اجتماعی در جهت توسعه انسانی جامعه لبنان و ارائه خدمات اجتماعی به مردم ایجاد گردید و از زمان تأسیس در همین مسیر گام نهاده است. با توجه بدین منظر، وزارت امور اجتماعی تمام تلاش خود را برای تکامل جامعه و ارائه کمک به نیازمندان جامعه اختصاص داده است.

۴-۲-۲- تنظیم‌گر

تنظیم مجموعه گوناگونی از ابزارهاست که به واسطه آن دولت نیازمندی‌های شرکت‌ها و مردم را تنظیم می‌کند. کارکردهای تنظیم‌گر بنا به دلایل گوناگونی به وجود آمده‌اند از جمله:

– تعیین حقوق و مسئولیت‌های هریک از موجودیت‌های جامعه به منظور تحقق اهداف توسعه پایدار

– تنظیم استانداردهای صنعتی

– جمع‌آوری مالیات‌ها و دیگر درآمدها و...

به منظور درک بهتر کارکردهای تنظیم‌کننده، بررسی انواع روش‌های تنظیمی مفید خواهد بود. به صورت کلی انواع تنظیمات عبارت‌اند از:

– فرمان و کنترل: تنظیم دستور و کنترل نوعاً وضع / تحمیل استانداردهای حمایت شده توسط مصوبات قانونی است، هرگاه استانداردها سازگار نباشند. بنابراین، قانون به عنوان منع یا اجبار فعالیت‌های معینی به کار می‌رود. استانداردها می‌تواند از طریق قانون‌گذاری یا تنظیم‌گرانی که به واسطه فرآیند تنظیم برای تعریف قانون مشروعیت دارند، تنظیم شود.

– خود-تنظیمی: این رویکرد می‌تواند به عنوان نوعی از نسخه خود انجामी رویکرد دستور و کنترل تلقی شود. در این مورد، اغلب انجمن‌های تجاری یا کسب و کار تشکیل شده که قوانین عملکرد را ایجاد، کنترل و اجرا می‌کنند. به عنوان یک قانون، خودتنظیمی اغلب به عنوان یک روش کسب و کار دیده می‌شود که اقدام انحصاری به منظور جلوگیری از مداخله دولت انجام می‌دهد. مزایای این رویکرد شامل سطح بالایی تعهد کسب و کارها و ماهیت جامع قوانین تنظیم شده می‌باشد. به علاوه، این رویکرد منعطف‌تر از رویکرد دستور و کنترل بوده چراکه به قانون‌گذاری نیازی ندارد. از سویی دیگر، خودتنظیمی می‌تواند به صورت یک رویکرد غیردموکراتیک، محدود به بررسی دقیق بیرونی و در معرض سوءاستفاده توسط کسانی که با اهداف مختلف قوانین را تنظیم می‌کنند، دیده شود. در کمترین سطح، خودتنظیمی همواره در معرض چالش‌های منتج شده از علاقه‌های بیرونی کسانی که فکر می‌کنند استانداردها و قوانین به سمت کاهش تأثیر فعالیت‌های غیرمطلوب تنظیم نشده است، قرار دارد.

– تنظیم مبتنی بر تشویق: یک تشویق، سیاست، قانون، مکانیسم قیمت، یا رویه‌ای است که به دنبال تعدیل رفتار افراد یا شرکت‌ها به واسطه تغییر در هزینه‌ها یا سودهای حاشیه‌ای مرتبط با تصمیم یا فعالیت خاص می‌باشد. از یک سو، می‌توان گفت که تمامی تنظیمات بر مبنای تشویق است چراکه تنظیم از طریق مفهوم پایه جرمه برای رفتارهای "بد" و پاداش برای رفتارهای "خوب" عمل می‌کند. تنظیم مبتنی بر تشویق سعی دارد به منظور کاهش هزینه‌ها و بهبود خدمات، برنامه سودمند با سودهای زیاد را پاداش دهد. هدف عمده این است که تنظیم شده فعالیت‌های غیرمطلوب خود را از طریق تحمیل / وضع مالیات و کمک‌های مالی محدود یا متوقف کند. برای به

کارگیری این رویکرد، گام‌های اصلی شامل انتخاب واحدهای اندازه‌گیری، تعیین خط مبنا، انتخاب اهداف برای بهبود و/ یا نگهداری و سپس اجرای تشویق‌ها و جریمه‌ها می‌باشد. یکی از انواع تنظیمات مبتنی بر تشویق، تنظیم مبتنی بر عملکرد (PBR) است که تشویق‌ها ملزم به بهبود در عملکرد مطلوب، کاهش قیمت و بهبود در کیفیت خدمات می‌باشد. به علاوه، PBR بیشتر به استانداردهای عملکرد خارجی متکی است و کمتر به فعالیت‌های خاص شرکت حساس است. مزایای PBR این است که به بهبود در بهره‌برداری شرکت‌ها، کاهش هزینه‌های نگهداری و عملیات و بهبود در پایایی سیستم کمک می‌کند. طرح تنبیه و تشویق به صورت مکانیکی عمل می‌کند. بنابراین کاهش در حوزه صلاح‌دید تنظیمی، در مقابل امکان تسخیر در فرآیند تنظیم را کاهش می‌دهد. به علاوه این رویکرد، انعطاف‌پذیری در تصمیم‌گیری شرکت، که آیا از قانون تبعیت کند یا جریمه پردازد، را فراهم می‌کند. اگرچه به عنوان یکی از معایب این روش، می‌توان به ایجاد قوانین بسیار پیچیده و غیر منعطف که واقعیت‌های بازار در آن لحاظ نشده است، اشاره کرد. از مفروضات اصلی این رویکرد، عقلانیت اقتصادی است که لزوماً در همه موارد یافت نمی‌شود. همچنین، گاهی اوقات پیش‌بینی تأثیر این نوع رویکرد مشکل است. به عنوان مثال، رفتار "بد"، مانند آلودگی، می‌تواند پاداش بگیرد اگر که قوانین به طور صحیح تنظیم نشده باشند.

• دایره مساجد اداره عمومی اوقاف

آن بخش از مساجد که در زیر نظر اداره عمومی اوقاف هستند، توسط دایره مساجد این اداره نظارت و کنترل می‌شوند.

• بخش امور دینی اداره اوقاف عکار

این بخش زیر نظر اداره اوقاف عکار فعالیت می‌نماید و امور دینی منطقه از جمله برگزاری جلساتی با امامان و واعظان، نظارت بر جشن‌های دینی، تأمین معلمان دینی مدارس، تأمین کتب دینی آموزشی برای مدارس، تهیه نشریات دوره‌ای در خصوص مسائل دینی و فعالیت‌هایی از این قبیل را انجام می‌دهد.

۴-۲-۳- تسهیل‌گر

سازمان‌های محلی یا بین‌المللی هستند که معمولاً توسط دولت سرمایه‌گذاری می‌شوند و هدف آن توسعه و بهبود بازار خدمات می‌باشد. یک تسهیل‌گر، تأمین‌کنندگان خدمات را از طریق انجام فعالیت‌های خدماتی جدید، ارتقاء تجارب مفید و ایجاد ظرفیت حمایت می‌کند. کارکردهای دیگریک تسهیل‌گر شامل ارزیابی خارجی تأثیر تأمین‌کنندگان خدمات، تضمین خدمات و حمایت برای محیط سیاسی بهتر می‌باشد. عمل تسهیل، کارکردی است که به‌طور معمول توسط سازمان‌های توسعه‌گرا انجام شده و می‌تواند شامل سازمان‌های غیردولتی و کارفرمایان و عامل‌های دولتی باشد. علاوه بر موارد مذکور در حوزه وقف و امور خیریه فراهم آوردن دیتابیس از مجموعه خیریه‌ها و یا انجام خدمات مشاوره‌ای برای مؤسسات خیریه نیز می‌تواند به عنوان کارکردهای تسهیل‌کنندگان در نظر گرفت.

• بخش امور دینی اداره اوقاف عکار

این بخش زیر نظر اداره اوقاف عکار فعالیت می‌نماید و امور دینی منطقه از جمله برگزاری جلساتی با امامان و واعظان، نظارت بر جشن‌های دینی، تأمین معلمان دینی مدارس، تأمین کتب دینی آموزشی برای مدارس، تهیه نشریات دوره‌ای در خصوص مسائل دینی و فعالیت‌هایی از این قبیل را انجام می‌دهد.

۴-۲-۴- ارائه‌دهنده خدمات

تأمین‌کننده خدمات آموزشی و پژوهشی شامل دانشگاه‌ها، پژوهشگاه‌ها و مؤسساتی هستند که در زمینه آموزش و پژوهش در حوزه وقف و امور خیریه فعالیت می‌کنند. ضمناً مؤسسات خیریه‌ای که وظیفه جمع‌آوری کمک‌های مردمی و صرف این کمک‌ها در میان افراد هدف را دارند نیز به عنوان ارائه‌کنندگان خدمات شناخته می‌شوند. با توجه به ادبیاتی که درباره کنش‌گران مطرح شده است، بازیگران فعال در کشور لبنان در سه حوزه وقف و امور خیریه، مساجد و اماکن متبرکه، و قرآن و فعالیت‌های مذهبی ایفای نقش می‌نمایند که در ادامه، توضیح مختصری درباره هرکدام از این نهادها و نقش آن‌ها در این سه حوزه داده شده است.

• صندوق زکات

صندوق زکات یکی از مراکز خیریه‌ای لبنان است که از سال ۱۹۸۴ شروع به فعالیت نموده است و در زمینه‌های خیریه‌ای، اجتماعی، فرهنگی و توسعه‌ای فعالیت می‌نماید. هدف اصلی این مرکز دریافت زکات از مسلمانان و استفاده از آن در محل‌های لازم و برای مستحقین این کمک‌ها می‌باشد.

• جمعیت خیریه حمایت از کودکان

این جمعیت یک موسسه خیریه‌ای و بشردوستانه است که به حمایت و نگهداری از کودکان در حوزه‌های مختلف می‌پردازد. این موسسه در ۱۹۴۹ ایجاد گردید و فعالیت خود را با مراقبت و نگهداری از کودکان شروع کرد. این جمعیت با همکاری ۴۸ جمعیت و مؤسسه دیگر فعالیت می‌نماید.

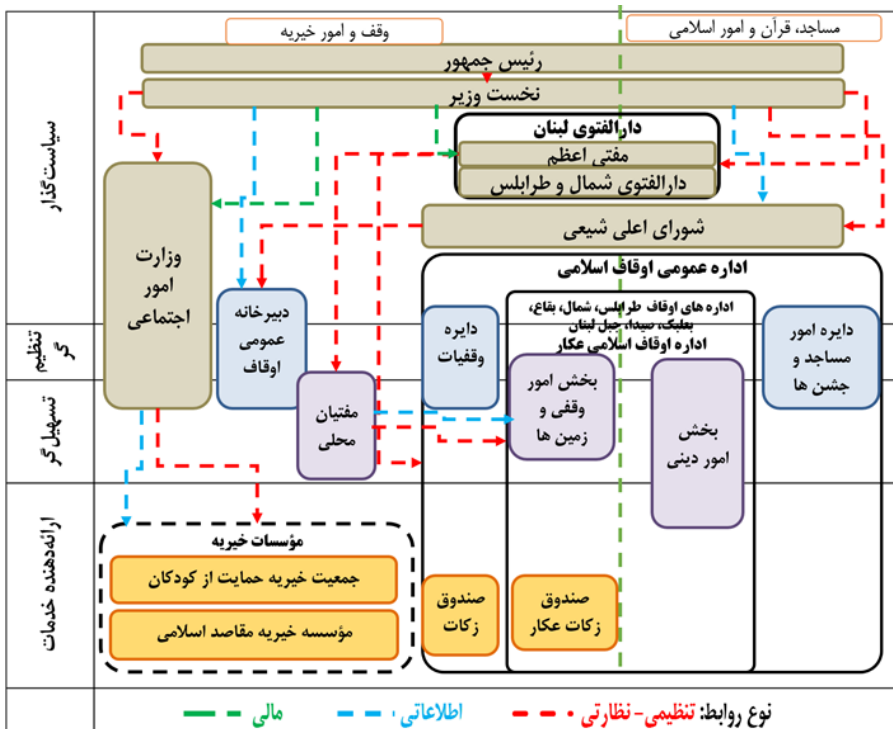
• مؤسسه خیریه مقاصد اسلامی

مؤسسه مقاصد اسلامی در سال ۱۸۷۸ در لبنان ایجاد گردید و در حدود ۱٫۵ قرن است که در این کشور فعالیت می‌نماید. این مؤسسه در زمینه‌های مختلف از جمله ارائه خدمات بهداشتی و درمانی، خدمات آموزشی و فرهنگی فعالیت می‌نماید.

• جمعیت خیریه میراث

این جمعیت خیریه در ۱۹۷۸ میلادی در لبنان تأسیس شد. در ابتدا هدف از ایجاد این موسسه حفاظت از ایتام و کودکان خیابانی بود. اما پس از گذشت چندین سال حوزه فعالیت‌های این مرکز گسترش یافت و به دیگر امور بشردوستانه از جمله فعالیت‌های آموزشی، فرهنگی و سلامت نیز پرداخت.

۳-۴- نگاهت نهادی نظام مدیریت وقف و امور خیریه، مساجد، قرآن و امور اسلامی همانطور که در بخش پیشین اشاره شد، نهادهای مختلفی با نقش های متفاوت در سه بخش وقف و امور خیریه، مساجد و اماکن متبرکه، قرآن و فعالیت های مذهبی در کشور لبنان فعالیت می نمایند؛ در این بخش، ابتدا نگاهت نهادی مربوط به این کنشگران در شکل (۴-۱) نشان داده شده است و سپس نهادهای سیاست گذار، تنظیم گر، تسهیل گر، ارائه دهنده خدمات در موضوعات مختلف در سه بخش وقف و امور خیریه، مساجد و اماکن متبرکه، قرآن و فعالیت های مذهبی مورد تحلیل قرار گرفته اند.



شکل ۴-۱: نگاهت نهادی نظام مدیریت وقف و امور خیریه، مساجد، قرآن و امور اسلامی در کشور لبنان

۳-۴-۱- دارالفتوی لبنان

دارالفتوی یک نهاد حکومتی در لبنان است که در سال ۱۹۲۲ ایجاد گردید و مهم ترین فعالیت ها و احکام شرعی و دینی اهل سنت را به خود اختصاص داد (۵۶).

فصل چهارم- نگاشت نهادی نظام مدیریت وقف و امور خیریه در کشور لبنان / ۹۱

دارالفتوای لبنان که اصلی‌ترین ارگان مذهبی اهل سنت لبنان به شمار می‌رود (۵۵). دارالفتوی مرجعیت اصلی سنی در لبنان است و رییس این دیوان الشیخ عبد اللطیف دریان است که منصب مفتی اعظم جمهوری لبنان را بر عهده دارد. این نهاد همچنین اداره مدارس دینی و نظارت بر مساجد کشور را نیز بر عهده دارد (۵۶). مرکز اصلی دارالفتوی در بیروت است اما یک مرکز دیگر نیز در منطقه شمال و طرابلس وجود دارد. نظارت دارالفتوی بر مساجد از طریق اداره عمومی اوقاف می‌باشد.



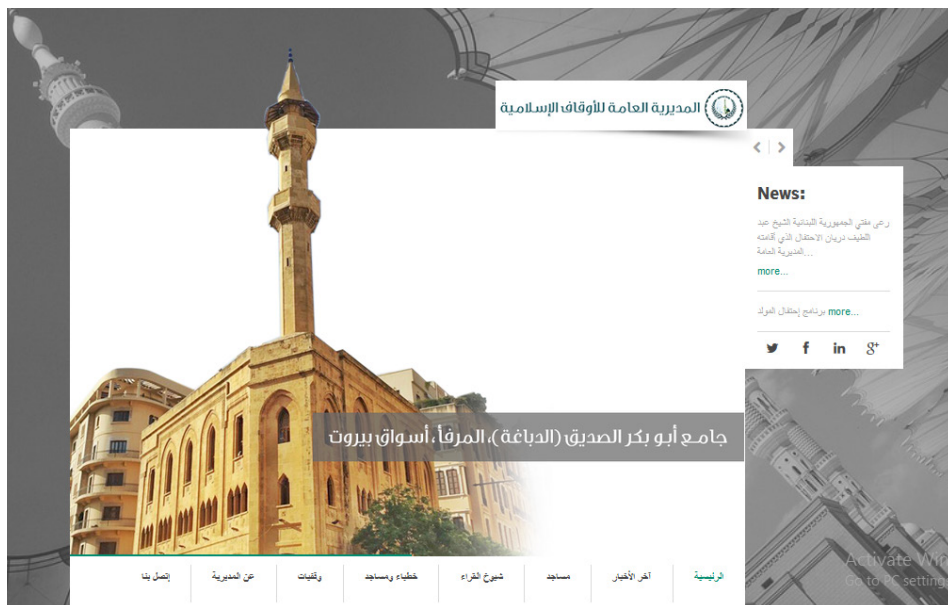
شکل ۴-۲: سایت دارالفتوای لبنان

۴-۱-۱-۳- دارالفتوای شمال و طرابلس

دارالفتوی، مرکزی دینی در منطقه شمال و طرابلس می‌باشد که به فعالیت‌های دینی در کشور لبنان و به خصوص در مناطق مربوط به خود می‌پردازد. مفتی اعظم طرابلس نیز رئیس دارالفتوی می‌باشد و بر اداره اوقاف طرابلس نظارت می‌کند (۵۳).

۴-۳-۲- اداره عمومی اوقاف اسلامی

بر اساس قانون شماره ۱۸ سال ۱۹۵۵ مسلمانان سنی توانستند در امور دینی و مسائل مربوط به اوقاف خیریه خود استقلال کامل را به دست آورند و مدیریت اوقاف را بر اساس قوانین و شریعت اسلامی خود انجام دهند (۲۴).



مفتی اعظم جمهوری لبنان، رهبر دینی مسلمانان لبنان است و نماینده مقامات دولتی در امور دینی نیز می باشد. ایشان همچنین مباشر و سرپرست تمامی علمای دینی مسلمانان و همچنین مرجعی عالی قدر در خصوص اوقاف اسلامی لبنان می باشند. ایشان تمامی احکام و قوانین مرتبط با اداره اوقاف را بررسی و صادر می نماید و همچنین به مفتی های محلی که در جای جای کشور و در مناطق مختلف لبنان فعالیت می کنند نظارت دارد و آنان به عنوان نماینده خود در مناطق مختلف برای رسیدگی به امور اوقاف مسلمانان قرار داده است.

مفتی اعظم همچنین امامان مساجد، واعظان، مدرسين قرآن و علوم دینی و مؤذنان را تعیین می کند و دستورات لازم را برای آموزش، ترفیع و حتی اخراج آن ها با توجه به

احکام شرع و قوانین موجود صادر می‌نماید.

مفتی اعظم با شوراهای منتخب و کارمندان متخصص همکاری می‌کند. از بین این افراد می‌توان به مدیرکل اوقاف اسلامی که متولی مدیریت اوقاف پایتخت و نظارت بر اداره اوقاف در استان‌ها می‌باشد اشاره کرد. مدیرکل اوقاف در خصوص وظایف خود مسئول می‌باشد و باید به مفتی اعظم در این خصوص پاسخگو باشد.

مدیرکل اوقاف اسلامی در اعمال خود باید مقید به قوانین و اصول تعریف شده باشد و بر بخش‌های مختلف اداره اوقاف نظارت داشته باشد.

مدیرکل اوقاف در پایتخت با رؤسای اوقاف دیگر استان‌ها در نشست‌های مختلف همکاری می‌نماید و در صورت لزوم کمیته‌هایی را برای رسیدگی به امور مختلف تشکیل می‌دهند.

اوقاف مناطق مختلف توسط روسای محلی که با پیشنهاد مفتی‌های محلی یا مدیرکل اوقاف معرفی می‌شوند و باید به تائید مفتی اعظم برسند، اداره می‌شوند (۲۴).

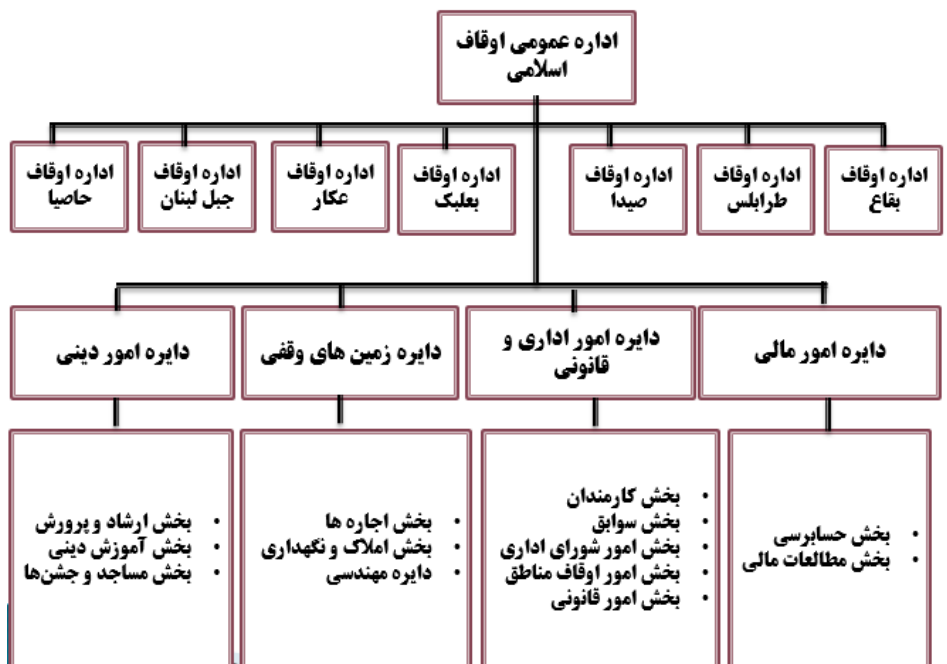


شکل ۴-۴: الشیخ عبد اللطیف دریان مفتی اعظم لبنان

الشیخ عبد اللطیف دریان مفتی اعظم لبنان در امور اسلامی مسلمین می‌باشد. به طور کلی اداره عمومی اوقاف لبنان در ۲ حوزه وقف و مساجد فعالیت می‌کند. در

حوزه وقف این اداره، وظیفه نظارت بر اوقاف، سرمایه‌گذاری اموال و نگهداری از موقوفات را برعهده دارد و در بخش مساجد نیز به نظارت و کنترل مساجد می‌پردازد. همچنین با توجه به تفاوت‌هایی که در استان‌های مختلف کشور لبنان وجود دارد و برای کنترل بهتر بر فعالیت‌های ذکر شده، در استان‌های مختلف لبنان اداراتی ایجاد گردیده است که هر یک از این ادارات در منطقه خود به مدیریت اوقاف و امور مرتبط با آن می‌پردازد. اداره‌های اوقاف لبنان شامل ۸ اداره می‌شوند. اداره عمومی اوقاف اسلامی که در بیروت قرار دارد و ۷ اداره اوقاف دیگر در شهرهای بقاع، صیدا، بعلبک، طرابلس، عکار، جبل لبنان و حاصیا هستند (۳۷).

۴-۳-۱- ساختار سازمانی اداره عمومی اوقاف



شکل ۴-۵: ساختار سازمانی اداره عمومی اوقاف

۴-۳-۲- دایره امور مساجد و جشن ها

مساجد در لبنان ۲ دسته اند. دسته اول زیر نظر اداره اوقاف هستند و اداره اوقاف بر آن‌ها نظارت و امور مربوط به آن‌ها را انجام می‌دهد. دسته دیگر مساجدی هستند که با هزینه‌های اشخاص اداره می‌شود و وقف آن‌ها است. در این خصوص پس از مرگ متولی یا ترک تولیت او یا موارد مشابه، اداره اوقاف این مساجد را تحت نظارت خود قرار می‌دهد (۳۶). آن بخش از مساجد که در زیر نظر اداره عمومی اوقاف هستند، توسط دایره مساجد این اداره نظارت و کنترل می‌شوند.

۴-۳-۳- اداره اوقاف اسلامی عکار

این اداره به انجام فعالیت‌های مربوط به وقف در منطقه عکار می‌پردازد. اداره اوقاف عکار علاوه بر فعالیت‌های وقفی، کنترل و نظارت مساجد و همچنین امور دینی و مذهبی در منطقه نیز را نیز انجام می‌دهد.

در دوران عثمانی عکار بخشی زیر نظر بخش طرابلس بود و اوقاف آن نیز زیر نظر آن بخش اداره می‌شد. تا اواخر دهه ۷۰ قرن ۱۹ میلادی اوقاف عکار تحت نظارت مفتیان فعال در آن شهر نظارت می‌شد. اولین مفتی عکار شیخ احمد بن محمد کیلانی بود و پس از او نیز افراد دیگری نیز این منصب را به دست آوردند که به ترتیب زیر هستند:

– احمد بن محمد کیلانی

– مصطفی حاج کیلانی

– محمد بن مصطفی حاج کیلانی

– عمر بن مصطفی کیلانی (۱۹۳۲ م)

– خالد بن عمر کیلانی (۱۹۵۷ م)

– بهاء الدین بن خالد کیلانی (۱۹۷۵ م)

شیخ بهاء الدین بن خالد کیلانی آخرین مفتی عکار بود و پس از آن، کمیته اوقاف عکار مسئول نظارت بر اوقاف شد. این کمیته زیر نظر شورای شرعی اسلامی اعلی فعالیت می‌نمود.

در سال ۱۹۹۰ دایره اوقاف اسلامی عکار ایجاد گردید و کمیته اوقاف عکار به عنوان

یکی از بخش‌های آن درآمد (۵۲).

۴-۳-۱- تجهیزات اوقاف عکار

اموال منقول: اداره اوقاف اسلامی عکار از نظر اموال منقول از فقیرترین اداره‌های لبنان می‌باشد.

اموال غیر منقول: اوقاف اسلامی عکار از نظر زمین‌های وقفی بسیار غنی است و این زمین‌ها در روستاها و شهرهای مختلفی پراکنده شده‌اند. با توجه به بررسی‌های انجام شده ۵۳٪ از مجموع کل زمین‌های وقفی لبنان، در استان شمال قرار دارد که از این مقدار نیمی برای منطقه عکار می‌باشد. در حقیقت ۲۶٪ از کل زمین‌های وقفی لبنان در عکار است.

در خصوص اوقاف عکار اطلاعات زیر موجود است:

۱. درآمد حاصل از روابط دنیای اسلام ۵۰ میلیون لیر لبنانی در سال
۲. اجاره زمین‌های وقفی ۶۰ میلیون لیر لبنانی در سال
۳. پشتیبانی اندک اداره از سوی دارالفتوای بیروت در صورت کسری بودجه
۴. هدایای ماه رمضان ۱۰ میلیون لیر لبنانی در سال
۵. هزینه‌ها و مخارج اداره از جمله امامان، واعظان، و دیگر فعالیت‌های دینی ۱۶۸,۷ میلیون لیره در سال است (۵۲).

۴-۳-۲- بخش‌های اداره اوقاف عکار

- بخش امور دینی
- بخش امور وقفی و زمین‌ها
- بخش صندوق زکات
- بخش ارتباطات عمومی و امور اجتماعی
- بخش امور مالی
- بخش اسناد (۵۲)

۴-۳-۳- بخش امور دینی

اداره اوقاف عکار دارای مرکزی برای توسعه امور دینی می باشد. این واحد فعالیت های زیر را در منطقه عکار انجام می دهد.

۱. برگزاری خطبه ها، سخنرانی ها و دیگر دوره ها در مساجد

در عکار بیش از ۱۳۶ مسجد وجود دارد که اداره اوقاف بر آن ها نظارت دارد. فعالیت های اداره شامل موارد زیر می شود:

- برگزاری دوره های آموزشی دینی و علمی برای واعظان و امامان
- تدریس علوم دینی در مساجد عکار

۲. دوره های تابستانی آموزش قرآن کریم و احکام

۳. تعلیم دروس دینی در مدارس

اداره اوقاف عکار به آموزش معلمان دینی و به کارگیری آن ها در مدارس می پردازد. در حال حاضر ۷۵ معلم در ۱۰۸ مدرسه در حال خدمت رسانی می باشند و اداره به دنبال افزایش این آمار و ارقام است.

۴. مراکز حفظ قرآن

۵. برگزاری جشن ها و مولودی ها در مناسبات دینی مختلف (۵۲)

وظایف این بخش عبارت اند از:

- برگزاری جلساتی با امامان و واعظان
- نظارت بر کمیته مساجد که به نگهداری و کنترل مساجد و امور مربوط به آن ها می پردازند.

- برگزاری دوره های آموزشی برای امامان و واعظان

- نظارت بر اجرای دوره ها و کلاس های آموزش و حفظ قرآن کریم

- نظارت بر جشن های دینی برگزار شده در منطقه

- تأمین معلمان دینی مدارس منطقه

- تأمین کتب دینی آموزشی برای مدارس رسمی منطقه
- تلاش برای ایجاد کمیته مساجد که در حال حاضر کمیته ثابت و فعالی برای آن وجود ندارد
- تهیه نشریات دوره‌ای در خصوص مسائل دینی و توزیع آن‌ها بین عموم در روستاها و مساجد

۴-۳-۳-۴- بخش امور وقفی و زمین‌ها

وظایف این بخش عبارت‌اند از:

۱. ثبت زمین‌های وقفی و مشخص‌سازی محدوده آن‌ها
۲. تهیه اسناد وقفی برای زمین‌ها
۳. جلوگیری از تعدی به زمین‌های وقفی
۴. تهیه گزارش‌های مالی برای زمین‌های وقفی
۵. اجاره دادن زمین‌های وقفی و تأمین درآمد از آن‌ها
۶. برنامه‌ریزی برای سرمایه‌گذاری زمین‌های وقفی (۵۲)

۴-۳-۳-۵- بخش صندوق زکات عکار

وظایف این بخش عبارت‌اند از:

۱. تشکیل کمیته تحقیق و بررسی برای تمییز افراد غنی از فقیر
۲. دریافت بودجه سالانه از صندوق زکات بیروت
۳. ایجاد ارتباط با مردم در سراسر جهان برای پرداخت زکات خود و به کفالت گرفتن ایتام
۴. برقراری ارتباط با مؤسسات و سازمان‌های داخل لبنان و کشورهای خارجی برای پشتیبانی از صندوق زکات (۵۲)

۴-۳-۴- شورای اعلی شیعی

شورای اعلی شیعی مرجعیت اصلی شیعیان لبنان در این کشور می‌باشد که زیر نظر نخست‌وزیری فعالیت می‌کند و توسط امام موسی صدر ایجاد شده است. این شورا در

سال ۱۹۶۷ ایجاد گردید و امام موسی صدر در سال ۱۹۶۹ به عنوان اولین رئیس این شورا انتخاب شد (۴۱).



شکل ۴-۶: سایت شورای امور اعلی شیعی

۴-۳-۱- وظایف شورای امور اعلی شیعی

وظیفه نظارت و رسیدگی به امور مربوط به اوقاف شیعیان لبنان برعهده شورای اعلی شیعی می باشد. براساس قانون شماره ۶۷/۷۹ مسئولیت رسیدگی به اوقاف شیعی، مدیریت، احیای موقوفات و نگهداری از آن ها برعهده این شورا می باشد. این شورا همچنین وظیفه اثبات صلاحیت موقوفات و رسیدگی به اختلافات به وجود آمده در خصوص موقوفات را نیز برعهده دارد. دبیرخانه عمومی اوقاف، این امور را براساس قانون مذهب جعفری انجام می دهد (۳۸).



شکل ۴-۷: برند شورای اعلی شیعی

شورای اعلی شیعی دارای بخش‌ها و دفاتر مختلفی می‌باشد. یکی از این بخش‌ها دبیرخانه عمومی اوقاف است. دبیرخانه عمومی اوقاف در شورای اعلی شیعی مسئول رسیدگی به امور موقوفات شیعیان می‌باشد (۴۰).

۴-۳-۵- وزارت امور اجتماعی

وزارت امور اجتماعی در جهت توسعه انسانی جامعه لبنان و ارائه خدمات اجتماعی به مردم ایجاد گردید و از زمان تأسیس در همین مسیر گام نهاده است. با توجه بدین منظر، وزارت امور اجتماعی تمام تلاش خود را برای تکامل جامعه و ارائه کمک به نیازمندان جامعه اختصاص داده است (۳۱).



وزارة الشؤون الإجتماعية

سنة الوزارة المراكز الخدمات المشاريع المبنية عن الوزارة المشاريع مع المنظمات الدولية الشراكة مع القطاع الأهلي المعاملات

خرائط المخاطر والموارد
مشروع دعم المجتمعات اللبنانية المضطربة

خرائط المخاطر، مشروع دعم المجتمع اللبناني المضطرب



Empowered lives. Resilient nations. Ministry of Social Affairs

الخدمات

التطوع

"أبو العبد" حلم... وربما فرنجية حققت!

نيكول طعمه- النهار ما ان نشرت "النهار" في 4 آب الفائت، موضوعاً بعنوان: "هل تحقق ربما فرنجية حلم "أبو العبد"؟ الذي ناشدها آنذاك مساعدة نجله محمد، حتى سارعت ولّبت النداء... قصة "أبو العبد" تشبه قصصاً كثيرة لأناس يعانون الفقر والحرمان... ماذا طلب قبل 3 أشهر وتحقق اليوم؟ إنه عبد الفلاح حمامي، الرجل الخمسيني، الملقّب بـ"أبو العبد"، المشهور بأطيب كعكة طرابلسية في مدينته، يعمل منذ أكثر من 25 سنة أمام عربته بشغف،



شكل ۴-۸: سایت وزارت امور اجتماعی

استراتژی وزارت امور اجتماعی در فعالیت‌های اجتماعی مبتنی بر توسعه انسانی پایدار و براساس اصول زیر است:

۱. برطرف کردن نیازهای اساسی متداول قشرهای مختلف در جامعه
۲. متمرکز نبودن فعالیت‌ها در یک منطقه و گسترانیدن خدمات به صورت متوازن در تمام مناطق کشور
۳. مشارکت و همکاری با بخش‌های مختلف دولتی و اجتماعی و مردم برای ارائه خدمات (۳۱)

تمامی مؤسسات حرفه‌ای، انجمن‌ها، جمعیت‌ها و مؤسسات مجوز فعالیت خود را می‌بایست از وزارت امور اجتماعی لبنان دریافت نمایند. جمعیت‌ها و مؤسسات خیریه نیز برای شروع فعالیت خود باید مجوز خود را از اداره جمعیت‌ها و مؤسسات خاص در این وزارت دریافت نمایند و به تأیید آن برسند. اداره جمعیت‌ها و مؤسسات خاص وزارت امور اجتماعی وظیفه نظارت بر جمعیت‌ها و مؤسسات خیریه‌ای را نیز در لبنان برعهده دارد.

۴-۳-۱- وظایف وزارت امور اجتماعی

۱. برنامه ریزی طرح توسعه اجتماعی کشور و نظارت بر اجرای آن است.
۲. اجرای پروژه‌های اجتماعی که دولت متولی آن است.
۳. ارائه کمک و مساعده برای انجام پروژه‌های اجتماعی در جریان در کشور
۴. توجه به امور معلولین و از کار افتادگان کشور و نظارت بر نهادهای مرتبط با آن
۵. رسیدگی به امور مرتبط با حوادث جنگی از جمله مراقبت از مجروحان و معلولان جنگی

۶. رسیدگی به امور ایتام

۷. رسیدگی به امور خانواده

۸. رسیدگی به امور افراد مجرم و خلاف‌کار و زندانیان و استفاده از آن‌ها در جهت

پیشرفت کشور

۹. بررسی حرکت جمعیت‌های فعال در کشور و جهت‌دهی به آن‌ها با هماهنگی

بخش‌های مرتبط

۱۰. رسیدگی به حوادث ناگهانی که نیازمند رسیدگی هستند

۱۱. اجرای برنامه‌های آموزشی و توان‌بخشی اجتماعی و نظارت بر اجرای صحیح

آن‌ها

۱۲. پیشنهاد ایجاد مؤسسات اجتماعی و جمعیت‌های خیریه‌ای با توجه به نیازهای

جامعه

۱۳. مشارکت با نهادهای فعال ضد اعتیاد برای رسیدگی به امور مربوطه

۱۴. رسیدگی به وضعیت خانواده‌های شهیدان جنگی در جنگ با اسرائیل و

خانواده‌های اسرای جنگی (۲۹)

۴-۳-۶- صندوق زکات

صندوق زکات یکی از مراکز خیریه‌ای لبنان است که از سال ۱۹۸۴ شروع به فعالیت نموده است و در زمینه‌های خیریه‌ای، اجتماعی، فرهنگی و توسعه‌ای فعالیت می‌نماید. هدف اصلی این مرکز دریافت زکات از مسلمانان و استفاده از آن در محل‌های لازم و

برای مستحقین این کمک‌ها می‌باشد (۴۲).



شکل ۴-۹: سایت صندوق زکات

در این راه صندوق زکات به دنبال استفاده از این کمک‌های جمع‌آوری شده در بین فقرا و نیازمندان است و به خصوص کمک‌های خود را در راستای ایتمام متمرکز کرده است.

از میان فعالیت‌های صندوق زکات می‌توان به کمک‌های مالی به سالمندان، زنان بیوه، بیماران و دیگر نیازمندان اشاره کرد. کمک‌های دارویی، کمک‌هزینه‌های درمانی، افطار روزه‌داران، توزیع گوشت قربانی، لباس و پوشاک نودر اعیاد، کمک‌هزینه‌های تحصیلی، کمک‌های فصلی و سرپرستی ایتم از نمونه پروژه‌هایی است که صندوق در آن‌ها فعالیت نموده است. صندوق همچنین کمک‌هایی را برای مردم فلسطین در نظر گرفته است (۴۲).

۴-۳-۱- اهداف صندوق زکات

اهداف صندوق زکات به قرار زیر است:

۱. دعوت افراد به فریضه زکات که یکی از اصول پنج‌گانه دین اسلام است.
۲. جمع‌آوری کمک‌ها، هدایا، صدقات از مردم لبنان و خارج کشور
۳. انجام فعالیت‌های بشردوستانه و خیرخواهانه
۴. توزیع اموال زکات بین مستحقین
۵. توزیع صدقات و کمک‌های مالی بین نیازمندان
۶. ایجاد آگاهی بین مسلمانان در خصوص دین اسلام و تمسک به آن (۴۳)

۴-۳-۷- جمعیت خیریه حمایت از کودکان

این جمعیت یک موسسه خیریه‌ای و بشردوستانه است که به حمایت و نگهداری از کودکان در حوزه‌های مختلف می‌پردازد. این موسسه در ۱۹۴۹ ایجاد گردید و فعالیت خود را با مراقبت و نگهداری از کودکان شروع کرد. این جمعیت با همکاری ۴۸ جمعیت و مؤسسه دیگر فعالیت می‌نماید (۴۵).

The Lebanese Union for Child Welfare

مبادئ وأهداف الاتحاد اللبناني لرعاية الطفل

You are here: [Home](#)

مبادئ وأهداف الاتحاد اللبناني لرعاية الطفل

كما وردت في النظام الأساسي

شکل ۴-۱۰: سایت جمعیت خیریه حمایت از کودکان

۴-۳-۷-۱- اهداف اصلی جمعیت

اهداف اصلی جمعیت خیریه حمایت از کودکان به صورت زیر است:

۱. سازگار نمودن حقوق کودکان لبنانی بر اساس حقوق بین‌المللی
۲. اطمینان از اجرای قوانین کشوری در خصوص کودکان در لبنان
۳. اجرای منشور حقوق کودکان عربی
۴. اجرای قوانین بین‌المللی و مقررات تأیید شده توسط دولت لبنان
۵. انجام مطالعات و تحقیقات در خصوص وضعیت موجود کودکان لبنانی
۶. انتشار قوانین و مقررات صادر شده توسط سازمان‌های دولتی و عربی در خصوص کودکان

۷. کمک به جمعیت‌ها و مؤسسات خیریه در جهت نیل به اهداف
 ۸. فعالیت در جهت انجام پروژه‌های توسعه‌ای کشوری مربوط به کودکان
- فعالیت‌های مهم سازمان در سال‌های اخیر به صورت زیر بوده است: برگزاری دوره‌های آموزشی ویژه، کارگاه‌های آموزشی، سمینارها، سخنرانی‌ها، کنفرانس‌ها و انتشار نشریات به منظور اجرای کنوانسیون حقوق کودک (۴۶)

۴-۳-۸- مؤسسه خیریه مقاصد اسلامی

مؤسسه مقاصد اسلامی در سال ۱۸۷۸ در لبنان ایجاد گردید و در حدود ۱,۵ قرن است که در این کشور فعالیت می‌نماید. این مؤسسه در زمینه‌های مختلف از جمله ارائه خدمات بهداشتی و درمانی، خدمات آموزشی و فرهنگی فعالیت می‌نماید (۴۷).



شکل ۴-۱۱: سایت مؤسسه خیریه مقاصد اسلامی

۴-۳-۸-۱- خدمات مؤسسه

خدمات مؤسسه شامل ۳ دسته آموزشی، بهداشتی و اجتماعی می شوند.

• خدمات آموزشی

در این نوع خدمات، مؤسسه به دنبال تأمین نیازهای اساسی آموزش و پرورش کودکان و نوجوانان می باشد تا بدین ترتیب فرصت آموزش و تعلیم نسل های آینده کشور فراهم آید و تمامی افراد جامعه بتوانند از فرصت یکسان برای تحصیل استفاده نمایند. این خدمت به این صورت است که فرصت تعلیم رایگان در مدارس بزرگ کشور در مقطع ابتدایی برای افراد ایجاد می شود. همچنین برای مقاطع متوسطه و تحصیلات دانشگاهی فرصت استفاده از وام های قسطی فراهم می شود (۴۸).

• خدمات درمانی

مؤسسه دارای یک بیمارستان مجهز و بزرگ است که از سال ۱۹۳۰ تأسیس شده و در آن در حال حاضر ۲۵ تخت، ۱۲۵ دکتر، ۳۲۲ پرستار و ۳۵۳ کارمند اداری فعالیت می کنند.

این بیمارستان دارای بخش های مختلف از جمله بخش داخلی، کودکان، جراحی و دیگر بخش ها می باشد و به افراد مختلف خدمت رسانی انجام می دهد.

• خدمات اجتماعی

این بخش از خدمات شامل ۵ دسته از فعالیت‌ها می‌شود:

۱. بخش مشاوره‌های اجتماعی

۲. بخش توسعه محیط زیست

۳. بخش امور مذهبی

۴. بخش فعالیت‌های داوطلبانه

۵. بخش دوستی جامعه

در هر یک از این بخش‌ها خدماتی مرتبط با امور مربوط به نام فعالیت به جامعه لبنان ارائه می‌شود (۴۸).

۴-۳-۹- جمعیت خیریه مبرات

این جمعیت خیریه در ۱۹۷۸ میلادی در لبنان تأسیس شد. در ابتدا هدف از ایجاد این موسسه حفاظت از ایتام و کودکان خیابانی بود. اما پس از گذشت چندین سال حوزه فعالیت‌های این مرکز گسترش یافت و به دیگر امور بشردوستانه از جمله فعالیت‌های آموزشی، فرهنگی و سلامت نیز پرداخت.

این موسسه برای کودکان یتیمی که دچار اختلالات و بیماری‌های خاص نیز هستند مراکز خاص ایجاد کرده است. این مؤسسه در حال حاضر شامل ۳ مرکز برای نگهداری از ایتام خاص است. یکی برای ایتامی که دچار اختلالات بینایی یا نابینا هستند، یکی برای ناشنوایان و دیگری برای ایتام دچار اختلالات زبان (۵۰).



شکل ۴-۱۲: سایت جمعیت خیریه مبرات

۴-۳-۹-۱- زمینه‌های فعالیت مؤسسه

۱. مراقبت از ایتم
 ۲. آموزش و تحصیل
 ۳. آموزش حرفه‌ای
 ۴. پشتیبانی علمی و تخصصی
 ۵. فعالیت‌های فرهنگی و تبلیغی
 ۶. بهداشت و درمان (۵۱)
- همچنین این مؤسسه دارای مراکز مختلفی در بخش‌های مختلف کشور می‌باشد. برای مثال مرکز نگهداری از معلولان در بیروت، یتیم‌خانه ابراهیم (ع) در استان جنوب و یتیم‌خانه یوسف نبی (ع) در بیروت، یتیم‌خانه امام علی (ع) در جنوب، یتیم‌خانه زین‌العابدین (ع) در بقیع، مدرسه امام حسین (ع) در بیروت و بسیاری مراکز دیگر (۵۱).



شکل ۴-۱۳: بیتیم خانه امام علی (ع) در جنوب



شکل ۴-۱۴: بیتیم خانه یوسف نبی (ع) در بیروت



شکل ۴-۱۵: بیتیم خانه ابراهیم نبی (ع) در جنوب



شکل ۴-۱۶: مرکز نگهداری معلولان در بیروت



شکل ۴-۱۷: مدرسه امام حسین (ع) در بیروت



فصل پنجم |

جمع بندی



۵- جمع‌بندی

گزارش حاضر با عنوان «بررسی وضعیت وقف و امور خیریه کشور لبنان» با هدف بررسی ساختار وضعیت وقف و امور خیریه، مساجد و اماکن متبرکه، و قرآن و فعالیت‌های مذهبی در کشور لبنان انجام شده است.

لبنان با نام رسمی جمهوری لبنان کشوری در غرب آسیاست. لبنان در شمال با سوریه و در جنوب با اسرائیل مرز مشترک دارد. موقعیت جغرافیایی لبنان در نقطه تلاقی مدیترانه و جهان عرب منجر به شکل‌گیری تاریخی غنی و تنوع دینی، نژادی و فرهنگی شده است.

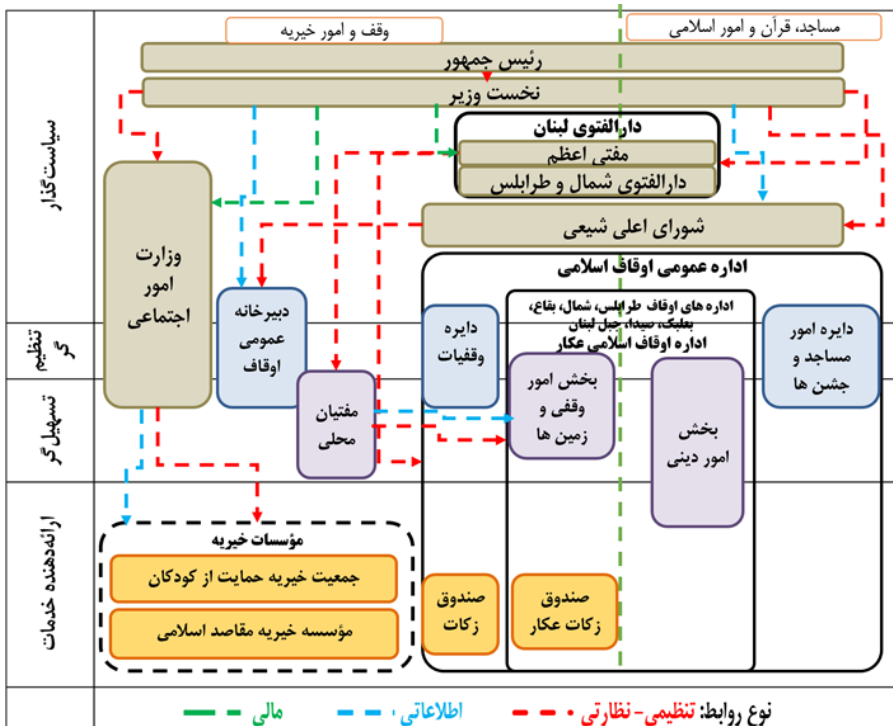
لبنان سرزمینی بلند و کوهستانی است که در کرانه شرقی دریای مدیترانه قرار دارد. کرانه‌های لبنان ۲۵۵ کیلومتر درازا دارد. رودخانه‌های مهم لبنان عبارت‌اند از: عاصی و لیطانی در دره سهل البقاع، و کلب. رشته‌کوه‌های لبنان عبارت‌اند از: رشته‌کوه‌های لبنان شرقی و رشته‌کوه‌های لبنان غربی که میان این دو رشته‌کوه، دره سهل البقاع قرار گرفته است.

جمعیت کشور لبنان براساس آماربانک جهانی به صورت نمودار زیر می‌باشد. همان‌طور که مشخص است روند جمعیتی کشور لبنان با رشد همراه بوده و از ۳٫۱ میلیون نفر در سال ۲۰۰۰ به ۵٫۸ میلیون نفر در سال ۲۰۱۵ رسیده است.

۶۰ درصد از جمعیت لبنان مسلمان (سنی، شیعه، دروزی و علوی) و ۴۰ درصد مسیحی هستند (غالباً مارونی، ارتدوکس یونانی، کاتولیک یونانی، کلیسای آشوری و

ارضی) می‌باشند. لبنان دارای جمعیت کوچکی از کردها نیز می‌باشد که از مناطق شمالی لبنان و جنوب شرق ترکیه مهاجرت نموده‌اند و بین ۷۵ تا ۱۰۰ هزار نفر تخمین زده می‌شوند که در مناطق سنی نشین زندگی می‌کنند. کردها طی سال‌های اخیر توانسته‌اند شهروندی دولت لبنان را کسب نمایند. شیعیان (به تنهایی) بزرگ‌ترین فرقه در لبنان می‌باشند. حدود ۱۶ میلیون نفر با نسب و اصالت لبنانی در سراسر دنیا زندگی می‌کنند. برزیل دارای بزرگ‌ترین جوامع لبنانی است. آرژانتین، استرالیا، کانادا، کلمبیا، فرانسه، انگلیس، مکزیک، ونزوئلا و آمریکا دارای جوامع لبنانی بزرگی هستند. حدود ۴۰۰ هزار نفر آواره فلسطینی نیز از سال ۱۹۴۸ در لبنان زندگی می‌کنند (۱).

سیستم سیاسی در لبنان پارلمانی است. نظام پارلمانی در لبنان متأثر از وضعیت فرقه‌ای، اجتماعی و مذهبی خاص این کشور می‌باشد. این سیستم به گونه‌ای طراحی شده است که تمامی اقوام و مذاهب در آن سهمی از قدرت سیاسی داشته باشند. برطبق این توافق، رئیس جمهور از میان مسیحیان مارونی، نخست‌وزیر از میان مسلمانان سنی مذهب، رئیس پارلمان از بین شیعیان و معاون نخست‌وزیر از بین مسیحیان ارتدوکس انتخاب می‌شود. پارلمان لبنان دارای ۱۲۸ کرسی است که به طور مساوی بین مسیحیان و مسلمانان تقسیم شده است. این توافق حاصل قرارداد طائف (۱۹۹۰) می‌باشد که به جنگ‌های داخلی در لبنان پایان داد. تا قبل از این توافق سهم مسیحیان در قدرت سیاسی بیشتر از مسلمانان بود.



دارالفتوای لبنان که اصلی‌ترین ارگان مذهبی اهل سنت لبنان به شمار می‌رود. دارالفتویٰ مرجعیت اصلی سنی در لبنان است و رییس این دیوان الشیخ عبد اللطیف دریان است که منصب مفتی اعظم جمهوری لبنان را برعهده دارد. این نهاد همچنین اداره مدارس دینی و نظارت بر مساجد کشور را نیز برعهده دارد. مرکز اصلی دارالفتویٰ در بیروت است اما یک مرکز دیگر نیز در منطقه شمال و طرابلس وجود دارد.

دارالفتویٰ شمال و طرابلس، مرکزی دینی در منطقه شمال و طرابلس می‌باشد که به فعالیت‌های دینی در کشور لبنان و به خصوص در مناطق مربوط به خود می‌پردازد. مفتی اعظم طرابلس نیز رییس دارالفتویٰ می‌باشد و بر اداره اوقاف طرابلس نظارت می‌کند.

به طور کلی اداره عمومی اوقاف لبنان در ۲ حوزه وقف و مساجد فعالیت می‌کند. در حوزه وقف این

اداره، وظیفه نظارت بر اوقاف، سرمایه‌گذاری اموال و نگهداری از موقوفات را برعهده

دارد و در بخش مساجد نیز به نظارت و کنترل مساجد می پردازد.

این اداره به انجام فعالیت های مربوط به وقف در منطقه عکار می پردازد. اداره اوقاف عکار علاوه بر فعالیت های وقفی به کنترل و نظارت مساجد و همچنین امور دینی و مذهبی در منطقه نیز می پردازد.

شورای اعلی شیعی مرجعیت اصلی شیعیان لبنان در این کشور می باشد که زیر نظر نخست وزیر فعالیت می کند و توسط امام موسی صدر ایجاد شده است. این شورا در سال ۱۹۶۷ ایجاد گردید و امام موسی صدر در سال ۱۹۶۹ به عنوان اولین رئیس این شورا انتخاب شد.

وزارت امور اجتماعی در جهت توسعه انسانی جامعه لبنان و ارائه خدمات اجتماعی به مردم ایجاد گردید و از زمان تأسیس در همین مسیر گام نهاده است. با توجه بدین منظر، وزارت امور اجتماعی تمام تلاش خود را برای تکامل جامعه و ارائه کمک به نیازمندان جامعه اختصاص داده است.

آن بخش از مساجد که در زیر نظر اداره عمومی اوقاف هستند، توسط دایره مساجد این اداره نظارت و کنترل می شوند.

بخش امور دینی اداره اوقاف عکار زیر نظر اداره اوقاف عکار فعالیت می نماید و امور دینی منطقه از جمله برگزاری جلساتی با امامان و واعظان، نظارت بر جشن های دینی، تأمین معلمین دینی مدارس، تأمین کتب دینی آموزشی برای مدارس، تهیه نشریات دوره ای در خصوص مسائل دینی و فعالیت هایی از این قبیل را انجام می دهد.

صندوق زکات یکی از مراکز خیریه ای لبنان است که از سال ۱۹۸۴ شروع به فعالیت نموده است و در زمینه های خیریه ای، اجتماعی، فرهنگی و توسعه ای فعالیت می نماید. هدف اصلی این مرکز دریافت زکات از مسلمانان و استفاده از آن در محل های لازم و برای مستحقین این کمک ها می باشد.

جمعیت خیریه حمایت از کودکان یک موسسه خیریه ای و بشردوستانه است که به حمایت و نگهداری از کودکان در حوزه های مختلف می پردازد. این موسسه در ۱۹۴۹ ایجاد گردید و فعالیت خود را با مراقبت و نگهداری از کودکان شروع کرد. این جمعیت

با همکاری ۴۸ جمعیت و مؤسسه دیگر فعالیت می‌نماید. مؤسسه مقاصد اسلامی در سال ۱۸۷۸ در لبنان ایجاد گردید و در حدود ۱٫۵ قرن است که در این کشور فعالیت می‌نماید. این مؤسسه در زمینه‌های مختلف از جمله ارائه خدمات بهداشتی و درمانی، خدمات آموزشی و فرهنگی فعالیت می‌نماید. جمعیت خیریه مبرات در ۱۹۷۸ میلادی در لبنان تأسیس شد. در ابتدا هدف از ایجاد این مؤسسه حفاظت از ایتام و کودکان خیابانی بود. اما پس از گذشت چندین سال حوزه‌ی فعالیت‌های این مرکز گسترش یافت و به دیگر امور بشردوستانه از جمله فعالیت‌های آموزشی، فرهنگی و سلامت نیز پرداخت.

- [1] <https://fa.wikipedia.org/wiki/لبنان>
- [2] <http://politicborders.blogfa.com/post-203.aspx>
- [3] <http://www.hajj.com/fa/islamic-countries-and-sects/islamic-countries/item/23-17-1786-1393-02-13-10>
- [4] https://fa.wikipedia.org/wiki/اقتصاد_لبنان
- [5] <http://data.worldbank.org/indicator/NY.GDP.MKTP.CD?locations=LB&view=chart>
- [6] <http://data.worldbank.org/indicator/NY.GDP.MKTP.CD?locations=LB-IR&view=chart>
- [7] <http://data.worldbank.org/indicator/NY.GNP.MKTP.PP.CD?locations=LB&view=chart>
- [8] <http://data.worldbank.org/indicator/NY.GNP.PCAP.PP.CD?locations=LB&view=chart>
- [9] <http://data.worldbank.org/indicator/NY.GNP.PCAP.PP.CD?locations=LB-IR&view=chart>
- [10] <http://data.worldbank.org/indicator/NY.GNP.MKTP.PP.CD?locations=LB-IR&view=chart>
- [11] <http://data.worldbank.org/indicator/SP.POP.TOTL?locations=LB&view=chart>
- [12] <http://data.worldbank.org/indicator/SP.DYN.LE00.IN?locations=LB&view=chart>
- [13] <http://data.worldbank.org/indicator/NY.GDP.PCAP.KD.ZG?locations=LB&view=chart>
- [14] <http://data.worldbank.org/indicator/NY.GDP.MKTP.KD.ZG?locations=LB&view=chart>
- [15] <http://data.worldbank.org/indicator/NY.GDP.MKTP.KD.ZG?end=2015&locations=LB-IR&start=2000&view=chart>
- [16] <http://data.worldbank.org/indicator/NY.GDP.PCAP.KD.ZG?end=2015&locations=LB-IR&start=2000&view=chart>
- [17] http://rasekhoon.net/article/show/131318/احكام_و_قوانين_وقف_در_کشورهاي_مصر،_لبنان_و_کویت
- [18] <https://www.google.com/imgres?imgurl=http://dl.nasimonline.ir/FileRepository/139317/07//IMG09281609....>

- [19] <https://www.google.com/imgres?imgurl=https://upload.wikimedia.org/wikipedia/commons/thumb/88/a/Leban...>
- [20] <http://www.tebyan.net/newindex.aspx?pid=245779&imageID=16714&catID=50821>
- [21] <http://www.beytoote.com/iran/pastime/lebanon2.html>
- [22] <http://converter-fa.kingconv.com/currency/LBP>
- [23] <http://www.lebanonvoyager.com/ministries.htm>
- [24] http://awqaf.org.lb/?page_id=93
- [25] <http://www.socialaffairs.gov.lb/MSASubPage.aspx?parm=&112parentID=102>
- [26] www.socialaffairs.gov.lb/admin/Uploads/112_0.pdf
- [27] <http://www.socialaffairs.gov.lb/MSASubPage.aspx?parm=149&parentID=102>
- [28] <http://www.socialaffairs.gov.lb/MSASubPage.aspx?parm=148&parentID=102>
- [29] <http://www.socialaffairs.gov.lb/MSASubPage.aspx?parm=173&parentID=102>
- [30] <http://www.socialaffairs.gov.lb/docs/centers/all.doc>
- [31] www.socialaffairs.gov.lb/admin/Uploads/173_0.pdf
- [32] <http://www.socialaffairs.gov.lb/MSASubPage.aspx?parm=106>
- [33] <http://www.icro.ir/index.aspx?fkeyid&=siteid=261&pageid=&32738p=&101showitem=8458>
- [34] <http://hamgardi.com/place/35388>
- [35] <https://www.google.com/search?q=مسجد+محمد+الأمين+بيروت&client=firefox-b&biw=1252&bih=602&source=lnms...>
- [36] <http://www.daralfatwa.org/?q=node/171>
- [37] <http://www.aliwaa.com.lb/Article.aspx?ArticleId=248881>
- [38] <http://www.aliwaa.com/Article.aspx?ArticleId=245356>
- [39] <http://zibara-law.com/أوقاف-الطائفة-الاسلامية-الشيعية-في-لبنان/>
- [40] <http://www.shiitecouncil.gov.lb/>
- [41] <http://ar.shafaqna.com/AR/0452376>
- [42] https://ar.wikipedia.org/wiki/المجلس_الإسلامي_الشيعي_الأعلى
- [43] <https://www.zakat.org.lb/pages/ar/about-us>
- [44] <https://www.zakat.org.lb/pages/ar/about-us#tab-Objectives-2>
- [45] <http://www.lebanonembassyus.org/lebanese-government.html>
- [46] <http://lucw.org/342013-12-03-21-59->

- [47] <http://www.lnf.org.lb/child/arabic/file11.html#a4>
- [48] <http://www.makassed.org.lb/aboutus.aspx>
- [49] <http://www.makassed.org.lb/services.aspx?id=702>
- [50] <http://www.mabarrat.org.lb/>
- [51] <http://www.mabarrat.org.lb/profile>
- [52] <http://www.mabarrat.org.lb/profile/53/> الإنطلاقة والتأسيس
- [53] <http://www.ut.edu.lb/index.php?r=Article/pages&view=المؤتمرات&pageId=61>
- [54] <http://www.daralfatwa.org/?q=node/4>
- [55] <http://darelfatwa.gov.lb/>
- [56] <http://darelfatwa.gov.lb/>
- [57] <http://carnegie-mec.org/052015/01//ar-pub-57635>
- [58] <http://iefpedia.com/arab/wp-content/uploads/2013-الوقف-فى-التطبيق-2013-02/147-نظام-الوقف-فى-التطبيق-2013-02/المعاصر.pdf>
- [59] <http://www.daralfatwa.org/?q=node/217>



پیوست



نظام اوقاف لبنان

بسم الله الرحمن الرحيم

والصلاة والسلام على سيدنا محمد خير الأنبياء والمرسلين أما بعد:
يتوه الباحث في السؤال عن الأنظمة الوقفية ومواضيعها فلا يجد مرجعاً موحداً يعتد به أو يعتمد عليه مما يشكل صعوبة على الباحث والموظف والمدقق والمراجع، وإذا وجد نظاماً وقفياً مطبوعاً افتقد تعديلاته الطارئة عليه، الأمر الذي يربك العمل الإداري السليم.

وإن المجلس الشرعي الإسلامي الأعلى صيانة منه للأنظمة وحرصاً على المصلحة الوقفية سبق أن اتخذ قراراً مؤرخاً في ٢٣/١١/١٩٧٨ تحت رقم ٢٧/ يطلب فيه من اللجنة التشريعية للمجلس الشرعي الإسلامي الأعلى جمع القوانين والأنظمة الوقفية وتبويبها وفقاً لمواضيعها وتسلسلها التاريخي بغية طبعها في مجموعة واحدة، ولكن هذا الأمر لم يتم، حتى خطرت لنا هذه الفكرة عفواً فقمتم بالمهمة وحدي ولاأبغي من وراء ذلك إلا الخير وترك الأثر الطيب في نفوس المراجعين والمهتمين والمسؤولين.

إننا على يقين بأن هذا الجهد يترك ركيذة إدارية يستند عليها كل مسؤول وكل إداري سواءً أكان مديراً عاماً أو مفتشاً عاماً أو رئيس مصلحة أو رئيس دائرة وقفية فلا يتحمل مغبة البحث والتقصي والتدقيق بل يجد ضالته المنشودة فيما حصرنا ونسقنا وبالتالي فإن هذه المجموعة من الأنظمة والقوانين ستجد حيزاً لها ومكاناً على مكتب كل موظف مسؤول بإذن الله.

والحمد لله رب العالمين

بيروت في ١/١/٢٠٠١

رئيس المصلحة العقارية - نزار سكر

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين والصلاة والسلام على سيدنا محمد خير الأنبياء والمرسلين.
أما بعد:

فقد كان على اللجنة الإدارية والمالية في المجلس الشرعي الإسلامي الأعلى، كلما طلب منها البت وإبداء الرأي بقضية إدارية أو مالية، إما أن يبحث أعضاؤها عن الأنظمة الوقفية والقرارات أو التعاميم والمذكرات الصادرة وإما عن القضايا المماثلة التي سبق وبت بها مرجع من المراجع المختصة، وكانت اللجنة حذرة بعد اتخاذ أي قرار من وجود نظام أو نص لم تطلع عليه أو أن تجد مستنداً يناقض أو يعدّل القرار أو النظام أو المستند الذي اعتمده اللجنة. وسبق للمجلس الشرعي الإسلامي الأعلى بقراره رقم ٢٧/ تاريخ ٢٣/١١/١٩٧٨ أن طلب من اللجنة التشريعية للمجلس الشرعي جمع القوانين والأنظمة الوقفية وتبويبها وفقاً لمواضيعها وتسلسلها التاريخي بغية طبعها في مجلد واحد، إلا أن هذا العمل لم يتم ولم يتحقق، وكنا نعتقد أن مثل هذا العمل الضخم والمتشعب لا يمكن أن يقوم به سوى مجموعة متكاملة من العاملين القانونيين والاختصاصيين في جمع المعلومات لتبويبها، إلى أن قبض الله لنا من قام بهذه المهمة لوحده وعلى نفقته ومسؤوليته جزاه الله خيراً. والحاج نزار سكره هو من بين كبار موظفي الدوائر الوقفية الذي له القدرات والإلمام والمعرفة الكاملة بالنصوص الصادرة، كما له القدرة والصبر على تحمل مشاق مثل هذا العمل المهم والشاق. وقد خطرت هذه الفكرة المنيرة لرئيس المصلحة العقارية، الحاج نزار سكر بعد أن عانى وعانين من يعاني من هذا النقص الفادح في المكتبة الوقفية، لا يرجو كما يقول من وراء هذا العمل سوى عمل الخير وترك الأثر الطيب في نفوس المراجعين والمسؤولين والمهتمين.

يحيوي هذا الكتاب ستة عشر باباً أو نظاماً تمثل جميع الأنظمة الصادرة عن المراجع المعنية وأولها نظام الإفتاء وأوقاف المسلمين المعروف بالمرسوم الاشتراعي رقم ١٨/١٩٥٥ وآخرها نظام مؤسسات الدكتور محمد خالد الاجتماعية الصادر عن المجلس الشرعي الإسلامي الأعلى تحت الرقم ١٣/١٩٨٥، أما بقية الأنظمة الصادرة والمحصورة بين هذين التاريخين فإنها تتعلق بأنظمة الموظفين الإداريين والجهاز الديني والأنظمة

المالية للدوائر الوقفية والمؤسسات التابعة لها بالإضافة إلى عدة أنظمة تتعلق بالمساجد واللجان القائمة عليها والتفتيش والمباراة وأصول التبليغ والصناديق المستقلة وسواها من الأنظمة.

إنني من الذين يقدرّون الجهد المضني الذي تحمّله الباحث لتجميع الملاحق والتعديلات الصادرة عن مختلف المراجع المعنية لجمع الأنظمة المذكورة والصادرة خلال ثلاثين عاماً أنقضت.

لذلك لا يسعني سوى التنويه بهذا العمل الخير وبمن قام به متمنياً على المسؤولين اعتماد هذا الكتاب وتوزيعه على جميع رؤساء الدوائر الوقفية وعلى كل مدقق أو مسؤول يتعاطى الشأن الوقفي.

وآمل أخيراً أن يعم الخير إن شاء الله تعالى وتفوح رائحة هذا الأثر الطيب في نفوس المهتمين والمسؤولين.

عضو المجلس الشرعي الإسلامي الأعلى

رئيس اللجنة المالية والإدارية

حسان فاخوري

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله الذي بنعمته تتم الصالحات، والصلوات الزاكيات على سيدنا محمد خاتم الأنبياء والرسالات، وعلى آله وأصحابه الذين حازوا الخيرات والبركات.

أما بعد: فقد وصلني إهداء الأخ المحب السيد نزار سكر حفظه الله (الوقف الإسلامي) فاطلعت عليه وقرأته قراءة هادئة مطمئنة، فرأيتُه خصباً في مادته وموضوعه، حيث كشف اللثام عن ثغرات القرارات والمقررات الإدارية التاريخية المنوطة بها وبأشخاصها حتى بت لوامعها الوقفية ومتعلقاتها التي غدت واضحة المعاني جلية المباني.

وإيماناً منا بأن الدراسة في أنماطها وسلوكها تستلزم المعرفة التاريخية لأهل الوقف والمتخصصين الإداريين في هذا المجال فقد عمقت النظر في الواجبات المطلوبة

داخل الجسم الوقفي حالاً ومالاً. وقدمت دراسة ثرة، وثقت التاريخ وجمعت الشتات ووضعت بين يدي أولي الاهتمام صورة واضحة لا لبس فيها، ودلت على خبرة المؤلف عياداتها واستخلص القوي منها وأفصحت عن معرفة، أكسبه الزمن منها تمرساً حتى جعل العسير يسيراً، والصعب مستساغاً والحن سهلأً، لا وعلى الخير سقطت .
ولن أقول إن هذا الكتاب «الوقف الإسلامي» لا يعدله كتاب آخر في مادته بيد أن هذا الجهد والوقت الذي بذله مؤلفه بدى فريداً من نوعه ومميزاً بلونه وذلك لمعاصرته التي لها قيمة تاريخية في واقع الكتابات. فقد عَرَفَ الوقت والتاريخ للوقائع والأحداث التي رافقت ذلك. وما جرى فيها وما كان من أثر في حياة الناس وقتذاك .
ومعلوم أن القانون هو مجموعة القواعد والمبادئ التي وضعها أهل الخبرة من خلالها القرارات والمقررات التي تنظم شؤون الحياة الاجتماعية استجابة لمتطلبات الجماعة وسداً لحاجاتها كما أنه يعبر عن واقعها وما وصلت إليه من رضى وما أحرزته من تقدم .
لذا فإنني اعتبر هذا الكتاب «الوقف الإسلامي» وثيقة تاريخية لها مدلولاتها، وقيمتها عبر زمن قلَّتْ فيها الكتابات الوقفية من التدوين والمجتمع الوقفي غدا بحاجة إليها. فجزى الله المؤلف خيراً عما كتبه، وأجزل له العطاء .

٢٢ محرم ١٤٢٢هـ / ١٦ نيسان ٢٠٠١م

دار الفتوى - مدير الشؤون الإدارية

الشيخ صلاح الدين فخري

آراء وكلمات في هذه الدراسة

كانت غايتنا الأولى من القيام بهذه الدراسة حب الخير ونشر المعرفة والحقيقة بين الأبناء المهتمين بالدراسات الأكاديمية والتاريخية ومعرفة أجزاء من المرحلة الغامضة من تاريخ الإدارة الوقفية .

ووردت بعض الكلمات من زملاء ومختصين مهنيين ومرحبين وشارك البعض في

النصح والتصحيح ومن أبرزهم الأستاذ الدكتور الزميل عبد الفتاح كباره الذي كتب الجمل التالية:

الحاج الكريم الأستاذ الفاضل نزار سكر حفظه المولى
شكراً لله لك هذا الجهد الوقفي والعلمي وإلى بقية الأجزاء إن شاء الله تعالى، مع
خالص مودتي،

وإذا كانت الأيام بما هي فعل زمن الحوادث، فإن ذكريات الأيام تحضر في ذاكرة الفرد ألواناً من الخطوط المستقيمة أو غير المستقيمة. وإذا كانت الاستقامة فيها من صفاء الذات ما ينعكس على الاستقامة في الأفعال فإن ذاكرتنا تحمل للأستاذ نزار سكر تلك الخطوط المستقيمة فيما يتحلى به من نشاط ملحوظ وهمة فائقة، وغيره واضحة على بيوت الله تعالى، والأملك الوقفية، فضلاً عما يتزود به أنيسه من ظرف الكلام، وجمال النقد لسلبيات الحياة وما أكثرها في هذه الأيام.

والكتاب الذي وضعه يجلي العمق والدقة ويزود قارئه بإطلالة معرفية متأنية على دقائق الأمور الوقفية وتنظيماتها.

وكم شكرت للمؤلف صدقته الجارية عن روح والديه، كما شكرت له ذلك الإهداء المستوعب لكل العاملين في الدوائر الوقفية متعالياً بذاته عن الكثير الكثير من شجون العمل الوظيفي في إدارة وقفية نرجولها مع المؤلف تقدماً مطرداً يتساق مع الطموح الإسلامي الرائد في المجال الوقفي خاصة ومجالات الحياة عامة.

أخوك

طالب العلم

أ.د. عبد الفتاح كباره

الإفتاء والأوقاف الإسلامية
المرسوم الإشتراعي
رقم ١٨
تاریخ ١٣ كانون الثاني سنة ١٩٥٥

رسوم اشتراعي رقم ١٨

الإفتاء والأوقاف الإسلامية

صادر بتاريخ ١٣ كانون الثاني سنة ١٩٥٥ مع التعديلات المقررة على بعض مواد من قبل المجلس الشرعي الإسلامي الأعلى بموجب القرار رقم ٥/ تاريخ ٢١ ذو القعدة ١٣٨٦ هـ الموافق ٢ آذار ١٩٦٧ م والمنشورة في الجريدة الرسمية عدد ٢٢ تاريخ ١٩٦٧/٣/١٦.

إن رئيس الجمهورية اللبنانية

بناء على الدستور اللبناني

بناء على القانون الصادر بتاريخ ١٨ تشرين الأول ١٩٥٤.

بناء على المرسوم الإشتراعي رقم ٥٢ تاريخ ١٢ آذار سنة ١٩٥٤.

بناء على اقتراح رئيس مجلس الوزراء.

وبعد موافقة مجلس الوزراء.

يرسم ما يأتي:

استقلال المسلمين السنيين بشؤونهم الدينية.

المادة الأولى: المسلمون السنيون مستقلون استقلالاً تاماً في شؤونهم الدينية وأوقافهم

الخيرية، يتولون تشريع أنظمتها وإدارتها بأنفسهم طبقاً لأحكام الشريعة الغراء والقوانين

والأنظمة المستمدة منها بواسطة ممثلين منهم من ذوي الكفاءة وأهل الرأي بالطرق

المبينة في المواد التالية:

رئيس المسلمين الديني

المادة ٢: مفتي الجمهورية اللبنانية هو الرئيس الديني للمسلمين وممثلهم بهذا الوصف لدى السلطات العامة وله ذات الحرمة والحقوق والامتيازات التي يتمتع بها أعلى الرؤساء الدينيين بلا تخصيص ولا استثناء.

المادة ٣: أ- مفتي الجمهورية هو الرئيس المباشر لجميع علماء الدين المسلمين والمرجع الأعلى للأوقاف الإسلامية ودوائر الإفتاء ويمارس جميع الصلاحيات المقررة له في القوانين والأنظمة الوقفية والشرعية.

ب- يشرف مفتي الجمهورية على أحوال المسلمين ومصالحهم الدينية والاجتماعية في مختلف مناطق الجمهورية اللبنانية ويجتمع إلى المفتين في المحافظات والأقضية كلما دعت الحاجة ليدرس معهم أحوال المسلمين الدينية والاجتماعية في مناطقهم وشؤون الإفتاء والأوقاف والعلماء ويصدر إليهم التعليمات المقتضاة.

ج- يعين مفتي الجمهورية الموظفين الإداريين وأرباب الوظائف الدينية من أئمة وخطباء ومدرسين وقراء ومؤذنين ويصدر عنه قرارات ترقيتهم وتأديبهم وفصلهم وفقاً للأحكام المقررة في هذا المرسوم الاشتراعي والأنظمة المرعية الإجراء.

د- يمارس مفتي الجمهورية مهامه ويتخذ قراراته في مختلف شؤون المسلمين الدينية والوقفية وفقاً لأحكام هذا المرسوم الاشتراعي والأنظمة المرعية الإجراء، ويستعين في الأمور الهامة عند الاقتضاء بمجلس استشاري يختاره من رجال العلم والعمل المشهورين بالنزاهة والخبرة والاستقامة البعيدين عن الأهداف الذاتية والحزبية وبيراعي في اختيارهم تمثيل كافة المناطق مع توفر الشروط التالية:

١- أن لا تربطهم به صلة قربي لغاية الدرجة الرابعة.

٢- أن يكونوا من حملة الشهادات الدينية والمدنية العالية أو من ذوي المكانة الاجتماعية المرموقة والأخلاق الحسنة والسيرة الحميدة.

٣- أن لا تقل سنهم عن الخامسة والثلاثين يسمى الأعضاء لمدة سنة واحدة قابلة للتجديد ويمكن إعفاء العضو منه بقرار من مفتي الجمهورية في حال العجز عن العمل أو إذا أتى أمراً خطيراً أو ضاراً بمصالح المسلمين، ويضع المجلس نظامه الداخلي خلال

شهر من تاریخ شروعه في العمل.

هـ- ينشأ لدى مفتي الجمهورية صندوق مستقل تحدد إدارته وموارده، وطرق الإنفاق منه بنظام خاص يضعه المجلس الشرعي الإسلامي الأعلى.
غاية هذا الصندوق، المساهمة في رفع مستوى المسلمين الديني والثقافي والاجتماعي والصحي.

المادة ٤: لا يجوز الجمع بين منصب مفتي الجمهورية وبين أية وظيفة أو عمل أو مهنة باستثناء المناصب الرسمية أو الفخرية التي تخصص بالرؤساء الدينيين عامة، ويعتبر مجرد القبول بمنصب مفتي الجمهورية تنازلاً حكماً ونهائياً عن أية وظيفة أو عمل أو مهنة سابقة.

كيفية انتخاب مفتي الجمهورية

المادة ٥: يتولى منصب مفتي الجمهورية اللبنانية من ينتخب من المرشحين من علماء الدين الإسلامي السنيين اللبنانيين من ذوي السيرة الحميدة والصلاح الحائزين على شهادة دينية عالية أو الذين مارسوا وظيفة القضاء الشرعي مدة لا تقل عن خمس عشرة سنة. ويشترط أن يكون المرشح قد أتم الأربعين من عمره.

المادة ٦: ينتخب مفتي الجمهورية لولاية تنتهي ببلوغه سن الثانية والسبعين على أن لا تقل في مطلق الأحوال عن خمس سنوات، ولا يعفى من منصبه إلا لدواع صحية تمنعه من حسن القيام بمهامه، أو لأسباب خطيرة، ويصدر قرار الإغفاء من مجلس الانتخاب الإسلامي بدعوة من المجلس الشرعي الإسلامي الأعلى حال عدم اعتزال المنصب بالطوع والاختيار وذلك بأكثرية ثلاثة أرباع الأعضاء على الأقل. وفي حال الاعتزال أو الإغفاء للمرض يمكن أن يعطى المعتزل أو المعفى مخصصات شهرية كافية من صندوق الإفتاء الخاص إن توفر. وإلا فمن ميزانية الأوقاف الإسلامية شرط أن لا يتعاطى بنفسه أية وظيفة أو مهنة أو عمل.

تحدد هذه المخصصات بقرار من المجلس الشرعي الإسلامي الأعلى. [معدلة بموجب قرار المجلس الشرعي الإسلامي رقم ٥٥ تاريخ ٢٨/١٢/٩٦].

المادة ٧: لكل عضو من أعضاء المجلس الشرعي الإسلامي الأعلى أن يرشح في

جلسة الانتخاب الشخص الذي تتوفر فيه الشروط المنصوص عليها في المادة الخامسة، ولا يكون الترشيح مقبولاً إلا إذا ثنى عليه عضوان آخران من المجلس. [معدلة بالقرار رقم ٥٠ تاريخ ٢٨/١٢/١٩٩٦].

مجلس الانتخاب الإسلامي

المادة ٨: يتألف مجلس الانتخاب الإسلامي من:

- ١- رئيس مجلس الوزراء العامل ورؤساء مجلس الوزراء السابقين.
- ٢- الوزراء المسلمين السنيين العاملين.
- ٣- النواب المسلمين السنيين العاملين.
- ٤- أعضاء المجلس الشرعي الإسلامي الأعلى.
- ٥- المفتين المحليين العاملين.
- ٦- العلماء قضاة الشرع الشريف العاملين.
- ٧- العلماء قضاة الشرع الشريف المتقاعدين.
- ٨- أمين الفتوى في كل من بيروت وطرابلس.
- ٩- المدير العام للأوقاف الإسلامية.

[معدلة بموجب قرار المجلس الشرعي الإسلامي الأعلى رقم ٥٠ تاريخ ٢٨/١٢/٩٦].

المادة ٩: لكل عضو من أعضاء المجلس صوت انتخاب واحد، فلا يحق له أن يمثل إلا فئة أو جهة من الفئات أو الجهات التي يتألف منها المجلس، ولا يجوز التوكيل بالتصويت بل يجب حضور الناخب بالذات.

نصاب الانتخاب القانوني

المادة ١٠: لا يصح الانتخاب إلا إذا جرى بحضور ثلثي أعضاء المجلس في المرة الأولى وبحضور نصف الأعضاء في المرة الثانية ويعتبر فائزاً من المرشحين الذي ينال الأكثرية المطلقة من أصوات المقترعين.

المادة ١١: يجري الانتخاب بالاقتراع سراً. ويكون الفوز بالتركية إذا لم يكن غير مرشح واحد يستكمل الشروط المؤهلة لتولي المنصب.

عمليات الانتخاب

المادة ١٢: أ- تدعو كل نقابة وكل مؤسسة وكل جمعية إسلامية أعضاءها من المسلمين السنين لانتخاب ممثلها في مجلس الانتخاب الإسلامي بناء على تكليف خطي من مدير الأوقاف أو من يقوم مقامه يرسله إليها قبل موعد الانتخاب بثلاثين يوماً على الأقل وترفع إليه أسماء مندوبيها في مدى خمسة عشر يوماً من ورود التكليف إليها ويجوز لأصحاب الحق من أعضاء النقابات الاجتماع من تلقاء ذاتهم وانتخاب مندوبيهم ورفع أسمائهم إلى مديرية الأوقاف مباشرة بواسطة كتاب موقع من أكثرية الأعضاء.

ب- تنشر في مركز كل دائرة ووقفية لائحة الشطب بأسماء الذين لهم حق الانتخاب في مطلع كل سنة بواسطة مدير الأوقاف العام ورؤساء الدوائر الوقفية في المناطق أو من يقوم مقامهم.

المادة ١٣: يجتمع مجلس الانتخاب الإسلامي بدعوة من رئيس مجلس الوزراء، وتبلغ الدعوة لصقاً على باب دار الفتوى. [معدلة بموجب قرار المجلس الشرعي الإسلامي الأعلى رقم ٥٠ تاريخ ٢٨/١٢/٩٦].

المادة ١٤: يرأس الاجتماع أعلى مرجع إسلامي في الدولة أو من يقوم مقامه أو من ينتدبه ويدير عملية الانتخاب بمعاونة مدير الأوقاف العام أو من يقوم مقامه واثنين من الناخبين الحاضرين يختارهما ليقوما بوظيفة أميني سرلضبط وقائع الجلسة وإعلان نتيجة الانتخاب.

ويحق لكل مرشح أن يفوض عنه مندوباً لحضور عمليات الاقتراع بموجب تفويض خطي يبرزه لرئيس مجلس الانتخاب الإسلامي مصادق عليه من مدير الأوقاف العام أو من يقوم مقامه.

المادة ١٥: يعلن رئيس المجلس افتتاح الجلسة وينادي على الأعضاء بأسمائهم استنباتاً لحضورهم ولاكتمال النصاب القانوني منهم، ويوزع عليهم أوراقاً للاقتراع من نموذج واحد، ثم يشرع في عملية الانتخاب فيضع كل ناخب ورقته في صندوق مقفلة على منضدة الرئيس ويشار إلى اقتراعه بقائمة الشطب بجانب اسمه. على أنه إذا وجد من أصحاب حق الانتخاب من لم يناد على اسمه لإغفاله في قائمة المقترعين حق له

أن يتقدم من رئيس لجنة الاقتراع بطلب تمكينه من ممارسة حقه فتفصل هيئة الاقتراع فوراً في الأمر وقرارها بهذا الصدد مبرم.

المادة ١٦: عند انتهاء عملية الاقتراع تفتح صندوقة الانتخاب بحضور الناخبين وتفرز الأوراق الموجودة فيها بمطابقة عددها على عدد الأعضاء المقترعين بحسب قائمة الشطب وبقراءة الأسماء المقيدة فيها جهراً ويعلن انتخاب من يحرز الأكثرية القانونية.

المادة ١٧: لا يجوز أن تتضمن ورقة الاقتراع إلا اسم المرشح فقط. وتعتبر لاغية كل ورقة اقتراع تحمل توقيعاً أو علامة أو عبارة ولو لم تنم عن شخصية صاحبها.

الطعن في الانتخاب

المادة ١٨: لا يقبل الطعن في صحة الانتخاب إلا من المرشح الخاسر وذلك لعللة الخداع والتزوير أو لعللة مخالفة الأصول الانتخابية المرسومة أعلاه مخالفة جوهرية يترتب عليها فقدان النصاب القانوني للانتخاب.

ويقدم الطعن في يومين من إعلان النتيجة الانتخابية إلى اللجنة التي يصار إلى انتخابها في جلسة انتخاب المفتي وفقاً للمادة التالية:

المادة ١٩: يفصل مجلس الانتخاب الإسلامي بصورة مبرمة في صحة الطعن في مدة ثمانية أيام من تقديم عريضة الطعن وذلك بناء على تقرير تضعه لجنة فرعية من أعضائه لا يتجاوز عددها العشرة ولا يقل عن الخمسة وينتخبها المجلس بأكثرية أصوات الحاضرين من أعضائه فإن اقر المجلس صحة الطعن أعيد الانتخاب وفقاً للأحكام المتقدم ذكرها.

إعلان نتيجة الانتخاب وتنصيب مفتي الجمهورية

المادة ٢٥: يعلن رئيس المجلس النتيجة بعد إتمام عملية الانتخاب ويذكر اسم المرشح الفائز بمنصب مفتي الجمهورية، وفي اليوم الثالث لهذا الإعلان يجري تنصيب المفتي في دار الإفتاء من جانب رئيس المجلس الانتخابي ومن يحضر من أعضائه ويكون التنصيب بقراءة محضر جلسة الانتخاب بحضور المفتي وإعلانه مفتياً

للجمهورية باسم المسلمين. أما إذا وجد طعن أجل التنصيب إلى ما بعد الفصل فيه، وفي حال الفوز بالتركية، يجري تنصيب المفتي فور إعلان النتيجة. [معدلة ومضاف إليها بموجب قرار المجلس الشرعي الأعلى رقم ٥٠ تاريخ ٢٨/١٢/٩٦]. وفي يوم التنصيب يقوم رئيس المجلس بتبليغ اسم مفتي الجمهورية إلى الحكومة رسمياً لإجراء المقتضى القانوني.

المادة ٢١: في حال الطعن في صحة الانتخاب تجري المراسم الواردة في المادة السابقة في اليوم التالي لصدور قرار المجلس برد الطعن.

وسواء جرت مراسم التنصيب أو تأخرت أو ألغيت لأي سبب كان فإن الفائز بالانتخاب يصبح مفتياً للجمهورية حكماً بمجرد مضي مدة الطعن أو صدور القرار برد الطعن.

المادة ٢٢: إذا تخلف رئيس المجلس عن القيام بواجب التبليغ أو التنصيب فيقوم مقامه في هاتين المهمتين نائب رئيس المجلس الشرعي الإسلامي الأعلى مع وفد الهيئات المذكورة آنفاً.

المادة ٢٣: تصدر الحكومة بعد عملية الانتخاب والتنصيب مرسوماً بتكريس ذلك باعتبار المرشح الفائز مفتياً للجمهورية اللبنانية، فإذا لم يصدر في مهلة شهر على الأكثر اعتبر المنتخب مفتياً للجمهورية اللبنانية حكماً.

المادة ٢٤: يعاون مفتي الجمهورية:

١- مجالس منتخبة.

٢- موظفون اختصاصيون هم:

أمين السر الخاص ومدير الأوقاف العام والأمين العام للمجلس الشرعي الإسلامي الأعلى يعينهم مفتي الجمهورية.

٤- يضع المجلس الشرعي الإسلامي الأعلى ملاكاً بالوظائف اللازمة لتسيير العمل في دائرة الفتوى وأمانة السر الخاصة والأمانة العامة للمجلس الشرعي الإسلامي الأعلى، ويعتبر ذلك نافذاً بعد تصديق مفتي الجمهورية.

أما جهاز مدرسي الفتوى فيتبع مفتي الجمهورية مباشرة ويضع لهم نظاماً خاصاً.

المادة ٢٥: يشترط في أمين الفتوى أن يكون من العلماء المتفقيين في أحكام الشرع

والدين أو الحائزين على شهادة شرعية عالية. ويشترط في كل من أمين السرالخاص والأمين العام للمجلس الشرعي الإسلامي الأعلى أن يكون من ذوي الثقافة العامة الحائزين على شهادة جامعية. ويشترط في مدير الأوقاف العام أن يكون حائزاً على شهادة عالية من إحدى كليات الأزهر الشريف أو ما يعادلها من الشهادات الدينية العالية أو شهادة حقوق صادرة عن جامعة تدرس الشريعة الإسلامية.

المادة ٢٦: لا يجوز أن يكون أحد معاوني مفتي الجمهورية المذكورين آنفاً من فروعهِ أو حواشيه أو أقاربه بالمصاهرة حتى الدرجة الرابعة.

المادة ٢٧: يناط بأمين الفتوى في العاصمة دراسة القضايا الدينية والشرعية المتعلقة بالإفتاء وإعطاء الرأي فيها وهو يؤازر مفتي الجمهورية في مهامه ويقوم مقامه بتفويض منه أثناء غيابه عن البلاد أو مرضه الطويل المدى أو عندما يتعذر عليه القيام بمهام منصبه.

ويناط بأمين السرالخاص سائر المعاملات الإدارية الأخرى.

تسري أحكام هذه المادة على أمين الفتوى في طرابلس بالنسبة لمفتي طرابلس.

المفتون المحليون

المادة ٢٨: يكون في مركز كل محافظة وقضاء في المناطق التي يكثر عدد السكان المسلمين فيها مفت محلي من علماء الدين الحائزين على شهادة دينية عالية من الأزهر أو ما يعادلها من الشهادات الدينية أو مارس القضاء الشرعي مدة لا تقل عن عشر سنوات أو من العلماء المشهود لهم بالعلم والدين والصلاح ووجهت عليه وظيفة الخطابة أو التدريس مدة لا تقل عن خمسة عشرة سنة.

وهو يعرَى مصالحهم الدينية والوقفية والاجتماعية المحلية ويرتبط مباشرة بمفتي الجمهورية.

يقيم المفتي المحلي في المحافظة أو القضاء التابع له ويعني بالعلماء في منطقته ويسهر على حسن أدائهم الواجبات الدينية ويضع بعد التشاور معهم كل ثلاثة أشهر وكلما دعت الحاجة المناهج الواجب اتباعها في شؤون الوعظ والتوعية الإسلامية وفي

مختلف المواسم الدينية بشكل يتفق مع أحكام الشريعة وحرمة الدين ويؤدي غاياته في التثقيف والتعليم، ولا تكون هذه المناهج صالحة للتنفيذ إلا بعد التصديق عليها من قبل مفتي الجمهورية.

وتحقيقاً لحسن سير العمل يرفع المفتي المحلي إلى مفتي الجمهورية تقريراً دورياً مرة كل ثلاثة أشهر وكلما قضت الظروف يشرح فيه الأوضاع الدينية والوقفية والاجتماعية للمسلمين في كل بلد تابع له وحالة العلماء والمساجد والمعاهد وحاجاتها ونتائج أعماله في منطقته.

المادة ٢٩: تنتخب كل منطقة مفتياً بواسطة هيئة تتألف ممن يأتي وهم:

- ١- ممثلو المنطقة من المسلمين السنيين في الهيئتين التنفيذية والتشريعية.
- ٢- أعضاء المجلس الشرعي الإسلامي الأعلى من المنطقة الطبيعيون منهم والمنتخبون والمعينون.
- ٣- القضاة الشرعيون والعدليون المسلمون السنيون من أبناء المحافظة ومن العاملين فيها.
- ٤- رئيس وأعضاء المجلس البلدي المسلمون السنيون في مركز المحافظة. [صدر تفسير بقرار المجلس الشرعي الإسلامي الأعلى رقم ١٢ تاريخ ١١/٢/٨٢].
- ٥- مندوبون ثلاثة من الغرف التجارية والصناعية والزراعية في مركز المحافظة وكل نقابة وجمعية في مركز المحافظة من النقابات التي يحق لمندوبيها الاشتراك في مجلس الانتخاب الإسلامي.
- ٦- رئيس دائرة الأوقاف المحلي وأعضاء مجلس الأوقاف الإداري والخطباء والأئمة والمدرسون في المنطقة من حاملي الشهادات الدينية من الأزهر أو أحد المعاهد الدينية المعترف بها أو الذين مارسوا وظيفة الخطابة أو التدريس مدة لا تقل عن العشر سنوات من اللبنانيين ومدرسو الفتوى.
- ٧- أما المفتي في القضاء فينتخبه الذوات المنصوص عليهم في الفقرات ١ و٢ و٦ ويضاف إليهم:
أ- رئيس دائرة الأوقاف المحلي في المحافظة.

- ب- لجنة الأوقاف المحلية في مركز القضاء ورؤساء لجان الأوقاف التابعة له .
- ج- رؤساء البلديات المسلمون السنيون في مركز القضاء وفي القرى التابعة له .
- د- القضاة الشرعيون والعدليون المسلمون السنيون من أبناء القضاء والعاملين فيه .
وفيما يتعلق بإفتاء زحله يضاف إلى الأشخاص المذكورين رؤساء البلديات المسلمون السنيون في مركز قضاء البقاع الغربي والقرى التابعة له .
- إن عدم وجود هيئة أو أكثر من الهيئات المذكورة في هذه المادة بتاريخ الانتخاب لا يكون مانعاً من إجرائه .

المادة ٣٠: يحدد مفتي الجمهورية موعد انتخاب مفتي المنطقة ويبلغه لرئيس الأوقاف المحلي أو من تنتدبه مديرية الأوقاف بواسطة هذه المديرية لإذاعته على الناخبين في منطقته، ولا يجوز تأجيل الانتخاب مدة تزيد على ثلاثة أشهر من خلو مركز الإفتاء، فإذا انقضت هذه المهلة فلنائب رئيس المجلس الشرعي أن يحدد هذا الموعد .

المادة ٣١: يجري الانتخاب برئاسة مندوب عن مفتي الجمهورية يكون من أعضاء المجلس الشرعي الأعلى يعاونه رئيس الأوقاف المحلي عند عدم وجوده يقوم بهذا المعاونة من ينتدبه مدير الأوقاف العام كأمين سر لضبط وقائع الاجتماع وإثبات نتيجة الانتخاب وذلك وفقاً للأصول الانتخابية المرسومة في المواد السابقة .

المادة ٣٢: يشترط ويطبق في انتخاب المفتي المحلي ما يشترط ويطبق في انتخاب مفتي الجمهورية وفقاً للمواد التي سلفت .

المادة ٣٣: يعلن مندوب مفتي الجمهورية نتيجة الانتخاب عقب الانتهاء من عملية الاقتراع ولا تكون نهائية إلا بعد مصادقة مفتي الجمهورية عليها . ويصدر القرار بها في مدة شهر على الأكثر من إعلان نتيجة الانتخاب ويبلغ للمراجع الإيجابية . فإذا لم يصدر القرار في مهلة الشهر اعتبر المنتخب مفتياً حكماً .

المادة ٣٤: لا يجوز رفض المصادقة على الانتخاب وإلغاؤه إلا بموافقة المجلس الشرعي الإسلامي الأعلى ولأسباب وجيهة تذكر في قرار الإلغاء .

المادة ٣٥: يعاد الانتخاب في مدة شهر على الأكثر من صدور القرار بإلغائه ولا يجوز إبطاله ثانية بحق المرشح ذاته للفائز في المرتين .

المادة ٣٦: لا يفصل المفتي المحلي من منصبه إلا إذا عجز عن العمل أو أتى أمراً خطيراً أو سلك سلوكاً يسيء إلى كرامة منصبه أو يضر بمصالح المسلمين، ويصدر قرار الفصل عن مفتي الجمهورية بموافقة المجلس الشرعي الأعلى، ويتخذ هذا القرار بناء على تحقيق يجريه مفتي الجمهورية بمعرفة لجنة يؤلفها من ثلاثة أو خمسة من أعضاء المجلس الشرعي تستمع لدفاع المفتي في الأمور المنسوبة إليه.

نص قرار المجلس الشرعي الإسلامي الأعلى رقم ٥٠ تاريخ ١٢/٢٨/١٩٩٦ على ما يلي:

المادة الرابعة: أ- خلافاً لكل نص آخر، يثبت المفتون المحليون المكلفون حالياً في مناصبهم وهم أصحاب السماحة: الشيخ محمد طه الصابونجي، الشيخ خليل الميس، الشيخ مصطفى غادر.

ب- تنتهي ولاية المفتي المحلي عند بلوغه سن السبعين.

ج- لا تطبق أحكام الفقرة / ب / على المفتي المحليين منهم والمثبتين بموجب الفقرة / أ / إلا بعد مضي خمس سنوات على تاريخ صدور هذا القرار.

المادة الخامسة: يلغى كل نص يتعارض وأحكام هذا القرار، ويعمل به فور لصقه على باب دار الفتوى وينشر في حيث تدعو الحاجة.

مجالس الأوقاف المنتخبة

المادة ٣٧: المجالس المنتخبة هي مجالس إدارية في العاصمة ومراكز المحافظات والأقضية ومجلس شرعي أعلى يشرف على أعمالها ويفصل في استئناف قراراتها. وعضوية هذه المجالس شرفية حسبية يؤدي العضو عن طريقها خدمة إسلامية عامة وليس له لقاءها أي بدل أو تعويض ما عدا تعويض انتقال يدفع للأعضاء المقيمين خارج بيروت ويحدد بقرار من المجلس.

المجلس الشرعي الأعلى

المادة ٣٨: يؤازر المجلس الشرعي الأعلى مفتي الجمهورية في بعض المهام المنوطة به ويملك المجلس بنوع خاص سلطة إصدار النظم والقرارات والتعليمات التي

يقتضيها تنظيم شؤون المسلمين الدينية وإدارة جميع أوقافهم الخيرية على اختلاف أنواعها وغاياتها وأسمائها بما يكفل حفظ عينها وحسن استغلالها وتأمين الجهات الخيرية الموقوفة عليها وله أيضاً صلاحيات تفسير النظم والمقررات في المواضيع المذكورة آنفاً وذلك كله على وجه لا يتعارض وأحكام هذا المرسوم.

المادة ٣٩: بالإضافة إلى الأمور الواردة في المواد السابقة يقوم المجلس الشرعي الأعلى بالمهام التالية:

- ١- تدقيق وتعديل وتصديق موازنات الأوقاف في العاصمة والمناطق.
- ٢- الترخيص بصرف النفقات الإدارية على أساس القاعدة الاثني عشرية عند تأخر المصادقة على الموازنات المذكورة، وتطبق هذه القاعدة حكماً في أول كانون الآخر من كل عام إذا تأخر المجلس عن إقرارها.
- ٣- التصديق على اقتراح تعيين رؤساء دوائر الأوقاف وكذلك تصديق اقتراح ترقيةهم ونقلهم واتخاذ التدابير التأديبية بحقهم، يستثنى من ذلك الموظفون الذين خصهم هذا المرسوم بنظام مخالف لأحكام هذه الفقرة.
- ٤- النظر في قرارات المجالس الإدارية المتعلقة.
 - أ- بتوجيه الجهات المشروطة وذلك بالتصديق أو التعديل.
 - ب- باستبدال العقارات الوقفية وتقرير شروط استعمال المبالغ الناجمة عنه وذلك بالتصديق أو الفسخ والنشر وإعادةها إلى مصدرها لاستكمال أو تصحيح الخلل في إجراءاتها.
 - ج- بتصنيف الوظائف الدينية والإدارية وتحديد ملاكاتها ورواتبها بالتصديق أو التعديل أو الإبطال.
 - د- التصديق على الاقتراحات بتعيين أرباب الوظائف الدينية من أئمة وخطباء ومدرسين وقراء ومؤذنين وبتعيين الموظفين الإداريين وترقيتهم واتخاذ التدابير التأديبية بحقهم أو طلب إعادة النظر بهذه الاقتراحات.
- أما القرارات بهذا الصدد فتصدر وفقاً للفقرة (ج) من المادة الثالثة من هذا المرسوم.
- هـ- مراقبة تنفيذ النظم والقرارات والتعليمات الصادرة عنه في كل ما يتعلق بالشؤون

الدينية والأوقاف ومراقبة أعمال المديرية العامة في العاصمة ودوائر الأوقاف في المناطق ومجالسها الإدارية ولجانها، وذلك بانتداب أحد أعضائه أو الأمين العام للمجلس الشرعي، وللمجلس عند وجود أسباب تدعو إلى الملاحقة أن يقترح على مفتي الجمهورية إحالة المسيء إلى لجنة الطعون والتأديب.

إن العقوبات التأديبية التي يمكن الحكم بها:

١- التنبيه.

٢- اللوم.

٣- الحسم من الراتب.

٤- تأخير الترقية لمدة لا تتجاوز السنة.

٥- إنزال الدرجة.

٦- التوقيف عن العمل لمدة لا تتجاوز السنة.

٧- الصرف من الخدمة مع استحقاق التعويض.

٨- العزل مع الحرمان من التعويض.

و- النظر بالاستئنافات المقدمة ضد قرارات المدير العام المتضمنة التدابير التأديبية.

٥- الفصل في استئناف قرارات المجلس الإدارية.

٦- النظر في المسائل التي يحيلها عليه مفتي الجمهورية من تلقاء ذاته أو بناء على

مراجعة إحدى دوائر الأوقاف أو أحد مجالسها الإدارية أو أحد أصحاب العلاقة.

٧- أقصى مدة للبت في القضايا المستأنفة خمسة وأربعون يوماً اعتباراً من يوم

إيداعها لدى المقرر، وللمجلس حق تمديد هذه المدة لاعتبارات وجيهة يوردها في قرار

التمديد، ولا يجوز أن تبقى المعاملة في قلم المجلس دون تحويل إلى المقرر أكثر من

أسبوع.

كيفية تأليفه

المادة ٤٥: يتألف المجلس الأعلى من رئيس ونائب للرئيس ومن أعضاء طبيعيين

وأعضاء منتخبين وأعضاء يعينهم مفتي الجمهورية.

المادة ٤١: رئيس المجلس الشرعي الإسلامي الأعلى هو مفتي الجمهورية اللبنانية أما

نائب الرئيس فينتخبه المجلس من بين أعضائه بالاقتراع سراً وبأكثرية الأصوات.

المادة ٤٢: أعضاء المجلس الطبيعيون هم:

أ- رئيس المجلس النيابي ورئيس الوزارة ورؤساء المجالس النيابية السابقون من المسلمين السنيين.

ب- أعضاء المجالس المنتخبون هم:

١- ثمانية من محافظة بيروت وثمانية من محافظة الشمال منهم واحد من عكار وأربعة من محافظة الجنوب منهم ثلاثة من مدينة صيدا وواحد من قضائي حاصبيا ومرجعيون واثنان من كل من محافظتي جبل لبنان والبقاع.

تنتخب كل منطقة أعضاءها بواسطة الهيئة المنوط بها انتخاب المفتي المحلي.

ج- أما الأعضاء الذين يعينهم مفتي الجمهورية فإن عددهم يوازي ثلث عدد الأعضاء المنتخبين ويختارهم خلال أسبوع من تاريخ تصديق نتائج الانتخاب ويكونون من الفئات التالية:

١- القضاة الشرعيون السنيون في محاكم البداية والمحكمة العليا من الدرجات

الثمانية العليا.

٢- القضاة العدليون والإداريون السنيون من الدرجات الخمس العليا.

٣- من ذوي الكفاءة العليا.

٤- المفتون.

مدته

المادة ٤٤: مدة المجلس الشرعي الأعلى أربع سنوات ويجوز حله قبل إتمام مدته لأسباب خطيرة يقدرها مفتي الجمهورية يوافقها خمسة عشر عضواً من أعضاء المجلس الأعلى على الأقل ويصدر قرار الحل عن مفتي الجمهورية ويتحتم حينئذ دعوة الهيئة الناجبة لانتخاب مجلس جديد في مدة شهر على الأكثر من صدور قرار الحل.

المادة ٤٥: يجوز لمفتي الجمهورية إملاء مقاعد الأعضاء المنتخبين الخالية بسبب الاستقالة أو الوفاة أو غير ذلك من الأسباب بالتعيين إذا كانت المدة الباقية للمجلس لإتمام مدته القانونية لا تزيد عن سنة ولا يسوغ لمفتي الجمهورية استعمال هذا الحق إذا

جاوزت المقاعد الخالية بمجموعها أو على التوالي ربع عدد أعضاء المجلس، وإنما يتوجب عندئذ إجراء انتخاب فرعي لإملاء المقاعد الخالية لما يتبقى من مدة المجلس القانونية.

إذا لجأ مفتي الجمهورية إلى التعيين على نحو ما ذكر يتوجب عليه أن يعين بالترتيب لعضوية المجلس الشرعي الإسلامي الشاغرة من كان محرراً لأكثرية الأصوات حسب مندرجات محضر الانتخاب بعد العضو الذي شغره مركزه.

المادة ٤٦: يحق للمجلس أن يفصل من عضويته كل عضو من أعضائه المنتخبين أو المعيّنين يخل بواجبات عضويته إخلالاً كبيراً أو يتصرف تصرفات شخصية تسقطه من أهلية الانتساب إلى المجلس ويتخذ قرار الفصل بأكثرية ثلاثة أرباع الأصوات على الأقل برئاسة مفتي الجمهورية ولا يكون قابلاً لأية مراجعة.

كل عضو من أعضاء المجلس واللجان المنتخبين والمعينين يتخلف عن الحضور ثلاث جلسات متواليات دون عذر مشروع يقبله المجلس يعتبر مستقياً حكماً ويملاً مكانه بقرار من المجلس الشرعي الإسلامي الأعلى بناء على اقتراح مفتي الجمهورية. أصول انعقاده

المادة ٤٧: يجتمع المجلس الشرعي الأعلى بدعوة من رئيسه مرة في كل شهر، ما عدا أشهر الصيف لدرس القضايا الموجودة لديه، ويجتمع من تلقاء ذاته في الربع الأخير من السنة بدورة متصلة للجلسات لتدقيق موازنات الأوقاف وتعديلها وتصديقها وللنظر فيما يتسع له وقته من المسائل المحالة أو الجديرة بالبحث عفواً.

المادة ٤٨: يجتمع المجلس في غير المواعيد أعلاه لدرس قضية أو قضايا طارئة تذكر في كتاب الدعوة، وذلك بناء على دعوة من الرئيس أو طلب من ربع الأعضاء.

المادة ٤٩: يعقد المجلس جلساته في مقر مفتي الجمهورية في بيروت وتكون له قاعة خاصة ومكتب لنائب رئيسه ولكتاب وقائع جلساته.

المادة ٥٠: ينعقد المجلس بأكثرية أعضائه في الجلسة الأولى وبثلث أعضائه على الأقل في الجلسات التالية إلا فيما يتعلق بفصل أحد أعضائه أو إدخال تعديل على هذا المرسوم فلا يصح انعقاده حينئذ إلا بحضور ثلاثة أرباع أعضائه على الأقل.

المادة ٥١: يتخذ المجلس الشرعي الأعلى قراراته بأكثرية الأصوات وقراراته نافذة بذاتها ويجوز لمفتي الجمهورية أن يطلب من المجلس المذكور إعادة النظر في أي منها لمرتين اثنتين لأسباب وجيهة يوردها في مذكرة الطلب وذلك في خلال عشرة أيام من تاريخ تبليغه القرار، وإذا لم يستعمل المفتي حقه هذا ضمن المهلة المذكورة أو إذا أصر المجلس على قراره فالقرار يعتبر نافذاً حكماً.

المادة ٥٢: ملغاة.

المادة ٥٣: يحق لكل متضرر من قرار أصدره المجلس أن يلتمس إعادة النظر في مدة خمسة عشر يوماً من تبليغه إياه أو علمه علماً لازماً إذا لم يكن قد أبدى أو قد دعي لإبداء أقواله في المسألة الصادر القرار بها. ولا يجوز طلب إعادة النظر في أكثر من مرة واحدة.

المادة ٥٤: يضع المجلس بنفسه لائحة داخلية لإدارة جلساته وتنظيم أعماله ويتخذ مقرراته بعد درس موضوعاتها من اللجنة المختصة وبناء على تقرير يضعه مقررها. أما لجان المجلس فهي:

١- اللجنة القضائية: وهي تؤلف من تسعة أعضاء يناط به فصل الأمور المبينة في الجزئين / أ / و / ب / من الفقرة الرابعة وكامل الفقرة الخامسة من المادة ٣٩. تنتخب هذه اللجنة رئيسها ونائبه من أعضائها وتجتمع في المواعيد التي يحددها رئيسها أو نائبه كلما دعت الحاجة إلى ذلك.

ويكون اجتماعها قانونياً إذا حضر سبعة من أعضائها على الأقل، وتتخذ قراراتها بأكثرية ستة أعضاء على الأقل، وتكون هذه القرارات نافذة كما هي الحال في قرارات المجلس الشرعي الأعلى إلا إذا تقدم أحد أصحاب العلاقة بطلب إعادة النظر بقرار اللجنة من المجلس الشرعي الأعلى خلال خمسة عشر يوماً من تاريخ تبليغه القرار، وفي مثل هذه الحال يجب على المجلس البت بالطلب في مدة أقصاها خمسة وأربعون يوماً من ورود الطلب.

٢- اللجنة الإدارية والمالية: وهي تتألف من سبعة أعضاء ينتخبون الرئيس والمقرر من بينهم، ويقوم المقرر مقام الرئيس عند غيابه ويناط بها دراسة الموازنات العامة والقضايا المالية ووضع التقارير للمجلس فيما ورد في الجزء / ج / من الفقرة الرابعة من

المادة ٣٩ كما يناط بها البت فيما ورد في الجزء / د / من الفقرة ذاتها والتصديق على اقتراحات المجالس الإدارية بتعيين أرباب الوظائف الدينية والإدارية وفقاً للأصول المقررة في هذا المرسوم أو طلب إعادة النظر فيه من قبل المجلس الإداري .

٣- اللجنة التشريعية: وهي تتألف من خمسة أعضاء ينتخبون رئيسهم ومقرهم من بينهم ويقوم المقرر مقام الرئيس عند غيابه .

ويناط بها كل ما يتعلق بدراسة الأمور القانونية والتشريعية التي تكلف من قبل المجلس بدراستها أو من مفتي الجمهورية .

٤- لجنة الطعون والتأديب: تتألف من خمسة أعضاء ينتخبون منهم الرئيس والمقرر ويقوم المقرر مقام الرئيس عند غيابه .

ويناط بها دراسة الشكاوى وكل ما يتعلق بمخالفات الموظفين والطعون المتعلقة بانتخاب أعضاء المجلس الشرعي والمجالس الإدارية والمفتين في المناطق .

تنتخب اللجان لمدة سنتين في أول جلسة يعقدها المجلس .

ولا يجوز للعضو الواحد أن ينتخب لعضوية أكثر من لجنتين .

المادة ٥٥: يقوم نائب رئيس المجلس مقام مفتي الجمهورية في رئاسة المجلس وإدارة أعماله في الأحوال التي يتعذر فيها على مفتي الجمهورية القيام بمهامه هذه .

المادة ٥٦: تضبط وقائع الجلسات بموجب محضرينظم بكل جلسة يشتمل على بيان المسائل التي طرحت فيها على بساط البحث و خلاصة المناقشة التي دارت حولها وما اتخذ بشأنها من القرارات توضع مسودة المحضر في الجلسة ذاتها يوقعها رئيس المجلس أو نائبه والأعضاء الحاضرون وتبيض على سجل خاص يوقعه المذكورون في الجلسة التالية .

المجالس الإدارية

المادة ٥٧: يعاون مدير الأوقاف العام في العاصمة ورؤساء الأوقاف في الملحقات مجالس إدارية منتخبة .

المادة ٥٨: يناط بالمجالس الإدارية الوظائف الآتية:

١- وضع الموازنة السنوية ومراقبة صرف الأموال المرصدة في بنودها .

٢- إنشاء وترميم عقارات الوقف بالمناقصة أو بالأمانة واستغلالها بعقود قصيرة أو طويلة الأجل على أن لا تزيد عن أربع سنوات.

٣- تأجير عقارات الوقف بالمزايدة أو بالتراضي وتقرير تخليتها وفقاً لأنظمتها.

٤- وضع ملاك الوظائف الدينية والإدارية وتحديد رواتبها وإلغاء ما يفيض عن الحاجة منها.

٥- تصديق مستندات الصرف الثبوتية غير مستندات رواتب الموظفين الشهرية.

٦- تدقيق وتصديق حسابات متولي الأوقاف الملحقة الخيرية.

٧- تدقيق طلبات استبدال العقارات الوقفية المضبوطة والملحقة والحصة الخيرية من الأوقاف المشتركة بين الخيرية والذرية. والبت فيها وتقرير شروط استعمال المبالغ الحاصلة من الاستبدال.

٨- امتحان طلاب الوظائف الدينية واقتراح تعيينهم وفقاً لأحكام نظام توجيه الجهات واقتراح تعيين الموظفين الإداريين وترقية المستحق من كلتا الفئتين وتأديبه.

٩- تدقيق حسابات المديرية أو الدائرة وتفتيش سجلاتها وموجودات صندوقها.

١٠- النظر في جميع الأمور التي يعرضها على المجلس مدير الأوقاف أو رئيسها المحلي أو أحد الأعضاء واقتراح كل ما يؤول إلى تحسين حالة الأوقاف وضبط إدارتها وحفظ عينها وإنماء مواردها وتأمين الجهات الخيرية المشروطة أو المعدة لها.

المادة ٥٩: يتألف المجلس الإداري في كل من بيروت وطرابلس وصيدا والبقاع من تسعة أعضاء منتخبين.

اثنين من كل من علماء الدين ورجال القانون والمهندسين وواحد من كل من التجار والملاكين والخبراء في الأمور المالية والحسابية.

ويجري انتخاب أعضاء هذه المجالس وفقاً للمادة ٦٢ من هذا المرسوم. يستعان في الأماكن الأخرى من المناطق بلجان محلية يؤلف كل منها من ثلاثة أعضاء أو أكثر حسب نسبة السكان وأهمية الأوقاف من وجهاء المنطقة أو البلدة.

أما صلاحيات هذه اللجان فيحددها لها مفتي الجمهورية بقرار يصدر عنه.

ولا يجوز الجمع بين عضوية المجلس الإداري والمجلس الشرعي الإسلامي الأعلى.

المادة ٦٠: يكون كل من مدير الأوقاف في العاصمة ورؤساء الأوقاف في الملحقات عضواً طبيعياً في المجلس الإداري التابع له ويشترك في مذكراته وله حق التصويت عند اتخاذ قراراته.

المادة ٦١: يرأس المجلس الإداري في العاصمة أمين الفتوى أما سائر المجالس الإدارية فيرأس كلاً منها المفتي المحلي وفي حال عدم حضوره يرأس المجلس نائب الرئيس وإذا تعذر الحضور على هذا الأخير فيرأسه أكبر الأعضاء سناً.

المادة ٦٢: ينتخب أعضاء المجالس الإدارية في العاصمة ومراكز المحافظات من الهيئات المناط بها انتخاب المفتين المحليين وفقاً للأصول المرسومة في المواد السابقة لهذا الانتخاب.

وتعين اللجان المحلية بقرار من مفتي الجمهورية بناء على اقتراح المجالس الإدارية التابعة لها أو مدير الأوقاف العام في المحافظة التي لا يوجد فيها مجالس إداري يرفعه إليه بواسطة مديرية الأوقاف وتطبق أحكام المادة ١٨ من هذا القانون فيما يعود إلى الطعن بصحة انتخاب أعضاء المجالس الإدارية ويفصل المجلس الشرعي الأعلى في الطعون بمدة أسبوعين على الأكثر.

المادة ٦٣: مدة المجالس الإدارية ثلاث سنوات، ويجوز حلها قبل انقضاء مدتها بقرار يتخذه مفتي الجمهورية تلقائياً أو بتوصية من المجلس الشرعي الإسلامي الأعلى لأسباب جدية تذكر في قرار الحل، ويصار إلى انتخاب مجالس إدارية جديدة في مدة شهر من صدور القرار بحل المجالس السابقة.

ويمكن لمفتي الجمهورية عند الضرورة أن يتخذ تلقائياً أو بناء على توصية من المجلس الشرعي الأعلى قراراً بتمديد ولاية هذه المجالس لمدة أقصاها سنة واحدة، أو تعيين لجنة تتمتع بكافة صلاحيات المجلس الإداري للمدة ذاتها.

تسري أحكام هذه المادة على اللجان الوقفية في المناطق.

المادة ٦٤: يتولى رئيس المجلس الإداري دعوة الأعضاء وإدارة الجلسات وتبليغ مدير الأوقاف أو رئيسها المحلي قرارات المجلس لتنفيذها أو رفعها إلى مراجعها الإيجابية.

وينتخب المجلس لجانه ونائب رئيسه من بين أعضائه.
ويتولى نائب الرئيس الأعمال والاختصاصات المذكورة آنفاً عند عدم قيام رئيس المجلس بها.

المادة ٤٥: تسري أحكام المادتين ٤٥ و ٤٦ على المجالس الإدارية غير أن القرار بفصل عضو من أعضاء المجالس الإدارية للأسباب الواردة في المادة ٤٦ يتخذه المجلس الإداري برئاسة أمين الفتوى في العاصمة والمفتي المحلي في المناطق ولا يكون هذا القرار نافذاً إلا إذا اقترن بتصديق من مفتي الجمهورية.

أصول انعقادها

المادة ٤٦: يجتمع المجلس الإداري بدعوة من رئيسه مرة في الشهر على الأقل ويضع موازنة المديرية أو الدائرة التابعة لها قبل ثلاثة أشهر من ختام السنة الجارية ويرفعها إلى المجلس الشرعي الأعلى بالطريقة التسلسلية لتدقيقها وإقرارها قبل دخول السنة الجديدة.

المادة ٤٧: لا ينعقد المجلس الإداري إلا بحضور سبعة من أعضائه بما فيهم الرئيس على الأقل ولا تتخذ قراراته في هذه الحالة إلا بأكثرية خمسة أعضاء وقراراته نافذة بحد ذاتها إلا في الأمور المعلق نفاذها على مصادقة مفتي الجمهورية أو المجلس الشرعي الأعلى.

المادة ٤٨: تستأنف قرارات المجالس الإدارية إلى المجلس الشرعي الأعلى لمخالفتها للقوانين والأنظمة والتعليمات المرعية أو لإلحاقها الضرر بمصالح الأوقاف أو بحقوق ذوي العلاقة بها.

المادة ٤٩: يملك حق الاستئناف مدير الأوقاف العام ورؤسائها المحليون والمتضررون من ذوي العلاقة بها. ويقدم الاستئناف في مدة خمسة عشر يوماً وتبدأ هذه المدة بحق مدير الأوقاف ورؤسائها المحليين من تاريخ صدور القرار وبحق صاحب العلاقة من تاريخ تبليغه إياه أو علمه به علماً لازماً.

المادة ٧٠: يحق لمدير الأوقاف أن يستأنف أي قرار يتخذه أحد المجالس الإدارية في الملحقات خلافاً للقوانين والأنظمة والتعليمات المرعية أو لإلحاقه الضرر لمصلحة

الوقف في مدة شهر واحد من تاريخ صدور القرار إذا لم يستعمل رئيس الأوقاف المحلي حقه في الاستئناف.

المادة ٧١: لا يوقف الاستئناف تنفيذ القرار ما لم يأمر المجلس الشرعي الأعلى بوقف إنفاذه أما استئناف القرارات المتعلقة بالإنشاءات والاستبدال والتي تلحق ضرراً بالأوقاف فإنه يوقف التنفيذ حكماً.

مدير الأوقاف

المادة ٧٢: يتولى مدير الأوقاف العام إدارة أوقاف العاصمة والإشراف على إدارة الأوقاف في الملحقات ويرتبط مباشرة بمفتي الجمهورية ويكون مسؤولاً عن أعماله لديه وأمام المجلس الشرعي الأعلى. [تم تفسيرها بموجب قرار المجلس الشرعي الإسلامي الأعلى رقم ٢٥ تاريخ ١٦/٥/١٩٨٥].

المادة ٧٣: يتقيد مدير الأوقاف في تصرفاته بالقوانين والأنظمة والتعليمات المرعية ويسهر على حسن سير العمل في دوائر الأوقاف وعلى انتظام حال عقاراتها ومؤسساتها وجهاتها الخيرية.

المادة ٧٤: مدير الأوقاف العام هو الرئيس المباشر لموظفي دائرته ولرؤساء الأوقاف في المناطق ينفذون أوامره ويعملون بتعليماته في كل ما لا يخالف قوانين الأوقاف وأنظمتها وموازنتها.

وهو يعقد مع رؤساء الأوقاف في المناطق اجتماعات دورية كل ثلاثة أشهر لدرس شؤون الأوقاف والوسائل التي تؤدي إلى زيادة الواردات وضبط النفقات وحاجات الأوقاف واتخاذ القرارات اللازمة بهذه الشؤون وتقديم تقرير بالنتائج والمقررات والمقترحات لمفتي الجمهورية.

المادة ٧٥: لمدير الأوقاف العام في العاصمة صلاحية اتخاذ التدابير التأديبية بحق الموظفين الدينيين والإداريين في العاصمة والملحقات الذين يرتكبون تقصيراً أو إخلالاً بواجبات وظائفهم يستوجب التأنيب وحسم المرتب مدة أقصاها خمسة عشر يوماً، أما التدابير الأخرى فيقرها المجلس الإداري التابع له الموظف المسؤول بناء على التحقيقات المجراة بحقه على أن يقترن بتصديق المجلس الشرعي الأعلى إن هي قضت بتنزيل

الدرجة أو الرتبة أو بالعزل، وفي كل حال فقرار مدير الأوقاف العام قابل للمراجعة من قبل الموظف المعاقب أمام المجلس الشرعي الأعلى في مهلة عشرة أيام من تاريخ التبليغ. المادة ٧٦: يحق لمدير الأوقاف العام في العاصمة أن يقرر كف يد أي موظف ديني أو إداري باستثناء رؤساء الأوقاف المحليين، ارتكب إخلالاً كبيراً بواجبات وظيفته بانتظار نتيجة التحقيق والبت فيها ولا ينفذ هذا التدبير إلا بعد مصادقة مفتي الجمهورية عليه وتتوقف تأدية نصف المرتب إلى الموظف المكفوف اليد حتى صدور القرار المقتضى بحقه.

المادة ٧٧: لمدير الأوقاف العام الاقتراح بتعيين موظفي دوائر الأوقاف وترقيتهم كما يعود له في العاصمة ولرؤساء الدوائر في المناطق تعيين الحجاب والخدم وأمثالهم من صغار المستخدمين بعد موافقة المجلس الإداري وذلك ضمن الاعتمادات المحددة في الميزانية.

المادة ٧٨: يقوم مدير الأوقاف بتنفيذ قرارات المجلس الإداري وقرارات المجلس الشرعي التي تحال عليه للتنفيذ.

رؤساء الأوقاف المحليون

المادة ٧٩: يدير الأوقاف في المناطق رؤساء محليون يعينون بقرار من مفتي الجمهورية اللبنانية بناء على اقتراح من المفتي المحلي أو مدير الأوقاف العام ووفقاً لتصديق المجلس الشرعي الإسلامي الأعلى على هذا الاقتراح ويتبعون مباشرة مدير الأوقاف العام في العاصمة ويهتم كل منهم بشؤون الأوقاف الواقعة في منطقة المحافظة المعين لها. ويشترط في تعيين كل من رئيسي دائرة أوقاف طرابلس وصيدا ما يشترط في تعيين المدير العام.

المادة ٨٠: يتمتع رئيس الأوقاف المحلي في دائرة عمله وفي علاقته بالمجلس الإداري في منطقتة بمثل الصلاحيات المقررة لمدير الأوقاف العام في المواد السابقة.

أحكام انتقالية

المادة ٨١: يعين مفتي الجمهورية اللبنانية بقرار منه أعضاء مجلس الإفتاء الاستشاري

وفقاً لأحكام الفقرة /ج/ من المادة ٣ المعدلة من هذا المرسوم وذلك خلال شهرين من تاريخ نشر هذا التعديل.

المادة ٨٢: يعتبر المجلس الشرعي الإسلامي الأعلى الحالي منحلاً من تاريخ نشر هذه التعديلات في الجريدة الرسمية.

ويدعو مفتي الجمهورية تبعاً لذلك في خلال شهر على الأكثر الهيئات الناخبة لانتخاب المجلس الشرعي وفقاً للمادة /٤٠/ المعدلة واختيار الأعضاء المعينين وفقاً للمادة المشار إليها.

ويقوم مفتي الجمهورية اللبنانية بحل المجالس الإدارية في العاصمة والمناطق في خلال ستة أشهر من تاريخ نشر هذا التعديل.

المادة ٨٣: تحل اللجنة الدائمة الحالية محل المجلس الشرعي الإسلامي الأعلى المنحل وتقوم بأعماله وتتمتع بصلاحياته كاملة حتى إعادة تأليفه.

المادة ٨٤: يدعو مفتي الجمهورية المجلس الشرعي الإسلامي الأعلى للاجتماع بمدة خمسة عشر يوماً من إتمام تأليفه لينتخب في أول جلسة يعقدها نائب رئيسه ولجانته المحددة في المادة ٥٤ المعدلة من هذا المرسوم.

المادة ٨٥: تخضع لهذا التعديل جميع المواد المتعلقة بنظام موظفي الجهاز الإداري الصادر في ١١/٢١/١٩٦٢ والجهاز الديني الصادر في ١/٦/١٩٦٦ المتعارضة معه.

المادة ٨٦: يلغى كل نص وارد في هذا المرسوم يتعارض وهذه التعديلات.

المادة ٨٧: حال انحلال المجلس الشرعي تقوم اللجنة الدائمة المكلفة بمهام لجنة الطعون والتأديب.

[نصت المادة /٥٢/ الملغاة على ما يلي: يجوز لمفتي الجمهورية أن يطلب من المجلس إعادة النظر مرة واحدة في أي قرار من قراراته لأسباب وجيهة يوردها في مذكرة الطلب].

ملاحظة: المادة /٤٣/ لم يرد نص فيها منذ صدور المرسوم الاشتراعي رقم ١٨/٥٥ ولم يتم التنبيه لتسلسل الأرقام].

صدر المرسوم ١٨ في ١٣/١/١٩٥٥

الإمضاء كميل شمعون

صدر عن رئيس الجمهورية

رئيس مجلس الوزراء

الإمضاء: سامي الصلح

وزير الخارجية والمغتربين

الإمضاء: الفريد نقاش

وزير الداخلية

الإمضاء: جبرائيل المر

وزير الزراعة والبريد والهاتف

الإمضاء: سليم حيدر

وزير الأشغال العامة

الإمضاء: نعيم مغبغب

وزير التعليم العام

الإمضاء: سامي الصلح

وزير العدل والصحة العامة

الإمضاء: شارل حلو

وزير المال والأنباء

الإمضاء: محيي الدين النصولي

وزير الدفاع الوطني

الإمضاء: مجيد أرسلان

وزير الاقتصاد الشؤون الاجتماعية

الإمضاء: رشيد كرامي

نشر هذا المرسوم الاشتراعي في العدد ٣ من الجريدة الرسمية الصادر بتاريخ

١٩٥٥/١/١٩.

أقر مجلس النواب

ونشر رئيس الجمهورية

القانون الآتي نصه:

مادة وحيدة: تدعى الهيئات الانتخابية المنصوص عليها في المادة ٢٩ من المرسوم

الاشتراعي رقم ١٨ إلى انتخاب مجلس شرعي أعلى جديد وفاقاً لأحكام المادة ٤٢ من

هذا المرسوم الاشتراعي في مدة عشرة أيام من تاريخ نشر هذا القانون.

ويحق للمجلس الشرعي الإسلامي الأعلى أن يعيد النظر في جميع أحكام المرسوم

الاشتراعي المذكور وأن يعدل ما يراه ضرورياً منها لتحقيق الغاية الأساسية منه، وتكون

قراراته في هذا الصدد وفي كل ما يتعلق بالإفتاء وبتنظيم شؤون الطائفة الدينية وإدارة

أوقافها نافذة بذاتها على أن لا تتعارض مع أحكام القوانين المتعلقة بالانتظام العام.

بيروت في ٢٨ أيار ١٩٥٦

الإمضاء: كميل شمعون

رئيس مجلس الوزراء

عبد الله اليافي

وزير العدل

محمد صبرا

نشر في الجريدة الرسمية تاريخ ٣٠ أيار ١٩٥٦ العدد ٢٢.

التعديلات الطارئة على المرسوم الاشتراعي رقم ٥٥/١٨

١- القانون الصادر عن مجلس النواب تاريخ ٣٠/٥/١٩٥٦، والقرار رقم ٢٥/ تاريخ

٧٩/٥/٣١.

٢- تقرير رئيس اللجنة التشريعية الأستاذ وفيق القصار.

٣- قرار المجلس الشرعي الإسلامي الأعلى رقم ١٢/ تاريخ ١١/٢/١٩٨٢.

٤- قرار المجلس الشرعي الإسلامي الأعلى رقم ٢٠/ تاريخ ١٦/٥/٨٥.

٥- قرار المجلس الشرعي الإسلامي الأعلى رقم ٥/ تاريخ ١٦/٣/٩٤.

٦- قرار المجلس الشرعي الإسلامي الأعلى رقم ٥٠/ تاريخ ٢٨/١٢/٩٦.

قرار رقم ٥٠

تعديل المرسوم الاشتراعي رقم ١٨/٥٥

إن المجلس الشرعي الإسلامي الأعلى

بناء على المرسوم الاشتراعي رقم ١٨ تاريخ ١٣/١/١٩٥٥ وتعديلاته

بناء على القانون الصادر بتاريخ ٢٨/٥/١٩٥٦ الذي أناط بالمجلس الشرعي

الإسلامي الأعلى حق تعديل المرسوم الاشتراعي رقم ١٨ تاريخ ١٣/١/١٩٥٥.

بناء على القرار رقم ٥ تاريخ ٢/٣/١٩٦٧ (تعديل المرسوم الاشتراعي رقم ١٨ تاريخ

١٣/١/١٩٥٥).

وبناء لمقتضيات المصلحة الإسلامية العليا،

يقرر ما يأتي:

المادة الأولى: تعدل المادة ٦ من المرسوم الاشتراعي رقم ١٨ تاريخ ١٣/١/١٩٥٥ المعدل على النحو التالي:

المادة ٦: ينتخب مفتي الجمهورية لولاية تنتهي ببلوغه سن الثانية والسبعين على أن تقل في مطلق الأحوال عن خمس سنوات (والباقي دون تعديل).

المادة الثانية: تلغى المواد ٧ و٨ و١٣ من المرسوم الاشتراعي رقم ١٨/١٩٥٥ المعدل ويستعاض عنها بالمواد التالية:

المادة ٧: لكل عضو من أعضاء المجلس الشرعي الإسلامي الأعلى أن يرشح في جلسة الانتخاب الشخص الذي تتوفر فيه الشروط المنصوص عليها في المادة الخامسة، ولا يكون الترشيح مقبولاً إلا إذا تتي عليه عضوان آخران من المجلس.

المادة ٨: يتألف مجلس الانتخاب الإسلامي من:

١- رئيس مجلس الوزراء العامل ورؤساء الوزراء السابقين.

٢- الوزراء المسلمين السنيين العاملين.

٣- النواب المسلمين السنيين العاملين.

٤- أعضاء المجلس الشرعي الإسلامي الأعلى.

٥- المفتين المحليين العاملين.

٦- العلماء قضاة الشرع الشريف العاملين.

٧- العلماء قضاة الشرع الشريف المتقاعدين.

٨- أمين الفتوى في كل من بيروت وطرابلس.

٩- المدير العام للأوقاف الإسلامية.

المادة ١٣: يجتمع مجلس الانتخاب الإسلامي بدعوة من رئيس مجلس الوزراء، وتبلغ الدعوة لصقاً على باب دار الفتوى.

المادة الثالثة: تضاف إلى الفقرة الأولى من المادة ٢٥ من المرسوم الاشتراعي رقم ١٨/١٩٥٥ الفقرة التالية:

وفي حال الفوز بالتزكية، يجري تنصيب المفتي فور إعلان النتيجة.

المادة الرابعة: أ- خلافاً لكل نص آخر، يثبت المفتون المحليون المكلفون حالياً في مناصبهم وهم أصحاب السماحة:

- الشيخ محمد طه الصابونجي.

- الشيخ خليل الميس.

- الشيخ مصطفى غادر.

ب- تنتهي ولاية المفتي المحلي عند بلوغه سن السبعين.

ج- لا تطبق أحكام الفقرة (ب) على المفتين المحليين الحاليين منهم والمثبتين بموجب الفقرة (أ) إلا بعد مضي خمس سنوات على تاريخ صدور هذا القرار.

المادة الخامسة: يلغى كل نص يتعارض وأحكام هذا القرار، ويعمل به فور لصقه على باب دار الفتوى وينشر حيث تدعو الحاجة.

بيروت في ١٨ شعبان ١٤١٧هـ
و٢٨ كانون الأول ١٩٩٦م
القائم مقام مفتي الجمهورية اللبنانية
رئيس المجلس الشرعي الإسلامي الأعلى
محمد رشيد راغب قباني

قرار رقم ٥

الصادر عن المجلس الشرعي الإسلامي الأعلى

بتاريخ ٤/١٠/١٤١٤هـ و٣/١٦/١٩٩٤م.

الموضوع: تفسير بعض البنود الواردة في المرسوم الاشتراعي رقم ١٨/١٩٥٥ وتعديلاته المتعلقة بالهيئة الناخبة.

إن المجلس الشرعي الإسلامي الأعلى

بناء لأحكام المادة رقم ٣٨ من المرسوم الاشتراعي رقم ١٨/١٩٥٥ المعدل.

بناء لأحكام المادة رقم ١ من النظام الداخلي للمجلس رقم ٢/١٩٧٨ المعدل.

بناء لأحكام القانون الصادر عن المجلس النيابي بتاريخ ٢٨/٥/١٩٥٦.

بناء على قرار اللجنة التشريعية رقم ١ بتاريخ ١٢/٨/١٩٩٣.

بناء على القرار السابق رقم ٥٣ بتاريخ ١/١٢/١٩٩٣.

بناء على مقتضيات المصلحة الإسلامية.

يقرن:

أولاً: بالنسبة للفقرة (٩) من المادة الثامنة من المرسوم رقم ١٨ لسنة ١٩٥٥ وتعديلاته: يؤخذ بعين الاعتبار الغرف التجارية والزراعية وجمعيتي التجار والصناعيين المنظمة بقانون، أما بالنسبة للنقابات المتكررة في بيروت وطرابلس فإن كل نقابة من نقابات المحامين، والأطباء، وأطباء الأسنان، والصيدالة، والمهندسين، والمعلمين، والصحافيين، ومحربي الصحف (المنظمة بقانون) يدخل مندوبوها ضمن من لهم حق الانتخاب.

ثانياً: بالنسبة للفقرة (١٥) من المادة الثامنة من المرسوم المذكور: فإنه يقصد بالأستاذ الجامعي: الأستاذ المتفرغ المثبت في الملاك، وفقاً لنظام التعليم العالي في الجامعة اللبنانية، أما الجامعات المقبولة فهي كل جامعة معترف بها ومرخص لها قانوناً في لبنان.

ثالثاً: بالنسبة للفقرة (١١) من المادة الثامنة من المرسوم المذكور فإنها تفسر كما يلي: ألف: يقصد بالخطباء والأئمة والمدرسين: الموظفون المعينون المثبتون من الفئات المذكورة الحائزون على شهادة دينية، أو الذين ثبتوا في الوظيفة بعد مضي عشر سنوات عليهم في الوظيفة ممن لا يحملون شهادة دينية، وذلك وفقاً لنظام الجهاز الديني رقم ٣٤ لسنة ١٩٦٨.

- أما المكلف والمتعاقد فلا يحق له الانتخاب.

- وإذا صرف الخطيب أو الإمام أو المدرس من الوظيفة فلا يعدّ داخلياً في الملاك، وبالتالي لا يحق له الانتخاب.

باء: يقصد بالشهادة الدينية العالية الإجازة الجامعية (الليسانس) الممنوحة من كلية دينية جامعية معترف بها ومرخص لها قانوناً في لبنان أو من خارج لبنان، المصدقة رسمياً والمعادلة من قبل لجنة المعادلات في المجلس الشرعي الإسلامي الأعلى. ولا يعتد بالشهادة الجامعية العليا (الماجستير أو الدكتوراه) غير المبنية على الإجازة الدينية الجامعية (الليسانس).

أما الشهادات الصادرة عن كليات اللغة العربية والآداب وسواها من الكليات غير المتخصصة في العلوم الدينية فلا تعتبر شهادات دينية.

القائم مقام مفتي الجمهورية اللبنانية
رئيس المجلس الشرعي الإسلامي الأعلى
د. الشيخ محمد رشيد قباني

قرار رقم ٢٠

الصادر عن المجلس الشرعي الإسلامي الأعلى

بتاريخ ٢٦ شعبان ١٤٠٥ و ١٦ أيار ١٩٨٥

الموضوع: صلاحيات المدير العام للأوقاف الإسلامية في بيروت.

إن المجلس الشرعي الإسلامي الأعلى

بناء لأحكام المرسوم الاشتراعي رقم ٥٥/١٨ المعدل بالقرار رقم ٥ تاريخ ٢/٣/١٩٦٧

بناء لأحكام القانون الصادر بتاريخ ٢٨/٥/١٩٥٦.

بناء على قرار اللجنة التشريعية للمجلس الشرعي رقم ٥ تاريخ ١٦/١/١٩٨٥.

يقر:

الموافقة والتصديق على التفسير الذي قدمه رئيس اللجنة التشريعية من أن

الصلاحيات المنصوص عنها في المادة ٧٢ من المرسوم الاشتراعي رقم ٥٥/١٨ المعدل

(والعائدة لصلاحيات المدير العام للأوقاف الإسلامية) تشمل جميع الأمور المتعلقة

بالأوقاف الإسلامية على كافة الأراضي اللبنانية وعلى الأخص منها تمثيل الإدارة لدى

كافة المراجع الرسمية والإدارية والقضائية وسواها وله حق توكيل من يشاء من الأشخاص

لتمثيل دوائر الأوقاف كما أن لرؤساء الدوائر الوقفية في المناطق ذات الصفة فيما يتعلق

بدوائهم.

وكذلك الموافقة على القرار الصادر عن سماحة مفتي الجمهورية اللبنانية رقم ٥٣/م

تاريخ ٣/١٢/١٩٨٤ المتضمن: (التصديق على عقد التوكيل الموقع من المدير العام

للأوقاف الإسلامية في بيروت المحامي الأستاذ هاني عبد الرؤوف القباني لتمثيل إدارة الأوقاف الإسلامية بالدعوى المتكونة بين هذه الإدارة وآل البلطجي لدى المحاكم الشرعية في بيروت).

مفتي الجمهورية اللبنانية
رئيس المجلس الشرعي الإسلامي الأعلى
(الشيخ حسن خالد)

القانون الصادر عن مجلس النواب اللبناني

بتاريخ ٢٨ أيار ١٩٥٦

تعديل المرسوم الاشتراعي رقم ١٨ لعام ١٩٥٥

أقر مجلس النواب

ونشر رئيس الجمهورية القانون الآتي نصه:

مادة وحيدة: تدعى الهيئات الانتخابية المنصوص عليها في المادة ٢٩ من المرسوم الاشتراعي رقم ١٨ إلى انتخاب مجلس شرعي أعلى جديد وفقاً لأحكام المادة ٤٢ من هذا المرسوم الاشتراعي في مدة عشرة أيام من تاريخ نشر هذا القانون. ويحق للمجلس الشرعي الإسلامي الأعلى أن يعيد النظر في جميع أحكام المرسوم الاشتراعي المذكور وأن يعدل ما يراه ضرورياً منها لتحقيق الغاية الأساسية منه، وتكون قراراته في هذا الصدد وفي كل ما يتعلق بالإفتاء وتنظيم شؤون الطائفة الدينية وإدارة أوقافها نافذة بذاتها على أن لا تتعارض مع أحكام القوانين المتعلقة بالانتظام العام.
نشر في الجريدة الرسمية تاريخ ٣٠ أيار ١٩٥٦ العدد ٢٢.

قرار رقم ٢٥

الصادر عن المجلس الشرعي الإسلامي الأعلى

تاریخ ٥ رجب ١٣٩٩هـ و ٣١ أيار سنة ١٩٧٩م.

إن المجلس الشرعي الإسلامي الأعلى

بناء لأحكام القانون الصادر بتاريخ ٢٨ أيار سنة ١٩٥٦.

بناء على الظروف الاستثنائية الراهنة.

يقرر ما يأتي:

إعطاء الحق للمجلس الشرعي الإسلامي الأعلى في تمديد ولايته وولاية المجالس

الإدارية في الظروف الاستثنائية ويعمل به فوراً.

نشر في الجريدة الرسمية عدد ٢٤ تاريخ ١٤/٦/١٩٧٩.

قرار رقم ١٢

الصادر عن المجلس الشرعي الإسلامي الأعلى

تاریخ ١٧ ربيع الثاني ١٤٠٦هـ و ١١ شباط ١٩٨٢م.

الموضوع: إشراك رؤساء بلديات الميناء والبدوي بانتخابات مفتي طرابلس.

إن المجلس الشرعي الإسلامي الأعلى

بعد الاطلاع على قرار اللجنة التشريعية رقم ٩ تاريخ ٤/١٢/١٩٨٠ المتضمن:

تلي تقرير رئيس اللجنة التشريعية الأستاذ وفيق القصار المتضمن دراسة مطالعة

محامي الأوقاف الأستاذ عمر مسقاوي واقتراح النقيب الأستاذ عدنان الجسر بصدد تعديل

المادة ٢٩ من المرسوم الاشتراعي رقم ١٨/٥٥ بغية تمكن رؤساء بلديات قضاء طرابلس

الاشتراك بانتخاب مفتي طرابلس وسائر رؤساء لجان الأوقاف في القرى التابعة لقضاء

طرابلس، والقضاة الشرعيين والعدليين المسلمين السنين من أبناء القضاء في حال

وجودهم.

والتعديل المقترح من عضو اللجنة الأستاذ عدنان الجسر للفقرة الرابعة من المادة ٢٩

من المرسوم الاشتراعي رقم ٥٥/١٨ يتضمن ضم:

٤- رئيس وأعضاء المجلس البلدي المسلمين السنين في مركز المحافظة والبلدات التابعة لهذا المركزان وجدت.

وقد أضاف الأستاذ عدنان الجسر أن اقتراح التعديل المقدم مني يتلاقى مع التفسير الذي قدمه الأستاذ عمر مسقاوي محامي الأوقاف لجهة أن مفتي طرابلس هو مفتي لقضاء طرابلس أيضاً ومن هذا المنطلق يحق بانتظار تعديل المقترح مني بإشراك جميع رؤساء وأعضاء مجلس بلديات القضاء المسلمين السنين باشتراك انتخاب المفتي يحق حالياً لرؤساء بلديات قضاء طرابلس الأشتراك بانتخاب مفتي طرابلس بوصفه مفتياً للقضاء وكذلك جميع رؤساء اللجان الوقفية المنصوص عنها في انتخاب مفتي القضاء، ولذلك نقترح أن يصار إلى تفسير الفقرة الرابعة من المادة ٢٩ من المرسوم ٥٥/١٨ أنها تشمل رؤساء بلديات قضاء طرابلس ورؤساء اللجان الوقفية بانتظار تعديل المادة ٢٩ كما هي مقدمة باقتراحي والذي من شأنه أن يضم من سبق ذكرهم من رؤساء أعضاء المجالس البلدية.

أما رئيس اللجنة الأستاذ وفيق القصار فقد صرح بأن التقرير الذي أعده وقدمه للجنة التشريعية يتضمن دراسة مستفيضة لجميع جوانب هذه القضية على ضوء نصوص المرسوم الاشتراعي رقم ١٨ المتعلقة بالهيئة الانتخابية لمفتي المحافظة. وأن يؤيد التقرير بجميع ما ورد فيه.

وبالنظر إلى عدم اتفاق الآراء حول هذا الموضوع وكذلك بالنظر لأهميته من حيث وجوب التعديل أو التفسير للبند ٤ من المادة ٢٩ من المرسوم الاشتراعي رقم ٥٥/١٨ فقد قررت اللجنة رفع القضية إلى المجلس الشرعي الإسلامي الأعلى لمناقشتها والبت فيها. وبعد الاطلاع على الدراسة المقدمة من النقيب الأستاذ عدنان الجسر المؤرخة في ١٩/٩/١٩٧٩ المتضمنة:

من مراجعة المادة ٢٩/ من المرسوم الاشتراعي رقم ٥٥/١٨ لفت انتباهي في عرض بيان الهيئة الناخبة للمفتين المحليين أن مفتي القضاء يشترك في انتخابه جميع

رؤساء البلديات التابعة للقضاء المقطع / ج / من الفقرة ٧ من المادة ٢٩ /:

ج- «رؤساء البلديات المسلمون في مركز القضاء وفي القرى التابعة له».

في تباين أن الفقرة ٤ / من نفس المادة حصرت في معرض انتخاب مفتي المحافظة من المشاركة برئيس وأعضاء المجلس البلدي المسلمون السنيون في مركز المحافظة. علماً أن مفتي طرابلس مثلاً هو مفتي قضاء طرابلس الذي يتألف من بلديات: طرابلس المدينة، وطرابلس الميناء، والقلمون، والمنية وسير، وبخعون، وغيرها من القرى التي لا يحضرنى أسماؤها.

ولما كان هذا التباين يشكل تناقضاً في أسباب التشريع فضلاً عن الحيف الذي يلحق بتلك البلديات لعدم اشتراكها في انتخاب مفتيها، مع لفت النظر أيضاً إلى أن الفقرة ٥ / من نفس المادة في معرض الكلام عن مركز إفتاء زحله أعطت لجميع رؤساء بلديات البقاع الغربي المسلمون السنيون حق الاشتراك بانتخاب مفتي زحله.

مع الملاحظة الأخيرة أن مركز المحافظة في الشمال هو طرابلس وأن وجود بلديتين في طرابلس المدينة والميناء لا ينفي عن بلدية الميناء كونها مركز المحافظة.

وبما أننا قادمون على انتخاب مفتي لطرابلس، والذي جرى العرف أن يطلق عليه اسم مفتي طرابلس والشمال.

لذلك: أقترح تعديل الفقرة الرابعة من المادة ٢٩ / من المرسوم الاشتراعي رقم ١٨ / ٥٥ على النحو التالي:

٤- رئيس وأعضاء المجلس البلدي المسلمون السنيون في مركز المحافظة والبلديات التابعة لهذا المركز إن وجدت.

وعلى مطالعة محامي دائرة أوقاف طرابلس المؤرخ في ١٧ / ٤ / ١٩٨٠ التي تؤيد إشراك رؤساء البلديات في انتخاب مفتي طرابلس.

وعلى كتاب محامي المديرية الرئيس الأستاذ شفيق الوزان المؤرخ في ٢٥ / ٧ / ١٩٨٠ المتضمن:

في أساس الموضوع من باب الاستجابة وإبداء الرأي فأقول بأنه لا يجوز من حيث

المبدأ أن يحرم أعضاء بلديات تابعة لقضاء طرابلس من المشاركة في انتخاب مفتي طرابلس والتعديل المطلوب يبدو منطقياً ومقبولاً إلا إذا كان هناك من وجهات النظر الخفية أملت على واضعي المادة / ٢٩ / هذا الاتجاه، ولا شك أن المناقشة هي التي تبلور الرأي الصحيح الذي يتلاءم والمصلحة الإسلامية.

وبعد الاستماع إلى المناقشات والمطالعات الشفوية من السادة الأعضاء تقرر بالأكثرية:

أولاً: اعتبار المادة ٢٩ من المرسوم الاشتراعي رقم ١٨/٥٥ المعدل بالقرار رقم ٥ تاريخ ٢٥/٣/١٩٦٧ والفقرة الرابعة بالذات شاملة نصاً لا تفسيراً على إشراك جميع رؤساء البلديات في القضاء بانتخاب مفتي طرابلس، بما فيها بلديتي الميناء والبدوي، أما في مركز المحافظة في طرابلس فيشمل إشراك رئيس وأعضاء المجلس البلدي.

ثانياً: بالمناسبة قرر المجلس الطلب إلى اللجنة التشريعية درس إمكانية تعديل هذه المادة بقصد إدخال الأقضية التي في الشمال والتي ليس لها مفتي، وتابعة لطرابلس من الناحية الواقعية ليشملها النص ويعني بها الدورة والزاوية والبترون.

تقرير

رئيس اللجنة التشريعية الأستاذ وفيق القصار

عن طلب بلدية الميناء الاشتراك في انتخاب مفتي طرابلس وعن الاقتراحين المقدمين تأييداً لهذا الطلب بطريقة التفسير أو التعديل للمادة ٢٩ من المرسوم الاشتراعي رقم ١٨ المعدل بالقرار رقم ٥.

أحال سماحة مفتي الجمهورية بموجب كتاب الأمين العام للمجلس الشرعي الإسلامي الأعلى رقم ٣٢٨/٨٠ تاريخ ١٤/١٠/٨٠ على رئيس اللجنة التشريعية للمجلس الملف المتعلق بطلب رئيس وأعضاء المجلس البلدي للميناء الاشتراك في انتخاب مفتي طرابلس وبالاقتراحين المقدمين تفسيراً وتعديلاً للمادة ٢٩ من المرسوم الاشتراعي رقم ١٨ المعدل بالقرار رقم ٥ تأييداً لذلك الطلب.

ويشتمل الملف على مطالعة محامي دائرة أوقاف طرابلس يؤيد فيها الطلب المذكور عن طريق تفسير المادة ٢٩ بالاستناد إلى جدول تحديد المناطق الإدارية الملحق بالمرسوم الاشتراعي رقم ١١ تاريخ ٢٩/١٢/١٩٥٤، كما يشتمل الملف على اقتراح عضو المجلس الشرعي الإسلامي الأعلى الأستاذ عدنان الجسرتعديل المادة ٢٩ بالنص على انضمام رئيس وأعضاء المجلس البلدي المسلمين السنين في مركز المحافظة والبلديات التابعة لهذا المركز.

والجدير بالذكر أن الميناء «الاسكلة» هي حسب جدول التقسيم الإداري بلدة من ضمن قضاء طرابلس، رغم كونها المرفأ التجاري لمدينة طرابلس والمفروض أن تكون حياً من أحيائها وتشكل مع هذه الأحياء دائرة انتخابية بلدية واحدة.

ومطالعنا في هذا الموضوع هي ما يلي:

أولاً: مراعاة المرسوم الاشتراعي رقم ١٨ لأهمية مراتب مناصب الإفتاء في تشكيل

الهيئة الانتخابية لكل منها.

إن المرسوم الاشتراعي رقم ١٨ المعدل بالقرار رقم ٥ قد راعى تسلسل مراتب الإفتاء في تعيين الهيئة الانتخابية لكل منصب منها، أخذاً بعين الاعتبار أهمية المركز الديني على الصعيدين السياسي والاجتماعي ومحاولاً تأمين التمثيل لكل منطقة بالقدر المتناسب مع هذه العوامل المميزة لكل مرتبة من مراتب الإفتاء.

وهكذا نرى أن المجلس الانتخابي لمنصب مفتي الجمهورية بوصفه الرئيس الديني للمسلمين والناطق باسمهم وممثلهم بهذا الوصف لدى السلطات العامة يضم فئة من المسلمين ذوي المقامات العالية لا وجود لهم في الهيئة الانتخابية لمفتي مركز المنطقة أي المحافظة ومثل ذلك في الهيئة الانتخابية لمفتي القضاء بالمقارنة مع مفتي مركز المحافظة.

ثانياً: صراحة نصوص المرسوم الاشتراعي في تشكيل الهيئات الانتخابية لا تترك

مجالاً لأي تفسير مناقض لها، وهي نصوص خاصة لا يمكن تفسيرها بالاستناد نصوص

عامة لا تأتلف معها.

إن نصوص المرسوم الاشتراعي رقم ١٨ المتعلقة بالهيئات الانتخابية لمناصب الإفتاء في مراتبها الثلاث، هي صريحة واضحة لا تترك مجالاً لأي تفسير مناقض لها، كما أنها نصوص خاصة لا يمكن تأويلها استناداً إلى نصوص عامة إلا بالقدر المؤتلف معها. فالمادة ٢٩ من المرسوم الاشتراعي رقم ١٨ قد حددت بوضوح كيفية تشكيل الهيئة الانتخابية لمنصب مفتي مركز المنطقة أي المحافظة في البنود ١ و ٢ و ٣ و ٤ و ٥ و ٦، ومن جملة الممثلين الذين تتألف منهم هذه الهيئة الانتخابية: ٤ / رئيس وأعضاء المجلس البلدي المسلمون السنيون في مركز المحافظة، ومخصصة بهذا النص الرئيس والأعضاء للمجلس البلدي في المركز المذكور وهذا التخصيص لا يفسح المجال لانضمام رؤساء وأعضاء المجالس البلدية في الأفضية التابعة لمركز المحافظة إلى الهيئة الانتخابية لمفتي هذا المركز.

بينما البند ٧ من المادة ٢٩ ذاتها الذي يحدد الهيئة الانتخابية لمفتي القضاء من بعض الممثلين المذكورين يضم إليهم: ج- رؤساء البلديات المسلمين السنيين في مركز القضاء وفي القرى التابعة له ومتى كان نص المادة ٢٩ رقم ١٨ بهذا القدر من الصراحة والتخصيص فلا سبيل إلى تفسيره بصورة منافية لهما وبالتالي إلى اعتبار رؤساء وأعضاء المجالس البلدية في الأفضية مشاركين في انتخاب مفتي مركز المحافظة. ومن جهة أخرى فإن التقسيم الإداري لمحافظة الشمال حسب الجدول الملحق بالمرسوم الاشتراعي رقم ١١ تاريخ ٢٩ / ١٢ / ١٩٥٤ الذي يجعل مدينة طرابلس مركزاً لمحافظة الشمال ومركزاً لقضاء طرابلس لا يعني أن هذه الصفة المزدوجة لمدينة طرابلس تسمح بتفسيره المادة ٢٩ خلافاً لمنطوقها والتسليم بحق رؤساء وأعضاء المجالس البلدية في قضاء طرابلس في الانضمام إلى الهيئة الانتخابية لمنصب مفتي مدينة طرابلس، ذلك أن الجدول المتعلق بالتقسيمات الإدارية لأراضي اللبنانية يختلف موضوعاً عن المرسوم الاشتراعي المتعلق بتنظيم الإفتاء والأوقاف الإسلامية من جهة، وإن تطبيق ذلك التقسيم إنما يكون بالقدر المتلائم مع نصوص المرسوم الاشتراعي المذكور من جهة أخرى.

فإذا كان المرسوم الاشتراعي رقم ١٨ يختص في مادته ٢٩، رئيس وأعضاء المجلس البلدي المسلمين السنين في مركز المحافظة بالاشتراك في انتخاب مفتي هذا المركز، وبالتالي مفتي مدينة طرابلس، وكانت هذه المدينة حسب التقسيم الإداري لمحافظة الشمال مركزاً لهذه المحافظة ومركزاً لقضاء طرابلس، فلا يستلزم ذلك جواز الاستناد إلى هذا التقسيم لمخالفة النص الصريح للمادة ٢٩ من المرسوم الاشتراعي رقم ١٨، وضم فئات أخرى من الناخبين إلى الهيئة الانتخابية المحددة في تلك المادة، لأن من شأن ذلك الزيادة في النص التي تشكل تعديلاً لمنطوقه وليس تفسيراً له.

وأخيراً فإن الاستشهاد بالفقرة قبل الأخيرة من المادة ٢٩ من المرسوم الاشتراعي التي تشرك رؤساء البلديات المسلمين السنين في انتخاب مفتي البقاع، لا يصلح حجة على وجوب تفسير المادة المذكورة خلافاً لنصها الصريح ولأن الباعث على ذلك النص بالنسبة إلى مفتي البقاع هو أن التمثيل الإسلامي في الأجهزة الإدارية والقضائية في مركز محافظة البقاع وهو مدينة زحلة ضئيل جداً وأن الأكثرية الإسلامية السنية تتواجد في قضاء البقاع الغربي والقرى التابعة لها.

ثالثاً: المطالبة بتعديل المادة ٢٩ من المرسوم الاشتراعي بما يسمح لرؤساء وأعضاء

البلديات التابعة لمركز المحافظة في انتخاب مفتي هذا المركز.

إن المطالبة بتعديل المادة ٢٩ بندها ٤ من المرسوم الاشتراعي رقم ١٨ بإدخال رؤساء وأعضاء المسلمين السنين في المجالس البلدية التابعة لمركز المحافظة هي الوسيلة الصحيحة لبلوغ هذه الغاية.

والتعديل المقترح للمادة المذكورة يتطلب انعقاد المجلس الشرعي الإسلامي الأعلى بأكثرية ثلاثة أرباع من موضوع أعضائه عملاً بالمادة ٥٥ من المرسوم الاشتراعي رقم ١٨. بيد أن التعديل المقترح له محاذير، لأنه يحدث اختلالاً في التوازن بين الهيئات الانتخابية لمناصب الإفتاء في مراكز المحافظ وفي الأفضية التابعة له، فمحافظة الشمال تشمل على ستة أفضية منها قضاء طرابلس وقضاء عكار وقضاء الكوره وهي في هذه الأفضية مجالس أو لجان بلدية كثيرة العدد، فإذا أجاز لرؤساء وأعضاء هذه المجالس أو

اللجان الاشتراك في انتخاب مفتي مركز المحافظة لمدينة طرابلس، وهي المدينة الثانية بعد العاصمة بيروت من حيث الأهمية بعدد سكانها وأكثريتها الإسلامية ورجال الدين المسلمين فيها، فستكون الأكثرية في الهيئة الانتخابية لمنصب مفتي طرابلس لرؤساء وأعضاء المجالس أو اللجان البلدية في الأفضية رغم الأهمية التي تتمتع بها مدينة طرابلس على المستويات الدينية والسياسية والاقتصادية والاجتماعية.

رابعاً: وجوب التقييد بالنصوص الحالية ريثما يتم تعديل المادة ٢٩ من المرسوم الاشتراعي رقم ١٨ على الوجه المقترح أو وجه آخر.

وإلى أن يتم تعديل المادة ٢٦ من المرسوم الاشتراعي رقم ١٨ على الوجه المقترح أو أي وجه آخر يسمح بضم ممثلين عن الأفضية الهيئة الانتخابية لمنصب مفتي طرابلس فإن الانتخاب لهذا المنصب الشاغراً لا يمكن أن يجري حالياً إلا على أساس النص الحالي للمادة ٢٩ وطبقاً لبنودها الستة دون سواها.

المقرر

رئيس اللجنة التشريعية

وفيق القصار

